

# مبانی نظری مشارکت

## و ضرورت‌های آن

• دکتر نعمت‌اله متین  
• قسمت اول

### مقدمه

موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و جوانب مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ براساس مشارکتهای مردم استوار بوده است، لیکن این مفهوم امروز اهمیتی دوچندان پیدا کرده و همواره به عنوان یک ضرورت تاریخی، در عرصه‌های گوناگون مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و دست‌اندرکاران-بویژه در زمینه‌های مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی- قرار گرفته است، به گونه‌ای که به نظر برخی از اندیشه‌گران، محور اساسی توسعه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است. با عنایت به این واقعیت که رشد ملی نه فقط به مدد منابع مادی، بلکه بیشتر به یاری و مشارکت انسان‌ها صورت می‌پذیرد و تصمیم‌های گروهی، توجه به نیازهای محلی و گروهی، رودررویی مستقیم با مسائل و حل فوری آن نیز به مدد اندیشه و تفکر جمعی امکان‌پذیر است، به همین دلیل نیز ضرورت مشارکت هیچ‌گاه در طول تاریخ همانند امروز

و آینده دارای اهمیت نبوده است. نخبگان هر قدر هم روشن‌اندیش باشند، باز به تنهایی قادر به ایجاد تمدنی جدید نیستند. هر چه هست و باید باشد به مدد مساعی جمعی ممکن است. ایجاد تمدن جدید مستلزم نیروی تفکر همه انسان‌هاست و این نیرو امروزه موجود و آماده کار است. به قول تافلر (۱۳۶۴) ابداع و تخیل جمعی، محور کارها در آینده است.

آگاهی مردم و شوراهای شهر و روستا بخصوص مدیران جامعه در سطوح مختلف به اهمیت مشارکتها و چگونگی روند تاریخی آن، سبب افزایش علاقه آنها به مشارکتها می‌شود. بنابراین رسانه‌ها و نهادهای مختلف باید ارتقا و افزایش آگاهی مردم در زمینه مشارکتها را در رأس فعالیتهای خود قرار دهند و در این مورد تلاش نمایند. همچنین آموزش مشارکتها و تجربه‌ها در این زمینه باید در اختیار مردم و شوراهای قرار گیرد. در این مقاله تلاش بر آن است تا خوانندگان - اگر چه در حد محدود- با مبانی نظری مشارکتها و ضرورت‌های آن آشنا شوند. امید آنکه این آشنایی باری در ایجاد فرهنگ مشارکت باشد و

پس از آن قدم‌های مؤثرتری برداشته شود.

### ضرورت آگاهی از مبانی نظری مشارکتها

در حال حاضر جنبه‌های نظری مشارکت و اصول حاکم بر آن از عمده‌ترین مسائل جامعه ما است. تا زمانی که ما در اصل مشارکت و مبانی نظری آن دیدگاه‌های متناقض داشته باشیم، که داریم، چگونه می‌توان افراد را برای مشارکت دعوت کرد یا به برنامه‌های مشارکتی پرداخت؟ بنابراین تا وقتی که در جنبه‌های نظری موضوع مشارکت، اشتراک نظر یا نزدیکی دیدگاه نداشته باشیم، در عمل نمی‌توانیم راه‌های مناسبی را برگزینیم. مبانی نظری در این مقاله دارای خصوصیات و اهمیت ویژه‌ای است. توجه به این مبانی، چگونگی راه‌های مشارکت مردم در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراروی ما قرار می‌دهد و در حقیقت پاره‌ای از راه‌های مشارکت در همین جنبه‌های نظری نهفته است.

## مفهوم مشارکت

از مفهوم مشارکت تفسیرها و تعریفهای زیادی به عمل آمده است. مفهوم مشارکت در متون و آثار متعدد علوم انسانی، مثل فلسفه، دین، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، مردم‌شناسی و دیگر رشته‌های وابسته از دیدگاههای گوناگون بررسی شده است. برخی معتقدند بسیاری از مفاهیم مربوط به مشارکت کلی‌گویی است و از این رو دارای ابهام است و برخی دیگر آن را به "کیسه‌شانی" تشبیه کرده‌اند که عده‌ای تمایل دارند با در اختیار داشتن آن، از هر آنچه که دلخواهشان است سخن به میان آورند. (دری نوگورانی، ۱۳۶۹). شاید بتوان گفت سبب این گستردگی معنی مشارکت و تفسیرهای متعدد از آن، ویژگی خاص این مفهوم باشد. چرا که به اعتباری، بنیاد و سرچشمه ایجاد فرهنگها و تمدنها، در مشارکتهای مردم در امور گوناگون بوده است و قدمت این واژه به دیرینگی زندگی اجتماعی انسانها می‌رسد.

این واژه در تاریخ زندگی اجتماعی انسانها به صورت و مفاهیم گوناگون به کار رفته است و در همه یا اکثر زبانها به صورتهای مختلف بازتاب یافته است. از جمله آنکه در زبان فارسی واژگانی چون معاضدت، تعاون، همدیاری، دگریاری، همکاری، تشریک مساعی، یاریگری، کمک متقابل، کنش متقابل، همنوایی، مبادله افکار، اشتراک مساعی، سهیم شدن، بسیج مردم، مردم‌سالاری، مسئولیت‌پذیری، واگذاری امور، خودگردانی، تقسیم کار، تعامل، تلاش مشترک، همدیاری، هم‌اندیشی، همفکری، دستیاری، همدلی، همراهی، یارمندی، مددکاری، یآوری، اعانت، مددخواهی، دستگیری، خودیاری، خوداتکایی، خودمختاری، انبازی و ... وجود دارد.

این واژگان و دهها واژگان دیگر از این نوع، نشانگر این واقعیت است که همکاری و همفکری، بنیاد زندگی اجتماعی انسانهاست. حتی برخی معتقدند که در میان حیوانات نیز

این همکاری وجود دارد و فرایند تعاون در میان گیاهان و جانوران نیز به اندازه فرهنگ انسان صادق است! (فرهادی، ۱۳۷۳، ص ۲۵) علاوه بر این، این گونه بررسیها ما را بیش از پیش به اهمیت مشارکت در میان انسانها و گونه‌های آن وامی‌دارد و این واقعیت را تأیید می‌کند که زندگی جمعی جز از راه مشارکت و یاریگری امکان‌پذیر نیست و با وجود رفتارهای ستیزه‌گرانه و خصمانه انسانها در طول تاریخ، آنچه فرهنگ و تمدن را پی افکنده است یاریگریهای گوناگون بوده است. مشارکت نیز گونه‌ای از این یاریگریهاست. ترکیبهایی چون ارزیابی مشارکتی، برنامه‌ریزی مشارکتی، تصمیم‌گیری مشارکتی، مشاهده مشارکتی، مدیریت مشارکتی و رهبری مشارکتی و مواردی از این نوع، نشانگر اهمیت یافتن رفتارها و برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریهای مشارکت جویانه است که بویژه در دهه‌های اخیر بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

## تعریف مشارکت

در مورد مشارکت و تعریف آن گفته‌اند که تعریف مشارکت مردم، امری از پیش مشخص شده نیست، بلکه باید ابعاد آن را خود ترسیم کنیم. (دری نوگورانی، به نقل از ونک ۱۹۷۵) منظور از این سخن آن است که در باب مشارکت تعریف از پیش آماده شده‌ای وجود ندارد، بویژه تعریفی که پذیرش همگانی یافته و جهانی شده باشد، بلکه باید با توجه به هدف و عرصه مورد نظر از آن تصویری ارائه شود.

## تعریف لغوی مشارکت

مشارکت کلمه‌ای عربی و از باب مفاعله است و معادل فارسی آن "انبازی، همبازی و همراهی" می‌باشد. معانی دیگر آن شریک شدن، همدست شدن در کاری، اجتماع حقوق مالکان متعدد در یک شیء، به نحو اشاعه و همکاری کردن است.

واژه مشارکت برابر نهاد واژه (Participation) انگلیسی است و در این زبان نیز مفهوم آن با همدیگر عمل کردن، برعهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن، بخشی از چیزی را بر عهده داشتن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه می‌باشد. (سپهری، ۱۳۷۳ / دری نوگورانی، ۱۳۶۹)

## تعریف توصیفی مشارکت

همچنان که در ربط با مفهوم لغوی مشارکت، واژگان و اصطلاحات زیادی بیان شده است، از مفهوم اصطلاحی و علمی آن نیز تعریفهای متعددی به عمل آمده است که در اینجا چند تعریف بیان می‌شود.

\* مشارکت عبارت است از ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی. (سپهری، ۱۳۷۳)

\* متشکل ساختن گروههای محروم از مزایای اجتماعی به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری آنها (که دولت آن را تأمین نمی‌کند یا خارج از توانایی مالی او می‌باشد) از طریق خودیاری. (سپهری به نقل از محمدباقر نمازی)

\* مشارکت عبارت است از فرایند نیازسنجی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، بازنگری، ارزشیابی، بهره‌مندی مشترک افراد (سپهری به نقل از جزوه جهاد سازندگی)

\* هر کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد یا گروهها کار و فعالیت خود را به صورتی کم و بیش سازمان یافته و با کمک متقابل به هم می‌آمیزند تا هدفی مشترک تحقق پذیرد. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

## بعدهای مشارکت

### مشارکت تک بعدی

در این نوع مشارکت، تنها یک بعد از مشارکت مطرح است، مثل کمکهای مالی. در چنین وضعی وقتی کمک مالی صورت

ترکیب‌هایی چون ارزیابی مشارکتی، برنامه‌های مشارکتی، تصمیم‌گیری

مشارکتی، مشاهده مشارکتی، مدیریت مشارکتی و مواردی از این نوع، نشانگر اهمیت یافتن رفتارها و

برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریهای مشارکت‌جویانه است که بویژه در

دهه‌های اخیر بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

در قلمرو قرآن کریم، اموری از قبیل انفاق (شامل صدقه و ...)، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق بارز

### مشارکت به شمار می‌آیند.

- اعتماد مردم به یکدیگر زیاد می‌شود.
- مردم سالاری و بالندگی انسانها تحقق می‌یابد.
- انسانها مقول جهان دیگران نمی‌شوند، بلکه فاعل جهان خود می‌گردند.
- انسان مشارکت جو سربار دیگران نمی‌شود، بلکه یار کوشش آنان می‌گردد.
- انسانها در تعیین سرنوشت خود شرکت می‌کنند.
- شنیدن صدای دیگران برای انسانها آسان می‌شود.
- حاشیه‌نشینی که نوعی استعمارزدگی است، از میان می‌رود.
- انسانها توان و نیروی بیشتری می‌یابند و ترس و وحشت ناشی از تنهایی رخت برمی‌بندد.
- فرهنگ سکوت درهم می‌شکند و آگاهیها افزایش می‌یابد.
- خلاقیتها شکوفا می‌شود و توسعه همه جانبه تحقق می‌یابد.
- تولید، توزیع و مصرف نظام‌مند می‌شود.
- عدالت اجتماعی ایجاد می‌گردد.

### مبانی فلسفی و دینی مشارکت

آیا همیاری و مشارکتها نتیجه نیازها و ضرورت‌های اجتماعی است یا انسان به طور غریزی مشارکت‌جو و دگروست است؟  
آیا انسان می‌تواند بدون یاری و کمک دیگران به حیات خود ادامه دهد؟  
سبب گرایش انسانها به زندگی جمعی و مشترک چیست؟ و ...

- ۴- براساس علاقه‌ها و نیازهاست.
- ۵- مبتنی بر اعتقاد و ارزشهاست.
- ۶- براساس اعتماد و هم‌رأیی متقابل است.
- ۷- شبیه کارکرد ارگانیسم است.
- ۸- نیازمند فعالیت تمام عناصر یک نظام است.
- ۹- مبتنی بر هدف مشترک است.
- ۱۰- مشارکت کنندگان حق شرکت در تصمیم‌گیریها را دارند.
- ۱۱- مبتنی بر آزادی عمل و دفاع از نظرهاست.
- ۱۲- مخصوص یک قشر نیست.

### نتایج مثبت مشارکت

- مشارکتها چنانچه بر پایه مبانی صحیح پایه‌گذاری شوند نتایج مثبت به بار خواهند آورد و مشارکت دادن مردم در امور اجتماعی و فرهنگی نتایج مثبتی دارد که از آن جمله است:
- معنویت و اخلاق بر جامعه حاکمیت می‌یابد.
  - بهره‌وری در کار افزایش می‌یابد.
  - میان مردم یگانگی به وجود می‌آید.
  - از تمامی منابع محلی به صورت بهینه بهره گرفته می‌شود.
  - حمایت‌های ملی از مدرسه‌ها تحقق می‌یابد.
  - سرخوردگی از کار و انفسردگی کاهش می‌یابد.
  - دگرگونی و تحول در امور اجتماعی و فرهنگی پرشتاب می‌گردد.
  - ایستادگیها و مقاومتها کاهش پیدا می‌کند.

گرفت هم از نظر مشارکت کننده و هم از نظر مشارکت جو کار تمام شده تلقی می‌شود. این نوع مشارکت از نوع مشارکت عام یا خودیاری است. مثل مدرسه سازی و تحویل آن به آموزش و پرورش و سپردن بقیه مسائل به عهده مسئولان، ساختن بیمارستان. در این مشارکت ممکن است اکثر مردم نتوانند فعالانه شرکت کنند.

### مشارکت چندبعدی

در این مشارکت افزون بر مشارکت‌های مادی و مالی، مشارکت کنندگان در عرصه‌های گوناگون دیگر نیز فعال می‌شوند.

### مشارکت‌های فکری

مشارکت کنندگان فکری برای بالا بردن کیفیت علمی و تواناییهای عملی کارکنان یک مؤسسه یا نهادی دیگر، همواره پیوند گسترده‌ای دارند. در این نوع مشارکت، آگاهی و شناخت، بنیاد مشارکت را تشکیل می‌دهد. مشارکت یک امر ذهنی است و تا اندیشه‌ها متحول نشود، مشارکت چند بعدی مفهوم پیدا نمی‌کند.

### ویژگیهای مشارکت چند بعدی

- براساس بررسیهای به عمل آمده و اسناد موجود، برای مشارکت چند بعدی ویژگیهای زیر را می‌توان برشمرد:
- ۱- دو سویه است نه یک سویه.
  - ۲- داوطلبانه است نه اجباری.
  - ۳- آگاهانه است نه غریزی.

اینها پرسشهایی هستند که پیوسته ذهن اندیشه‌گران را به خود مشغول داشته و هنوز هم انسان و ذات او را مورد بحث و نظر قرار می‌دهند.

## مشارکت و یاریگریها در اندیشه خردورزان باستان

### ● همکاری و یاریگری در اندیشه زرتشت

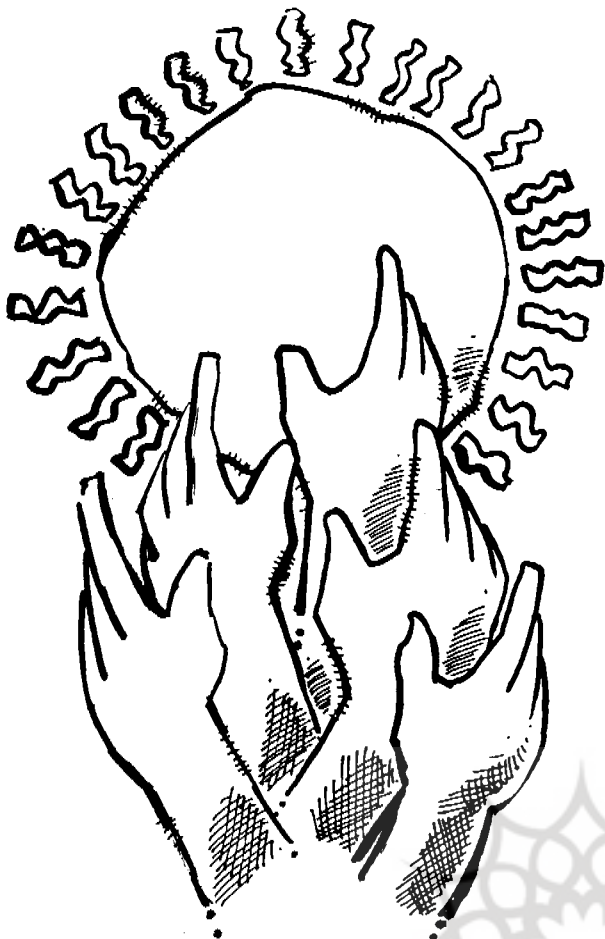
در ایران باستان، در زمان گسترش دین زرتشت، همواره بر همکاری و یاری تأکید می‌شد. پایه فلسفه آیین زرتشت بر همکاری و یاری است و با آموزشهای خود به فرد، احساس مسئولیت اجتماعی می‌دهد. (علیرضا حکمت، ۱۳۵۰، ص ۹۳)

در "وندیداد" آمده است: "از سه راه به بهشت برین می‌توان رسید اول دستگیری نیازمندان و بینوایان، دوم یاری کردن در ازدواج بین دو نفر بینوا، سوم کوشش و کمک به تعلیم و تربیت نوع بشر که به نیروی دانش، شر و ستم، این دو آثار جهل، از جهان رخت بریندد." (همان منبع، ص ۹۵)

### ● افلاطون و همکاری و یاریگری

افلاطون در کتاب جمهوری با این استدلال که سبب ستیزه‌ها و نفاقهای اجتماعی، فرمانروایان و پاسداران کشور هستند، نه مردم، پیشنهاد می‌کند که اگر نظام اشتراکی در میان خانواده فرمانروایان و پاسداران حکمفرما باشد، در این صورت مال دوستی و مالکیت خصوصی نمی‌تواند آنان را به خود مشغول دارد، در نتیجه احساس اشتراک نفع که اساس یگانگی افراد خانواده واحد است به همه اعضای جامعه سرایت می‌کند. (عنایت، ۱۳۴۹)

در این صورت است که همکاری و دوستی جای کینه و دشمنی را می‌گیرد. افلاطون منشأ مشارکتها را رفع هر نوع تعلقها و مالکیت و رسیدن به هدفهای مشترک در



همکاری و همیاری در این اجتماع کوچک انسانی صورت می‌گیرد.

جامعه‌ای مبتنی بر حکومت اندیشه‌گران و یا فیلسوفان می‌داند.

### نظریه مشارکت اسلامی

دری نوگورانی (۱۳۶۹) در پژوهشی درباره مفهوم و روش مشارکتها، ضمن بررسی نظریه‌های مشارکتها در غرب به مشارکت اسلامی نیز پرداخته است که خلاصه آن چنین می‌باشد:

طبق آیات قرآنی، وضعیت و سرنوشت یک جامعه به وضعیت مردم آن و عملکرد آنها بستگی دارد. (رعد/۱۱). بنابراین، با تحول و تغییر یک دولت، بدون تحول مردم، بهبودی "مطلوب" در امور حاصل نمی‌شود و این امر نیز جز با مشارکت همگانی، امکان پذیر نیست. مشارکت حتی به فرض وجود رفاه مادی جامعه جزو هدفهای متعالی است.

در قلمرو قرآن کریم، اموری از قبیل انفاق (شامل صدقه و...)، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق بارز مشارکت به شمار می‌آیند و از آیات قرآن کریم چنین استفاده

### منشأ فطری مشارکتها

سیاری از اندیشه‌گران دیگر، مشارکت در امور و همدردی و یاریگری را از جمله فطرت‌های آدمی دانسته‌اند. "اسپینوزا" معتقد است که "هر گاه انسان، انسان دیگری را در حین انجام کاری یا ابراز عاطفه‌ای مشاهده کند، بی‌اختیار خواهان تقلید از آن کار یا ابراز آن عاطفه می‌شود." (فرهادی، ۱۳۷۳، ص ۵۷)

"هیوم" همدردی را بنیاد زندگی اجتماعی دانسته است. (همان منبع)

"آگوست کنت" و "آدام اسمیت"، دو عامل نیرومند "حسن خودخواهی" و "حسن نوع دوستی" را در فطرت بشر بازشناخته، دومی را عامل پیدایش خانواده که محل تمرین همکاری است، می‌دانند. خانواده نتیجه حسن نوع دوستی فرد به تشکیل خانواده است و خانواده یک اجتماع کوچک بشری است و

می‌شود که:

۱- هدف از ارسال پیامبران و کتاب آسمانی این است که "مردم" قسط به پا دارند و برای اقامه عدل به پا خیزند (حدید ۲۵) این نمونه از تأکید بر "خودجوشی مردم" و مشارکت آنان جهت صواب، از هدف رسالت حکایت می‌کند. به همین دلیل نیز مشارکت ندادن مردم مذمت و نکوهش شده است. (نساء ۵۳) همچنین در قرآن کریم بر "تعاون" در امور صواب و سفارشهای متقابل در این جهت تأکید شده است. (مائده ۲)

۲- مشاوره در اداره امور جامعه اسلامی امری نهادی است و جزو ساختار نظام اسلامی است. (شوری ۳۸)

۳- نظام اسلامی مشارکت مردم را از پایه‌های بقای خود می‌داند و آن را یکی از بزرگترین پشتوانه‌های خود به حساب می‌آورد. در آیات قرآنی، به اعتباری، یاری مؤمنین در کنار یاری خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته است. (انفاق ۶۲) و یاری مؤمنین فقط اسباب یاری خداوند است.

۴- در نظام اسلامی اصل بر نفی انحصار و تمرکز اموال در دست یک فرد یا گروهی خاص است. (حشر ۷) و بسیار بر لزوم تساوی فرصتها تأکید شده است. (فصلت ۱۰) در اداره جامعه وابستگی تام به رهبری نیز تا حدی که نظام را قائم به فرد و منحصر در او کند و هویت مردم نادیده گرفته شود مذمت شده است. (آل عمران ۱۴۴). بنابراین جز با مشارکت همگانی مردم، چنین اصولی تحقق نمی‌یابد.

۵- مشارکت در برخی شرایط برای افراد وظیفه است. (توبه ۹۳)، (الذاریات ۱۹) اگر بخواهیم عنوان مشارکت مصداق یابد، اجباری در این راه برای آنان نیست.

۶- در اسلام برای مشارکت، آداب اخلاقی وجود دارد. مثل "نیت مشارکت".

۷- زنان در نظام اسلامی به هیچ وجه نباید از صحنه فعالیتها کنار گذاشته شوند. "بیعت" زنان با رهبر جامعه اسلامی، می‌تواند

مؤید این موضوع باشد. (ممتحنه ۱۲)

۸- برای فعالیتهای داوطلبانه نیز بر نظم و تقسیم کار تأکید شده است. (توبه ۱۲۲)

۹- اهلیت، شایستگی، تواناییها و امکانات مشارکت کنندگان نیز باید در جریان مشارکت کاملاً در نظر گرفته شود. (نساء ۵۸)

۱۰- طبق قاعده کلی لزوم اعمال نظارت و کنترل عمومی توسط دولت اسلامی بخصوص در اموری که به ثروتهای عمومی همچون انفال (غنیمت، بهره، هبه) و ... مربوط می‌شود، مشارکت باید منضبط و قانونمند باشد و نقش مدیریت جامعه در آن کاملاً در نظر گرفته شود. (انفال ۱) و (بشر، ص ۱۹۱).

### فلاسفه اسلامی و یاریگری

بسیاری از فلاسفه اسلامی مشارکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی را جزو ذات انسان دانسته‌اند. امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۵۵) منشأ تعاون را ضرورتهای زندگی آدمی دانسته و خانواده را نهاد آغازین این فعالیتها معرفی کرده است. (آدمی چنان آفریده شده است که تنها نژد، بلکه مضطر است به فراهم آمدن با غیری از جنس خود و آن برای دو سبب است، یکی آنکه به نسل حاجت است برای بقای جنس آدمی، و آن جز به اجتماع مرد و زن و عشرت ایشان نباشد. دوم یاری دادن در مهیا کردن اسباب طعام و لباس و در پروردن فرزند و غیر آن. چه از اجتماع در محاله فرزند حاصل آید و یک تن به حفظ و مهیا کردن اسباب قوت مستقل نباشد. شخص چگونه تنها کشاورزی کند، تنها لباس چگونه حاصل کند؟ و....) (فرهادی، ۱۳۷۳، به نقل از الخراج و صنعة الكتابه)

ذکریای قزوینی (۶۰۲-۶۸۲ ه.ق.) نیز گفته است: "آشنمال مدینه بر صناع چون اجتماع بدن است بر اعضا و قوا، همچنان که اعضا و قوا هریک از آن، گروه دگر را مساعدت می‌کند تا امر بدن تمام شود و همچنین صناع هریک دیگری را معاونت کند. (همان منبع، به

از نظر جهاد سازندگی،

مشارکت عبارت است از

فرایند نیازسنجی،

تصمیم گیری،

برنامه ریزی، اجرا، یازنگری،

ارزشیابی و بهره‌مندی

مشترک افراد.

نقل از عجایب المخلوقات و غریب الموجودات).

### مفهوم مشارکت از دیدگاه ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ه.ق.)

از جمله اندیشه‌گران اسلامی که به منشأ همکاری و مشارکت پرداخته است، ابن خلدون است. وی همدستی و تعاون را عامل اصلی در فراهم ساختن معاش دانسته است.

"... ثابت و دانسته شده است که یک فرد بشر به تنهایی به کار نیازمندیهای خود در امر معاش نمی‌پردازد، بلکه افراد یک اجتماع با یکدیگر همدستی و تعاون می‌کنند تا بتوانند وسایل معاش خود را فراهم سازند و موادی که در پرتو همکاری و تعاون گروهی از مردم به دست می‌آید برای جماعتی چند برابر آنان کافی خواهد بود و ضرورتهای آنها را برطرف خواهد کرد...." (فرهادی، ۱۳۷۳، به نقل از ابن خلدون) بقیه در صفحه ۱۱۵

# حرکات داخلی جمعیت ایران با تأکید بر مهاجرت روستایی

● دکتر حسین آسایش  
● قسمت سوم

## ■ پیامدهای مهاجرت

### (۱) مهاجرت از دیدگاه اقتصادی

بررسی مهاجرت از دیدگاه اقتصادی، مقوله بسیار گسترده‌ای است که نیاز به بحث فراوان دارد. ولی در اینجا به صورت گذرا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این نوع مهاجرت در معنای خرد کلمه به منظور بهبود جایگاه و موقعیت اقتصادی انجام می‌گیرد و به معنای وسیع کلمه، مهاجرت به منظور هماهنگی جمعیت با دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی انجام می‌گیرد. البته باید اضافه نمود که مفهوم اقتصادی مهاجرت در مناطق مختلف مبدأ و مقصد متفاوت است و تا اندازه زیادی به مقیاس مهاجرت، انتخاب مهاجرت و نوع مهاجرت (یعنی با خانواده یا تنها) بستگی دارد. در اینجا کشور ایران به عنوان یک نمونه شایان ذکر است. مهاجرت بین نقاط روستایی و شهری در ایران، مسایل جدی اقتصادی و اجتماعی در هر دو نقطه مبدأ و مقصد به وجود آورده است. نقاط روستایی درصد

زیادی از جمعیت جوان خود را از دست داده است (۲۸ درصد مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال (سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵) در سنین ۲۰ تا ۲۹ ساله بوده‌اند. (جدول شماره ۱۱)) به دنبال آن کمبود نیروی انسانی به چشم می‌خورد که بتواند عملکردهای تولیدی یا سایر عملکردهای جامعه روستایی را به دنبال داشته باشد که خود موجب نگرانی فراوان در آن نقاط شده است و به موازات آن نقاط بزرگ شهری و در رأس آن تهران بزرگ با مسائل جدی به خاطر سیل مداوم مهاجرت روستایی هستند که وخامت محیط، آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی به خاطر سروصدا و مسائل مربوط به دیگر موارد از جمله مسکن و تراکم از اهم آنها می‌باشد. البته به نظر بیشتر جمعیت شناسان و اقتصاددانان، مهاجرت گرچه مسائل مربوط به بیکاری و کمبود مشاغل در نقاط روستایی را تا اندازه‌ای حل می‌نماید، ولی بروز مسائل و مشکلات شهری را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

بزرگترین مشکل مهاجران در شهرها بیکاری است. گروههایی از مهاجران پس از رسیدن به شهرها ناگزیر به شغل‌های کاذب روی می‌آورند. درآمد کم آنان، عدم آشنایی به زندگی شهری و مشاغل شهری (صنعتی جدید) برای آنان و جامعه شهری که ناگزیر باید آنان را تغذیه کند، دشواریهایی پدید می‌آورد. همچنین، مشکلات مربوط به تهیه مسکن و حتی سکونت در آن، بویژه در آبادیها را نیز باید اضافه کرد که مهاجران را ناگزیر به حاشیه نشینی شهرها می‌کند که مقوله‌ای دردآور است.

### (۲) مهاجرت از دیدگاه اجتماعی

از دیدگاه اجتماعی مهاجرت نیز این واقعیت ثابت شده که زندگی اجتماعی در هر دو منطقه مبدأ و مقصد ضرر و زیان می‌بیند. چون مهاجرت توسط جوانان کمتر از ۴۰ سال انجام می‌گیرد که این خود، یک نوع عدم توازن از نقطه نظر سن یا جنس - سن روی هرم سنی جمعیت نقاط مبدأ و مقصد به

جدول شماره (۱۰): رتبه‌بندی استانهای کشور از نظر مهاجرفرستی و مهاجربدیری بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۷۵

رتبه استانهای مهاجربدیر	رتبه استانهای مهاجرفرست	درصدخالص مهاجرت به کل جمعیت	جمعیت استان	موازنه مهاجرت	مهاجران خارج شده	مهاجران وارد شده	استان
-	۷	۲/۵	۳۳۲۵۵۴۰	-۸۵۴۵۹	۴۲۷۷۵۲	۳۴۲۲۹۳	آذربایجان شرقی
۷	-	+۰/۴	۲۴۹۶۳۲۰	+۹۴۹۷	۳۴۴۹۱۱	۳۶۵۴۰۸	آذربایجان غربی
-	۴	۳/۳	۱۱۶۸۰۱۱	-۳۸۷۵۰	۱۵۹۵۵۱	۱۲۰۸۰۱	اردبیل
۵	-	+۲/۳	۳۹۲۳۲۵۵	+۹۰۷۸۹	۵۰۰۸۵۱	۵۹۱۶۴۰	اصفهان
-	۱۱	۰/۹۴	۴۸۷۸۸۶	-۴۵۹۳	۹۹۵۷۶	۹۴۹۸۳	ایلام
-	۱	۵/۰	۷۴۳۶۷۵	-۳۷۴۲۳	۱۶۲۲۶۷۰	۱۰۲۲۲۹	بوشهر
۳	-	+۳/۸۴	۱۱۱۷۶۲۳۹	+۴۲۹۸۹۴	۹۱۷۰۱	۵۹۶۹۸	تهران
-	۲	۴/۲	۷۶۱۱۶۸	-۳۲۰۰۳	۸۱۰۲۹۰	۸۱۹۶۴۷	چهارمحال
۹	-	+۰/۱	۶۰۴۷۶۶۱	+۹۳۵۷	۷۳۹۰۳۸	۸۴۱۷۱۰	خراسان
۴	-	+۲/۷	۳۷۴۶۶۷۷۲	+۱۰۲۶۷۲	۱۲۲۶۳۶	۸۹۷۵۵	خوزستان
-	۵	۳/۱	۱۰۳۶۸۷۳	-۳۲۸۸۱	۷۴۹۷۴	۹۴۲۹۰	زنجان
۲	-	+۳/۸۵	۵۰۱۴۴۷	+۱۹۳۱۶	۱۹۵۳۸۸	۱۸۹۵۰۱	سمنان
-	۱۶	۰/۳	۱۷۲۲۵۷۹	-۵۸۸۷	۴۸۶۲۷۴	۴۰۸۲۳۷	سیستان
-	۹	۲/۱	۳۸۱۷۰۳۶	-۷۸۰۳۷	۷۰۳۸۷	۱۳۷۲۱۸	فارس
۱	-	+۷/۸	۸۵۳۰۴۴	+۶۶۸۳۱	۲۷۰۹۱۵	۱۳۷۲۱۸	قم
-	۱۰	۲/۰	۱۳۴۶۳۸۳	-۲۷۰۰۶	۲۲۲۹۰۲۰	۲۴۳۹۰۹	کردستان
۸	-	+۰/۲	۲۰۰۴۳۲۸	+۴۰۴۴	۲۸۹۲۱۵	۲۳۳۰۶۴	کرمان
-	۸	۲/۴	۱۷۷۸۵۹۶	-۴۲۸۲۸	۹۱۰۶۰	۲۴۶۳۸۷	کرمانشاه
-	۱۲	۰/۹۲	۵۴۴۳۵۶	-۵۰۱۳	۳۱۱۷۹۲	۸۶۰۴۷	کهگیلویه
-	۱۳	۰/۷	۲۲۴۱۸۹۶	-۱۵۷۰۸	۱۹۶۶۱۶	۲۹۶۰۸۴	گیلان
-	۳	۳/۶	۱۵۸۴۴۳۴	-۵۷۱۹۶	۵۲۰۳۱۸	۱۳۹۴۲۰	لرستان
-	۱۴	۰/۶	۴۰۲۸۲۹۶	-۲۴۴۶۹	۱۹۱۳۱۳	۴۹۵۸۴۹	مازندران
-	۱۵	۰/۴	۱۲۲۸۸۱۲	-۴۷۵۳	۱۲۲۶۴۷	۱۸۶۵۶۰	مرکزی
-	۱۷	۰/۲	۱۰۶۲۱۵۵	-۲۷۱۷	۲۳۷۵۶۴	۱۱۹۹۳۰	هرمزگان
-	۶	۲/۶	۱۶۷۷۹۵۷	-۴۲۹۷۴	۷۸۵۵۴	۱۹۴۵۹۰	همدان
۶	-	+۲/۱	۷۵۰۷۶۹	+۱۶۲۰۰		۹۴۷۵۴	یزد

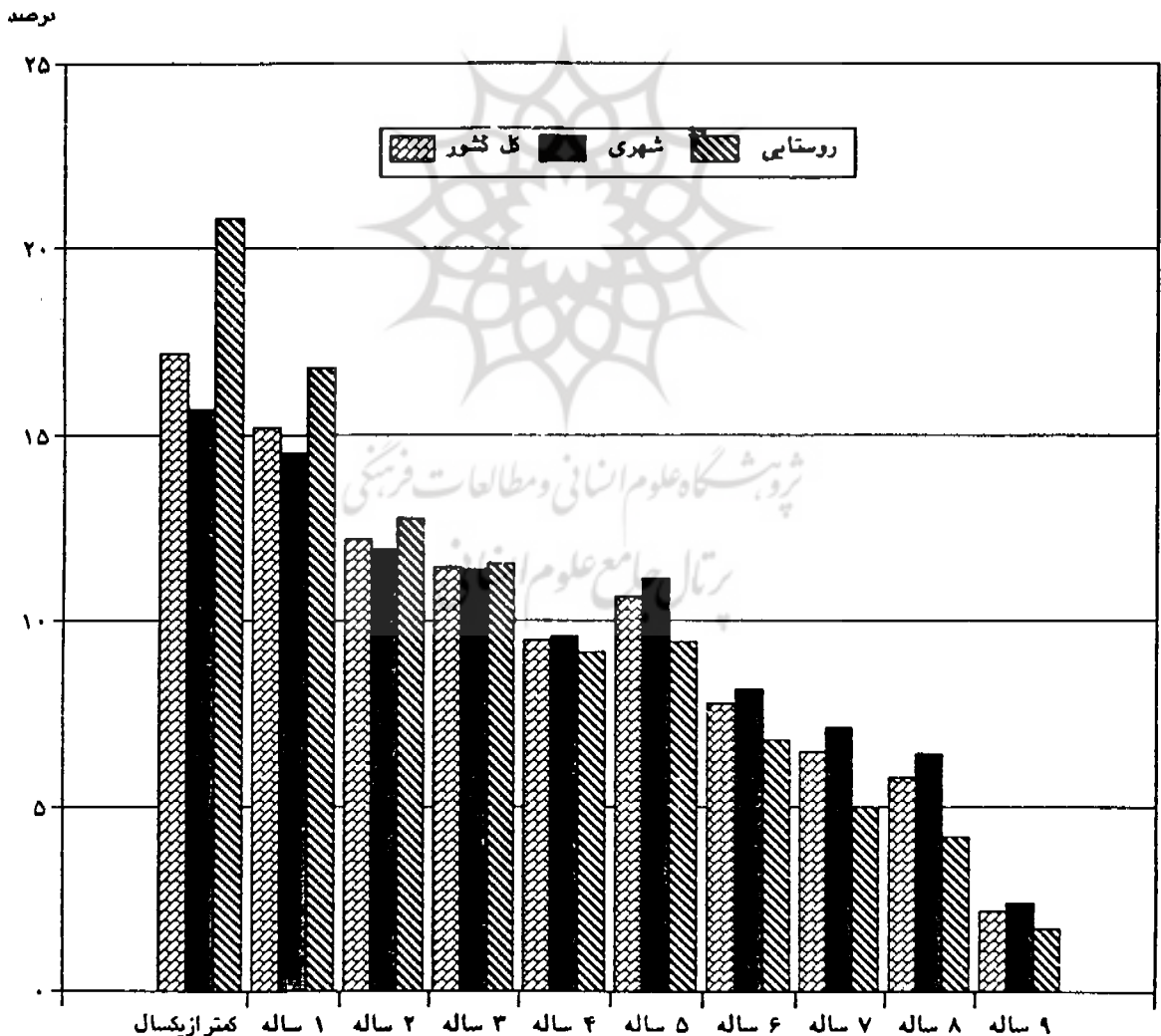


وجود می‌آورد. نتایج بررسیها در این زمینه نشان می‌دهد که به خاطر وقوع مهاجرت، روابط اجتماعی خانوار نیز دگرگون می‌شود. مثلاً در نقاط روستایی که مردان به طور کوتاه‌مدت یا بلندمدت مهاجرت می‌کنند، رفتار زنان تا اندازه زیادی دگرگون می‌شود. بدین معنی که نقش مهمتری در ارتباط با تصمیم‌گیریهای خانوار ایفا می‌کنند. همچنین نسبت وقوع طلاق در خانوارهایی که مردان آنها به طور کوتاه مدت یا بلندمدت اقدام به

مهاجرت کرده‌اند در کشورهای رو به توسعه فراوان شده است و در پاره‌ای موارد، موجب از هم پاشیدگی خانوارها شده است. گرچه مهاجرت دارای جنبه‌های مثبت فراوان است، ولی از نظر اجتماعی، روی نکات و جنبه‌های منفی آن بیشتر تأکید شده است. ولی هنوز بسیاری از جمعیت‌شناسان و علمای اجتماعی سعی می‌کنند بر اساس تئوری معروف "جاذبه و دافعه" بررسیهای خود را در زمینه مهاجرت گسترش دهند. در تجزیه و

تحلیل علل مهاجرت مبتنی بر اصول "جاذبه و دافعه" بررسیهای خود را در زمینه مهاجرت گسترش دهند. در تجزیه و تحلیل علل مهاجرت مبتنی بر اصول "جاذبه و دافعه"، عوامل اقتصادی منبع اصلی تحرک مردم به حساب می‌آید. در یک حالت کلی و مقایسه‌ای می‌توان گفت، اثرات اجتماعی مهاجرت به مراتب از اثرات اقتصادی آن مهمتر است و نخستین اثر حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها، جدایی مکانی است. به طوری

### نمودار ۴ - توزیع مهاجران واردشده طی ۱۰ سال قبل از سرشماری ۱۳۷۵ به نقاط شهری و روستایی کشور بر حسب مدت اقامت در محل سرشماری





جدول شماره (۱۱): مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب جنس، سن و آخرین محل اقامت قبلی

شهرستان محل اقامت فعلی اظهار شده	خارج از کشور	شهرستانهای سایر استانها		سرمشاری		شهرستان محل سرشماری		جمع	جنس و سن
		آبادی	شهر	آبادی	شهر	آبادی	شهر		
۱۱۶۸۹	۱۰۰۶۱۷	۱۱۴۰۵۲	۵۷۵۶۹۱	۱۲۱۸۵۳	۵۲۴۲۹۱	۷۰۷۱۹۰	۴۴۰۷۱۲	۲۵۹۶۰۹۵	مردوزن
۵۲۲	۳۷۸۵	۲۷۹۴	۱۸۷۲۱	۶۸۶۵	۳۲۱۲۵	۴۴۲۸۹	۳۴۱۹۱	۱۵۵۲۹۲	۰-۴ ساله
۱۲۷۱	۱۴۴۶۲	۱۳۳۸۸	۴۵۵۷۱	۱۷۰۶۷	۷۵۴۴۱	۹۸۷۹۵	۶۸۳۷۰	۳۳۴۳۶۵	۵-۹ ساله
۱۲۰۱	۱۴۴۴۱	۱۳۷۱۷	۴۴۹۷۰	۱۶۹۷۵	۶۸۸۳۰	۱۲۱۰۵۳	۶۱۵۹۷	۳۳۳۷۸۴	۱۰-۱۴ ساله
۱۴۶۶	۱۲۸۱۰	۱۸۳۹۶	۷۶۶۱۶	۱۸۳۴۱	۵۵۸۵۸	۹۷۵۹۳	۴۳۸۸۳	۳۵۹۹۳	۱۵-۱۹ ساله
۳۷۶۵	۱۳۰۹۱	۳۳۱۴۳	۱۷۹۰۶۹	۱۹۰۷۶	۷۹۹۹۵	۹۱۶۴۴	۵۵۵۷۴	۴۶۵۳۵۷	۲۰-۲۴ ساله
۱۷۸۳	۱۱۷۳۸	۱۴۷۶۳	۱۰۵۷۴۱	۱۱۵۴۴	۷۱۵۳۴	۸۵۰۰۵	۵۶۷۰۷	۳۶۱۸۱۵	۲۵-۲۹ ساله
۹۱۷	۸۰۲۱	۷۸۲۶	۴۱۹۹۳	۹۱۵۵	۵۱۵۸۹	۵۳۳۹۶	۴۳۴۹۸	۲۱۷۳۹۵	۳۰-۳۴ ساله
۶۳۷	۵۷۹۶	۴۹۸۷	۳۳۷۴۱	۶۲۸۶	۳۴۵۷۰	۴۶۰۴۶	۲۹۲۷۷	۱۴۱۳۴۰	۳۵-۳۹ ساله
۳۷۹	۵۰۰۲	۳۱۱۴	۱۴۱۲۵	۳۸۸۳	۱۸۳۴۷	۲۲۰۰۴	۱۶۴۱۶	۷۳۱۱۹	۴۰-۴۴ ساله
۱۹۵	۳۳۱۲	۲۰۸۲	۷۳۶۸	۲۴۴۱	۹۸۴۲	۱۳۹۹۷	۹۰۳۵۵	۳۸۱۷۲	۴۵-۴۹ ساله
۱۴۲	۳۴۹۶	۱۵۴۸	۳۷۷۶	۱۶۴۵	۶۵۵۰	۹۶۲۰	۵۶۸۷	۳۳۴۶۴	۵۰-۵۴ ساله
۱۱۴	۱۵۵۲	۱۴۹۱	۳۶۳۸	۱۴۹۷	۵۱۱۴	۸۳۳۴	۴۳۶۲	۲۵۹۹۲	۵۵-۵۹ ساله
۹۶	۱۵۹۹	۱۴۹۴	۳۴۷۹	۱۵۴۰	۴۸۳۴	۹۱۰۹	۴۰۳۷	۲۶۱۸۸	۶۰-۶۴ ساله
۱۹۲	۲۶۶۳	۲۲۶۱	۵۵۰۹	۲۵۶۹	۸۵۰۰	۱۵۵۷۶	۶۸۸۲	۴۳۸۵۲	۶۵ ساله و بیشتر
۹	۳۹	۴۸	۳۸۴	۲۰	۲۷۲	۱۲۹	۱۹۶	۱۰۹۷	نامشخص

۷۵۰۸	۵۹۵۵۳	۶۹۷۸۶	۲۲۷۲۶۹	۶۵۱۵۸	۲۹۶۲۰۰	۳۳۸۴۸۷	۳۳۱۵۶۵	۱۵۰۵۵۲۶	مرد
۲۶۷	۱۹۹۷	۳۴۸۳	۹۷۲۷	۲۵۶۹	۱۶۶۶۰	۲۴۴۴۱	۱۷۷۵۰	۷۵۱۹۵	۰-۴ ساله
۶۵۷	۷۴۹۹	۶۹۰۲	۲۳۴۵۰	۸۶۸۳	۳۸۵۱۵	۵۰۴۱۷	۲۵۳۳۵	۱۷۱۳۵۸	۵-۹ ساله
۶۴۶	۷۷۴۸	۷۲۱۴	۲۳۳۱۶	۸۹۱۱	۲۵۸۴۶	۶۹۹۹۸	۳۴۰۰۳	۱۸۵۷۸۳	۱۰-۱۴ ساله
۹۸۵	۷۶۳۶	۱۲۷۰۴	۵۸۸۰۵	۱۱۳۵۵	۳۳۷۴۰	۴۸۳۶۶	۲۲۸۱۱	۱۹۵۴۶۲	۱۵-۱۹ ساله

F.9	TFVY	YV91	1FTY.	TTT0	Y110T	193TF	1VT.A	ATTTT	193D-39	ساله
YTT	T.O5	159T	4101	19VW	1.9V9	113FD	4909	YAT0T	20-34	ساله
11V	19PT	1.0A	F0F9	1YFT	D9F9	V10A	D70T	2V.A5	30-39	ساله
A.0	90T	VAT	TAT9	9.0.	TVP9	D11.	TTT.	1AT3T	0-34	ساله
P1	4FD	A1T	T11T	AP0	T91T	EP10	T0A9	1F90.	00-09	ساله
DT	10V1	A9T	T.8T	4T9	YV99	DT.A	YTPF	10T9.	60-64	ساله
9V	Y9	1T1A	T191	1TF9	F7AF	AP.0.	T0DA	2F.T0	90	ساله و بیشتر
9		FY	TF9	1V	1VV	99	10T	AVT		بالمخصص

F1A1	F1.9T	YTF99	1FAFTT	D99Q0	Y2A.91	T0AV.T	2.91TV	1.9.0P9	رن	
Y00	1VAA	TT1.	A99F	TT99	109P0	Y1TF9A	19TF91	V.0.9V	0-4	ساله
P1T	PA9T	9FA9	TF1T1	AFAF	TF9AT9	FATVA	TT1T0	19T9.V	0-9	ساله
000	999T	90.T	T190T	A.9T	TTAAT	D1.00	Y409T	10A.0T	10-14	ساله
TA1	D1VT	D9AT	1VAA1	V.9T9	TF11A	F919V	YF.0.T	1T.0.01	10-19	ساله
9V0	FV.T	909T	Y.9.0.	9.0.F	TA1TT	9.0T.	YATF1	1099VA	20-24	ساله
D0T	F.9V	D901	19TVA	V01T	TA.9T	F9191	YAT9.	1F9.99	20-29	ساله
Y0T	YAF.	TT99	1TFYT	FY9V	Y19V1	Y90TA	19TT0	9T1T1	30-34	ساله
TYA	TTT9	T199	4T11	Y901	1TF1V	1991T	11999	0911A	30-39	ساله
1T9	19T9	1T0T	F9VT	1A00	VTF9A	1.0TV9	9V0V	TFV9V	40-44	ساله
VA	1T99	1.0T	YAA9	119A	T199	FAT9	TPAT	Y1.A9	40-49	ساله
PT	1.0TA	V90	190.	VFD	Y8.4	F01.	YTTV	1F3T1	0-34	ساله
DT	9.0.	9VV	1FAP	9TY	Y2.0	TP19	1VVT	11.4T	00-09	ساله
FT	90F	9.0T	1F19	9.0F	Y1.0	TA.1	19VT	1.09A	50-54	ساله
90	1.9T	TTFA	TTFA	11TT	TT19	99V9	TTT9	19AV	60	ساله و بیشتر
	1T	F	TD	T	90	FT	FT	T0		بالمخصص

از سکنه بوده است و فقط در ۳۵۸۸۵ نقطه یا حدود ۳۴/۵ درصد، بیشتر از ۲۰ خانوار و یا حدود ۱۰۰ نفر زندگی می‌کرده‌اند به عبارت دیگر، در حدود ۶۵/۵

که این امر نابرابریهای اجتماعی را شکل داده و جامعه را به دو قطب مجزا (از حیث درآمد و فرهنگ) در مقابل هم قرار می‌دهد. نسل دوم مهاجران که نسبت به زندگی روستانشینی بیگانه شده‌اند و در حیات شهرنشینی هم هنوز جسایی نیافته‌اند، خواستها و رفتارهای مشخصی در شهرها پیدا می‌کنند که گاهی باعث دشواریهای سیاسی می‌شود. از دیگر نتایج قابل توجه مهاجرتها، پیدایش کجرفتاری به هنگام بحرانهای اقتصادی و اجتماعی در شهرها است. افزایش خودکشی، جرم جوانان، سرقت و غیره بر اثر عدم سازگاری جوانان روستایی با فضای شهری، از جمله این کجرفتاریها است. سازگاری با زندگی بی‌روح شهری برای انسان غریب روستایی بسیار دشوار است.

از پیامدهای دیگر مهاجرت به هم ریختگی ساختار حرفه‌ای در مبدأ (روستاها) است. بر اثر بروز مشکلات در نظام آبیاری، دشواریهای در امر زراعت پدید می‌آید و اراضی مزروعی تکه تکه و پارچه پارچه شده که از نتایج اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بود. این امر به هیچ وجه کفاف معاش کشاورزان را نمی‌داد. این دشواریها، دهقانان تهیدست (کم زمین) را در روستا به سهم‌بری و مزدبگیری و ادار ساخت و نیز ملی شدن مراتع به دامداریهای عشایری و روستایی صدمات مهمی وارد کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بهسازی روستاهایی که بیش از ۵۰ خانوار جمعیت داشت، مهاجرت از آبادیهای کوچک به دهکده‌های بزرگ و شهرها ادامه یافت و سرانجام رونق گردش پول و رواج سوداگری و اثرات اقتصادی آن مانند بالا رفتن نرخ بهره و اختصاص سهم اندکی از بودجه عمرانی کشور به روستا، امر مهاجرت را شتاب بخشید، به طوری که تعدادی از آبادیها خالی از سکنه شد.

در سرشماری سال ۱۳۶۵ از ۱۰۴۱۰۸ آبادی (شامل روستا، مزرعه و ...)، ۳۸۷۹۸ نقطه و یا حدود ۳۷/۳ درصد خالی

جدول شماره (۱۲): رتبه بندی تعداد و درصد آبادیهای دارای سکنه در سال ۱۳۷۵

رتبه در کشور	آبادیهای دارای سکنه		استان
	درصد	تعداد	
۱	۹۴/۶۳	۲۷۰۰	گیلان
۲	۹۰/۱۴	۲۸۴۰	آذربایجان شرقی
۳	۹۰/۱۳	۴۰۳۶	مازندران
۴	۸۹/۶۲	۱۷۶۵	کردستان
۵	۸۸/۱۵	۳۲۲۷	آذربایجان غربی
۶	۸۵/۱۴	۱۸۸۲	اردبیل
۷	۸۴/۶	۲۸۴۳	لرستان
۸	۷۹/۷۸	۷۰۶	بوشهر
۹	۷۹/۵۳	۲۷۹۳	کرمانشاه
۱۰	۷۹/۴۴	۱۱۰۳	زنجان
۱۱	۷۳/۳۷	۱۱۲۳	همدان
۱۲	۷۲/۵۹	۴۴۹۶	خوزستان
۱۳	۷۲/۴۵	۶۰۳۸	سیستان و بلوچستان
۱۴	۷۱/۸۵	۲۱۹۰	تهران
۱۵	۶۹/۸۱	۷۵۳	ایلام
۱۶	۶۸/۲۲	۲۰۲۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱۷	۶۷	۱۵۴۰	مرکزی
۱۸	۵۷/۷۸	۴۳۹۳	فارس
۱۹	۴۶/۹۲	۲۸۴۳	هرمزگان
۲۰	۴۶/۰۵	۵۹۳۷	کرمان
۲۱	۴۴/۰۲	۹۳۵	چهارمحال بختیاری
۲۲	۴۰/۰۶	۳۶۳	قم
۲۳	۳۵/۴	۷۸۹	سمنان
۲۴	۳۴/۵۴	۷۹۹۷	خراسان
۲۵	۳۰/۳	۲۴۷۰	اصفهان
۲۶	۲۷/۹۹	۱۱۴۴	یزد
-	۵۶/۹۷	۶۸۱۲۵	کل کشور

(نمودار شماره ۷)

الف) ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیتهای درآمدزا

ب) رواج مراکز روستایی سطح پایین اهمیت عملکردهای غیرزراعی در این است که به نیروی کار مازاد اجازه می‌دهد تا کشاورزی را رها کنند، بی‌آنکه روستاها را ترک کنند. در همین حال، مراکز روستایی سطح پایین نیز باید با توجه به تشویق عملکردهای غیرزراعی به حمایت از تولید کشاورزی نواحی روستایی و عرضه خدمات اجتماعی اساسی بپردازند. مجموع این اقدامات می‌تواند به پیشگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ کمک کند.

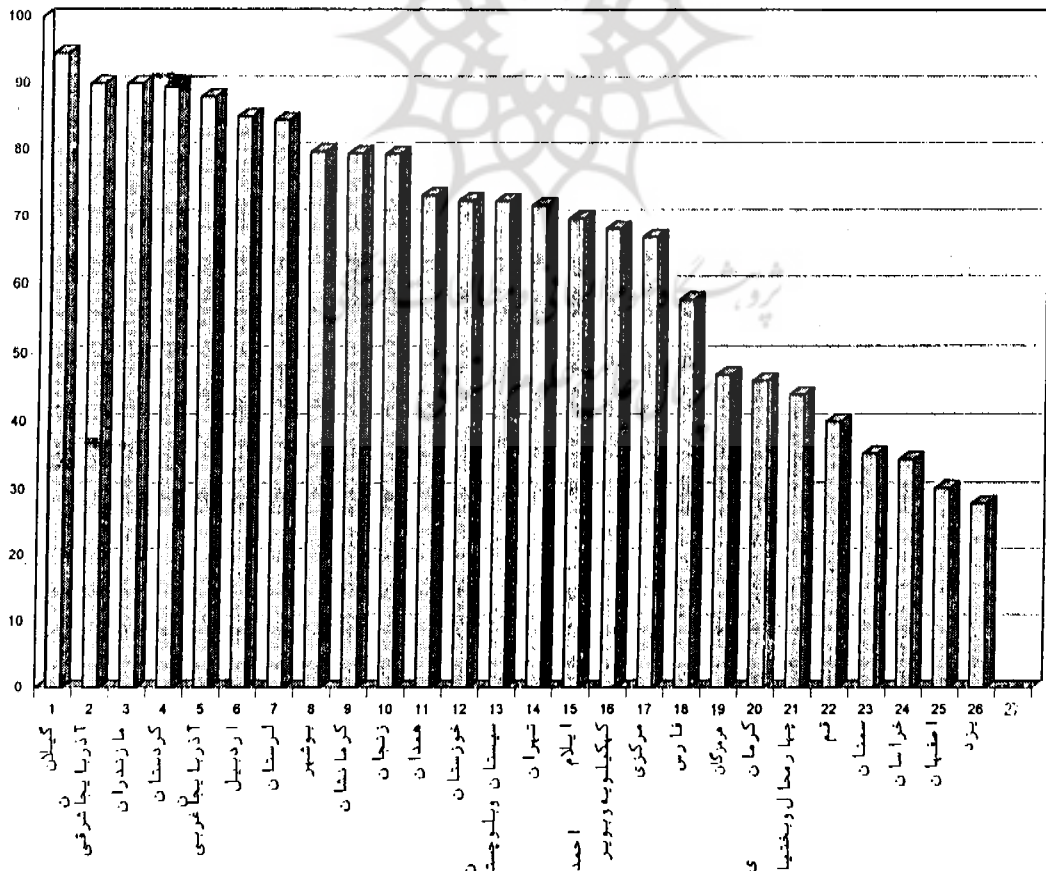
نتیجه اینکه، مهاجرت یک پدیده پیچیده

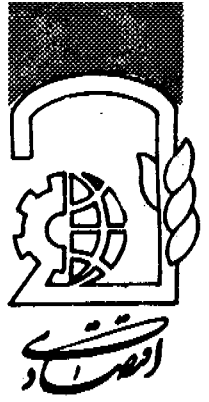
درصد از آبادیهای ایران یا خالی از سکنه بوده و یا کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت داشته است. در سرشماری سال ۱۳۷۵، نسبت روستاهای خالی از سکنه افزایش یافته و به ۴۳ درصد رسیده است. در این سرشماری در حدود ۶۵/۴۶ درصد از کسل روستاهای استان خراسان خالی از سکنه بوده است. این نسبت برای روستاهای یزد، بیش از ۷۲ درصد و برای روستاهای استان اصفهان، ۷۰ درصد بوده است. جدول شماره ۱۲، رتبه‌بندی تعداد و درصد آبادیهای دارای سکنه کشور را در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. این چشم‌انداز تاریک ایجاب می‌کند که اقدامات زیر در برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور مدنظر قرار گیرد:

است که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی ارتباط دارد. بنا به تعریف و تأیید کارشناسان، مهاجرت به عنوان یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و دگرگونیهای فرهنگی که از جریان دگرگونیهای جمعیت ناشی می‌شود در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی پدید می‌آید. بالاخره باید افزود که جوامع، هنگامی به تغذیه بهتر، بهداشت عمومی در سطح استاندارد، حداقل بیکاری، باسواد بودن، سلامت اقتصادی و ... می‌رسند که مسائل جمعیتی را از اولویتهای طرز اول خود پنداشته و در اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، عامل جمعیت را تعیین‌کننده به حساب آورند.

نمودار شماره ۷

درصد رتبه‌بندی آبادیهای دارای سکنه کشور بر حسب استان ۱۳۷۵





## مقدمه

بانکها در نظام اقتصادی جوامع از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. ریشه این جایگاه پراهمیت در نقش بانکها در تنظیم مناسبات اقتصادی کشور نهفته است. از این رو، دولتها از بانکها به عنوان اهرمی نیرومند برای رسیدن به اهداف، سیاستها و برنامه‌های اقتصادی خود استفاده می‌کنند و در فعال ساختن بخشهای مختلف اقتصادی از این بازوی توانمند بهره می‌گیرند.

در بخش کشاورزی که یکی از بخشهای مهم اقتصادی کشور محسوب می‌شود، مسئله تأمین سرمایه جهت انجام فعالیتهای تولیدی از اساسی‌ترین نیازهایی است که این بخش همواره با آن روبرو بوده است. ولی باید گفت که سابقه فعالیت سازمانهای اعتباری کشاورزی در کشور چندان طولانی نیست.

هدف از نگارش این مقاله، بررسی سوابق و عملکرد بانک کشاورزی در ایران (در طول مدت نزدیک به هفتاد سال که از آغاز فعالیت این بانک می‌گذرد) می‌باشد. لذا سعی گردیده است تا با نگاهی جامع، ضمن پرداختن به تاریخچه تشکیل و نحوه فعالیت و عملکرد این بانک، سیاستها، راهبردها، استراتژیهای مالی و اعتباری، نحوه تأمین و مصرف سرمایه و ... در دو مقطع تاریخی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد کنکاش قرار گیرد.

در قسمت اول این مقاله که به بررسی سوابق و عملکرد بانک کشاورزی در دوران قبل از انقلاب اسلامی (سالهای ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۷) پرداخته شد، چنین نتیجه‌گیری گردید که این بانک از بدو تشکیل سعی کرده تا در راستای تأمین هزینه‌های جاری و زیربنایی در بخش کشاورزی حرکت نماید. لذا با توزیع اعتبارات کوتاه مدت و بلندمدت در زمینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، توسعه منابع آب، حمایت از صنایع روستایی و صنایع دستی، احداث و مرمت ساختمانها و تأسیسات روستایی، خرید ماشین‌آلات کشاورزی و دیگر امور مرتبط با فعالیتهای

تولیدی در بخش کشاورزی مشارکت نمود.

منابع مالی تأمین سرمایه بانک کشاورزی عبارت بود از: منابع مالی دولت، استقراض از نظام و سیستم بانکی داخلی، بهره وامهای پرداختی و وصولیها و سرمایه‌های جذب شده سلف‌خرها، واسطه‌ها و دلالت‌های فعال دربخش کشاورزی.

پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی در کشور و توسعه و گسترش شرکتهای تعاونی روستایی، فعالیت بانک کشاورزی بیشتر بر روی اعطای اعتبارات کوتاه مدت و وامهای تک منظوره و تأمین سرمایه شرکتهای تعاونی متمرکز بود.

در سال ۱۳۵۲ با تشکیل "صندوق توسعه کشاورزی" و تبدیل آن به "بانک توسعه کشاورزی"، سرمایه‌ای معادل ۲ میلیارد ریال از طریق این بانک برای انجام سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت در طرحهای زیربنایی و توسعه یافته در بخش کشاورزی در نظر گرفته شد. هدف از این کار، تشویق و ایجاد جاذبه برای بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و توسعه این بخش و افزایش کارایی با استفاده و بهره‌گیری از روشها و تکنولوژی نوین و پیشرفته و سرانجام گسترش کشاورزی تجاری بود.

منابع مالی این بانک از منابع دولتی، استقراض از بانکهای خارجی شامل بانکهای اروپایی، امریکایی، ژاپنی و همچنین بانک جهانی، انتشار اوراق قرضه وابسته از محل وصولیها و بهره وامها تأمین می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال بروز یک سری تحول و دگرگونی در نهادها و مؤسسات دولتی، بانک کشاورزی نیز دستخوش تحولاتی در زمینه‌های استراتژیها، عملیات بانکی، نحوه و چگونگی صرف سرمایه در بخش کشاورزی، تشکیلات اداری، سازمانی و ... گردید که در قسمت دوم این مقاله بدان پرداخته می‌شود که اختصاص به بررسی سوابق و عملکرد بانک کشاورزی در دوران بعد از انقلاب دارد.

# نگاهی به سوابق و عملکرد بانک کشاورزی در ایران

مهندس محمدهادی امیرانی

قسمت دوم

● پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تحولات و دگرگونی‌هایی که به تدریج در نهادهای دولتی و مؤسسات وابسته به آن به وجود می‌آمد، بانک کشاورزی نیز مورد توجه مسئولین قرار گرفت و لذا با هدف "استفاده بهتر از امکانات و جلوگیری از دوباره کاریها"، ادغام بانکهای موجود و مرتبط با کشاورزی در دستور کار قرار گرفت و به موجب مصوبه ۱۳۵۸/۹/۲۹ مجمع عمومی بانکها و با محور حاصل از ماده ۱۷ لایحه قانونی اداره امور بانکها، دو بانک "توسعه کشاورزی ایران" و "معادن کشاورزی ایران" در یکدیگر ادغام و بانک واحدی به نام "بانک کشاورزی ایران" با سرمایه ۱۰۳۷۵۰ میلیون ریال تشکیل شد.

اساسنامه بانک کشاورزی در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۴ به تصویب رسید و بانک کشاورزی با اهداف، سیاستها و عملیاتی معین شروع به فعالیت نمود. البته لازم به ذکر است که پس از ادغام قانونی دو بانک فوق‌الذکر، فراهم آوردن موجبات ادغام فیزیکی و عملی آنها مدتی به طول انجامید. به هر حال، ابتدای سال ۱۳۶۰ را می‌توان به عنوان یک مبدأ تاریخی در فعالیت عملی بانک کشاورزی ایران محسوب نمود.

بر اثر حاکمیت نظام مقدس اسلامی در کشور و با توجه به دگرگونی در شیوه‌ها و روشهای اجرایی و عملیاتی بیشتر نهادها و مراکز دولتی، بانک کشاورزی نیز در سیاستها، اهداف و مکانیسمهای مالی و اعتباری خود تغییراتی را به وجود آورد که از مهمترین آنها می‌توان به اجرای "قانون عملیات بانکی اسلامی" اشاره کرد. لازم به ذکر است که عملیات بانکی به شیوه بانکداری اسلامی از سال ۱۳۶۳ به بعد در کلیه بانکهای کشور منجمله بانک کشاورزی به اجرا درآمد.

همانطوری که قبلاً گفته شد، از دیگر ویژگیهای این مقطع زمانی، توجه بیش از پیش به فعالیتهای تولیدی بخش کشاورزی از سوی مسئولین و سیاستگذاران مملکتی بود، تا

جایی که این بخش را "محور استقلال توسعه کشور" معرفی نمودند.

اعلام این سیاست، بر میزان اعتبارات و بنیه مالی بانک کشاورزی افزود و گروههای بهره‌گیرنده از تسهیلات اعتباری این بانک را افزایش داد. بنابراین، با به پای افزایش سرمایه و امکانات بانک کشاورزی بر تعداد گروههای استفاده‌کننده افزوده می‌شد، به طوری که امروزه علاوه بر تعاونیهای روستایی، تعاونیهای عشایری، تعاونیهای صیادی، هیئتهای هفت نفره زمین و واحدهای مختلف وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی از مشتریان ثابت و پابرجای بانک کشاورزی به حساب می‌آیند و در کنار آنها نیز، کشاورزان و بهره‌برداران مستقل و آزاد در مواقع نیاز به این بانک مراجعه می‌کنند.

طبیعی است که گسترش فعالیتهای بانک کشاورزی، نیازمند توسعه شاخه‌ها و شعب این بانک در سراسر کشور بوده است. به طوری که تعداد شعب این بانک که در سال ۱۳۵۷ به ۱۸۹ واحد می‌رسید، هم‌اکنون به حدود ۵۰۰ شعبه و ۱۱۴ باجه افزایش یافته است.

پس از تصویب و ابلاغ "قانون عملیات بانکی اسلامی" به کلیه بانکهای کشور، آنها درصدد برآمدند تا ضمن آموزش کارکنان خود به این شیوه جدید، گروههای مطالعاتی خاصی را تشکیل دهند تا در خصوص ساده‌ترین و سازگارترین "عقود اسلامی" منطبق با فعالیتهای بانک پژوهش و مطالعه نمایند.

در قسمت بعدی این مقاله به انواع عقود اسلامی اشاره می‌شود که در بانک کشاورزی اجرا می‌گردد.

## انواع تسهیلات پرداختی به تفکیک عقود اسلامی

### ● الف) قرض الحسنه تولیدی

قرض الحسنه تولیدی یکی از مهمترین تسهیلاتی است که بخش کشاورزی در سطح وسیعی از آن بهره‌مند است و در موارد زیر از

آن استفاده می‌شود:

- اعطای تسهیلات به شرکتهای تعاونی به منظور ایجاد کار کشاورزی  
- کمک به تولید کنندگان، کارگاهها و واحدهای تولیدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور کمک به افزایش تولید در موارد ذیل.

۱- جلوگیری از توقف واحدهای تولیدی کشاورزی موجود

۲- راه‌اندازی واحدهای تولیدی کشاورزی موجود

۳- توسعه کارگاهها یا واحدهای کشاورزی کوچک در مناطق روستایی

۴- ایجاد کارگاهها و واحدهای کشاورزی در مناطق روستایی

۵- ایجاد تسهیلات برای اشخاص حقیقی و حقوقی که در بخش کشاورزی فعالیت دارند و به علت بروز عوامل نامساعد طبیعی دچار ضرر و زیان شده‌اند.

انواع تسهیلات قرض الحسنه در بانک کشاورزی عبارت‌اند از:

- قرض الحسنه به شرکتهای تعاونی

- قرض الحسنه از طریق سازمانهای وابسته به وزارت کشاورزی

- قرض الحسنه از طریق هیئت واگذاری زمین

- قرض الحسنه جهت پوشش انهار، آب و خاک

- قرض الحسنه با معرفی جهاد سازندگی

### ب) فروش اقساطی

بانک کشاورزی از این نوع قرارداد در دو مورد ذیل استفاده می‌کند:

- فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار

- فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین‌آلات و تأسیسات کشاورزی

گفتنی است که میزان سود این عقد، ۶ تا ۸ درصد در سال و مدت آن حداکثر یک سال می‌باشد.

### ج) سلف

طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرایی معاملات سلف در بانک کشاورزی، شعبه‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای تأمین قسمتی از سرمایه در گردش واحدهای تولیدی کشاورزی (اعم از حقوقی یا حقیقی) با حداکثر میزان هزینه‌های جاری، مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی آنها نمایند. این عقد برای تأمین هزینه‌های جاری کشاورزی است و مدت آن حداکثر یک دوره است. میزان سود بانک در این نوع عقد، بین ۶ تا ۸ درصد در هر معامله نسبت به قیمت پیش‌بینی شده فروش است.

### د) عقد جماله

طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرایی جماله در این بانک، شعبه‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای امور کشاورزی، درخواست متقاضیان را برای وام و اعتبار جهت فعالیت در امور مورد قبول بانک بپذیرند. سود جماله از تاریخ تحویل کار تا زمان پرداخت آخرین قسط، ۶ تا ۸ درصد است.

### ه) اجاره به شرط تملیک

این عقد اجاره‌ای است که در آن شرط شود که مستأجر در پایان مدت اجاره (در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد) عین مستأجر را مالک شود.

طبق آیین نامه اجرایی، شعبه‌های بانک کشاورزی می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی و تولیدی در بخش کشاورزی، صنایع وابسته به کشاورزی، اموال منقول مورد نیاز کشاورزان واحد شرایط را که موضوع فعالیت آن با اهداف مندرج در ماده ۲ آیین نامه اعتبارات هماهنگ باشد، بنا به درخواست کتبی و تعهد متقاضیان مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک برای استفاده خود خریداری و نیز اموال منقول و غیرمنقول را که مالک آنهاست به عنوان اجاره به شرط تملیک در اختیار متقاضیان قرار دهد. لازم به ذکر است که نرخ سود در این قرارداد، ۶ تا ۸ درصد در سال است.

### و) مضاربه‌ها

بانک کشاورزی در موارد ذیل، عقد مضاربه با متقاضیان خود می‌بندد:  
- مضاربه محصولات کشاورزی  
- مضاربه نهاده‌ها، لوازم و ماشین‌آلات کشاورزی

حداقل سود مورد انتظار در مورد اول، ۱۲ درصد در سال و در مورد دوم، ۸ درصد در سال و برای سایر موارد، ۱۲ درصد است.

### ز) مشارکت مدنی

بانک کشاورزی دو نوع مشارکت مدنی به شرح ذیل را انجام می‌دهد:  
- مشارکت مدنی در هزینه‌های سرمایه‌ای، فعالیت‌های تولیدی و خدماتی کشاورزی.  
- مشارکت مدنی در اراضی واگذاری وزارت کشاورزی.  
حداکثر مدت مشارکت مدنی ۲ سال و حداقل نرخ سود مورد انتظار، ۶ درصد است.

### انواع اعتبارات بانک کشاورزی

اعتبارات پرداختی از سوی بانک

جدول شماره (۱): مصارف تسهیلات \* اعطایی بانک کشاورزی در دوره مورد بررسی

مصارف								
۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	زراعت
۲۲۲۲۰	۲۸۱۲۱	۳۰۴۲۰	۲۸۵۹۶	۱۹۷۲۳	۱۲۶۲۷	۷۰۰۵	۳۶۵۲	باغداری
۳۰۲۰	۵۳۸۸	۹۵۲۷	۷۷۱۵	۸۴۲۳	۸۰۰۱	۷۲۴۷	۴۴۵۱	پرورش طیور
۳۵۰۱	۳۸۱۱	۴۴۷۱	۲۸۰۳	۲۳۰۸	۵۵۸۶	۷۳۷۶	۶۶۰۴	دامداری***
۲۶۶۲۳	۲۳۴۰۰	۳۴۶۰۵	۳۴۴۳۵	۲۷۷۱۲	۲۰۷۱۰	۱۴۹۸۷	۱۱۶۹۱	ماشین‌آلات
۲۸۲۷۶	۱۶۸۷۲	۱۸۵۲۱	۱۰۴۲۲	۵۸۷۰	۵۵۷۷	۵۵۰۳	۱۷۹۹	آبیاری
۱۳۲۱۰	۱۲۸۳۰	۱۴۱۷۱	۱۳۵۸۶	۱۴۳۲۲	۱۰۷۱۵	۵۸۰۹	۲۶۵۲	ساختمان و تأسیسات
۷۲۷۳	۷۹۲۴	۱۶۹۳۰	۱۱۶۶۰	۴۳۴۶	۳۰۳۳	۲۳۳۵	۱۳۳۱	کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی
۲۰۶۸	۲۵۱۴	۶۷۲۳	۶۰۴۸	۳۳۵۸	۳۲۸۳	۴۸۶۷	۶۱۳۹	صنایع دستی و قالیبافی
۴۴۷	۶۸۹۹	۱۰۳۸۲	۹۱۳۲	۸۰۸۵	۴۸۳۸	۳۲۸۰	۲۹۶۱	سایر مصارف***
۱۰۶۶۳۸	۱۰۷۷۵۹	۱۴۵۴۸۰	۱۲۴۳۹۷	۴۱۴۷	۷۴۳۷۰	۵۸۴۰۹	۴۱۲۸۰	جمع



کشاورزی را می‌توان از نقطه نظرهای "مدت"، "مصرف" و "هدف" به سه دسته به شرح ذیل تقسیم نمود:

#### الف) از نظر مدت

این نوع وامها به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:  
- وامهای کوتاه مدت که برای تأمین مخارج سالانه تولید و رفع نیازهای جاری و مستمر وام‌گیرنده است. مدت این اعتبار با دوره تولید و فروش محصول مطابقت داشته و از همان محل نیز پرداخت می‌شود.

- وامهای میان مدت که جهت خرید وسایل، ادوات و ماشینهای کشاورزی و وسایلی از این نوع پرداخت می‌شود.

- وامهای بلندمدت که برای خرید زمین، ساخت ابنیه و تأسیسات و انجام اصلاحات اساسی در امر تولید، از قبیل احداث قنات، خریداری سیستمهای پیشرفته آبیاری و ... به کشاورزان اعطا می‌شود.

#### ب) از نظر مصرف

این نوع وامها برای مصارف تولیدی مانند

ارقام به میلیون ریال

جمع	۱۳۶۷
۲۵۷۹۱۶	۴۶۵۶۴
۶۶۶۷۴	۹۱۷۸
۴۸۴۴۱	۴۸۷۳
۳۸۲۹۳۴	۹۳۸۸۲
۱۲۴۵۹۱	۸۸۸۶
۱۵۵۷۵۴	۲۹۷۱۶
۱۱۹۵۷۸	۳۳۲۰۸
۴۹۰۱۴	۶۸۳۶
۵۰۲۸۵	۱۹۹۹
	۲۳۵۷۸۲

خرید نهاده‌های کشاورزی، وسایل، ادوات و غیره پرداخت می‌شود.

#### ج) از نظر هدف

این نوع وامها به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

- اعتبارات تولیدی: که به جهت تولید کالاهای موجود و یا تولید محصولات جدید و همچنین بازسازی اموال خسارت دیده پرداخت می‌شود.

- اعتبارات جاری: که به مثابه "پیش خرید" محصولاتی است که بعدها فروخته می‌شود.

#### سیاستهای اعتباری بانک کشاورزی

عمده‌ترین فعالیتهای بانک کشاورزی، فراهم آوردن تسهیلات و اعطای وام به کشاورزان است. البته انجام این امر به زمان قبل از تشکیل بانک کشاورزی، یعنی پیش از ادغام دو بانک تعاون و توسعه برمی‌گردد. فعالیتهای بانک کشاورزی منحصر به پرداخت وام به کشاورزان نیست، بلکه اقدامات دیگری از قبیل کمک به تولید کنندگان خسارت دیده محصولات کشاورزی، بیمه محصولات کشاورزی و توسعه و اجرای طرحهای کشاورزی از دیگر فعالیتهای بانک کشاورزی است که در قسمتهای بعدی مقاله به آنها اشاره می‌شود.

به طور کلی، ۶۰ درصد اعتبارات بانک کشاورزی برای امور سرمایه‌ای و ۴۰ درصد نیز برای هزینه‌های جاری منظور می‌گردد و با این سیاست، کل اعتبارات بانک برای ایجاد تسهیلات بین استانهای کشور تقسیم می‌شود.

\* به استثنای پرداختهای مربوط به شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و عشایری.

\*\* شامل فعالیتهایی نظیر تهیه خوراک دام، احیای جنگلها و مراتع، تولید ادوات کشاورزی و کشت گیاهان دارویی

و صنعتی می‌باشد.

\*\*\* شامل گوسفندداری، گاوداری، ماهیگیری و پرورش ماهی، پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم می‌باشد.

ماخذ: بانک کشاورزی - اداره بررسیهای اقتصادی

پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، از سال ۱۳۶۳ به بعد، عقود اسلامی در بانک کشاورزی به مورد اجرا درآمد و در وهله نخست عملیاتی نظیر تسطیح، دیوارکشی، کانال کشی، پوشش انهار و غیره با استفاده از تسهیلات قرض‌الحسنه به مرحله اجرا درآمد. این امر در فعالیتهای تعاونیهای روستایی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

پس از آن انجام دیگر عقود اسلامی توسط بانک کشاورزی بود که مهمترین آن به شرح ذیل ذکر می‌گردد:

- در مواردی که بانک کشاورزی زمین متعلق به خود را برای زراعت به طور شراکتی در اختیار کشاورز قرار دهد از "عقد مزارعه" استفاده می‌شود.

- در مواردی که بانک کشاورزی باغ متعلق به خود را برای آبیاری به باغبانان طرف قرارداد واگذار نماید، از "عقد مساقات" استفاده می‌شود.

- مضاربه کمک به شرکتهای تعاونی است، بویژه در مورد طرحهای افزایش تولید که فروش محصولات و رسانیدن آنها به بازار و نیز خرید نهاده‌ها را با استفاده از این عقد انجام می‌دهند.

- در "مشارکت مدنی" بانک کشاورزی با صاحب طرح عمرانی شریک می‌شود و اجرای آن را عملی می‌سازد و بعد سهم خود را به طریق اقساطی واگذار می‌کند.

از ابتدای تشکیل بانک کشاورزی تا پایان سال ۱۳۶۸، بانک توانست مبلغ ۲۴۴ میلیارد تومان را در طرحهای مختلف کشاورزی

سرمایه گذاری نماید.

طی ۱۰ ساله اول انقلاب، میزان تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی به کشاورزان حدود ۱۱۲ میلیارد تومان بوده است.

علاوه بر این، از سال ۱۳۵۹ به بعد که تبصره‌های ۳ و ۳۳ قوانین بودجه، امکانات مالی جدیدی را برای کشاورزان به وجود آورد، بانک کشاورزی موفق شد تا از طریق تعاونیهای روستایی (تنها طی سالهای ۵۹ الی ۶۶) حدود ۲۵۹ میلیارد تومان برای مصارف روستاها و تعاونیهای روستایی منظور نماید. مصارف تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در طول ده ساله اول انقلاب، در جدول شماره (۱) آمده است.

در حال حاضر، بانک کشاورزی ایران با سرمایه‌ای بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال، متجاوز از هشت هزار نیروی انسانی متخصص (که هزار نفر از آنها را کارشناسان رشته‌های مختلف علمی تشکیل می‌دهند) با ۵۰۰ شعبه و ۱۱۴ واحد روستایی در سراسر کشور، دریکی از محوری‌ترین بخشهای اقتصادی فعالیت می‌کند و عمده‌ترین عرصه‌های فعالیت این بانک به قرار ذیل می‌باشد:

(۱) ارائه کمکهای مالی و فنی به متقاضیان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن.

(۲) اعطای تسهیلات به منظور جایگزینی و تجهیز ظرفیتهای تولیدی موجود و تأمین نیازهای مالی کشاورزان، تعاونیها و اتحادیه‌های کشاورزی در زمینه‌های: تسطیح اراضی، آبیاری، زراعت، باغداری، دامداری، پرورش طیور، شیلات، آبزیان و صنایع وابسته به آن.

(۳) سرمایه گذاری مستقیم یا مشارکت در طرحهای تولیدی و اساسی و زیربنایی با اعمال نظارت‌های فنی - کارشناسی بر اجرای طرحهای فوق تا مرحله بهره‌برداری.

(۴) حمایت مالی از سیاستها و برنامه‌های دولت در بخش کشاورزی، بویژه در زمینه محرومیت زدایی و کمکهای مالی و فنی به

کشاورزان مناطق محروم.

(۵) پرداخت تسهیلات لازم برای تولید کنندگان محصولات استراتژیک

(۶) انجام فعالیتهای حمایتی از طریق "صندوق بیمه محصولات کشاورزی"، "صندوق کمک به کشاورزان خسارت دیده" و "شرکت توسعه و عمران اراضی" (بانک زمین).

## سازمان و تشکیلات بانک کشاورزی

سازمان اداری بانک کشاورزی بدین قرار است که در رأس امور مدیرعامل و ۵ نفر عضو هیئت مدیره قرار دارند. مدیرعامل بانک به پیشنهاد و تصویب شورای عالی و مجمع عمومی بانکها انتخاب می‌شود و اعضای هیئت مدیره نیز با نظر مدیرعامل و وزیر کشاورزی و تصویب شورای عالی و مجمع عمومی تعیین و منصوب می‌شوند. بانک کشاورزی دارای ۲۳ اداره مرکزی، ۲۴ سرپرستی در استانهای مختلف کشور و ۴۲۶ شعبه و ۵۳ باجه در سراسر کشور است.

ادارات بانک کشاورزی با توجه به ارتباط با یکدیگر به ۵ گروه تقسیم شده‌اند و هر یک از گروهها زیر نظر یکی از اعضا هیئت مدیره انجام وظیفه می‌نمایند. سرپرستی‌ها نیز نسبت به شعب استان مربوطه، نقش هماهنگ کننده و کنترل کننده را داشته و از اختیارات نسبتاً وسیعی برای حل و فصل امور در سطح استان برخوردار می‌باشند. چارت سازمانی بانک کشاورزی در نمودار شماره (۱) ترسیم شده است.

## روش ارائه خدمات بانک کشاورزی

بانک کشاورزی با توجه به اولویتها و محدودیتهای تعیین شده درسیاستهای اقتصادی و کشاورزی و پولی دولت، منابع مالی خود را در اختیار کلیه فعالیتهای کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی قرار می‌دهد. شعبه پس از دریافت تقاضا از کشاورز، از مراجع ذیصلاح از قبیل بانکها، سازمان تعاون، سازمان جنگلها و مراتع، ثبت

اسناد و غیره در مورد سوابق متقاضی و وضعیت قانونی زمین مورد عمل استعلام می‌نماید و پس از حصول اطمینان نسبت به بدون اشکال بودن و پیشنهاد از نظر قانونی، کارشناس بانک به محل اعزام می‌شود که با بازدید از محل اجرای طرح، نحوه عملیات و هزینه لازمه را با توجه به ریز ارقام تشکیل دهنده تولید مشخص نماید. تا این مرحله در مورد کلیه مبالغ به یک روش عمل می‌شود و بعد از این مرحله با توجه به مبلغ تسهیلات درخواستی، تقاضاها در مسیرهای خاص خود قرار می‌گیرند.

کلیه عملیات مربوط به اعتبارات، تا سه میلیون ریال در شعبه انجام می‌شود. بنابراین، مرحله بعدی برای وامهای کوچک، درج اطلاعات جمع‌آوری شده در فرمهای مخصوص و انجام محاسبات و ارائه یک نظر کارشناسی به صورت یک طرح توجیهی مختصر و ارسال پرونده به دایره اعتبارات است کسه پس از بررسیهای لازم و کسب موافقت رئیس شعبه، متقاضی براساس یکی از عقود اسلامی دعوت به عقد قرارداد می‌شود. در جهت ساده سازی ارائه خدمات بانک به کشاورزان کوچک و ایجاد امکان استفاده از منابع مالی بانک برای کشاورزانی که فاقد وثائق سنددار می‌باشند، وامهای تا چهار میلیون ریال را می‌توان با ضمانت یک شخص ثالث و اعتبار شخص وام گیرنده پرداخت نمود. چنین تسهیلاتی از دیرباز به صورت وامهای زنجیره‌ای و وام با ضمانت معتبر در اختیار کشاورزان بوده است.

در مورد تقاضاهایی که مبلغ آن از حد نصاب تعیین شده برای شعبه بالاتر است، پس از انجام مراحل اولیه و تشریفات مربوطه، پرونده امر به سرپرستی ارسال می‌شود. کارشناس سرپرستی پس از بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده طرح، توجیه فنی، مالی و اقتصادی برای مورد عمل تهیه می‌نماید و چنانچه مبلغ وام در محدوده حد نصاب تعیین شده برای سرپرستی باشد (۶ میلیون ریال)

متقاضی در قالب یکی از عقود دعوت به عقد قرارداد می‌شود و اگر مبلغ تسهیلات از حد نصاب سرپرستی بیشتر باشد، پرونده امر برای اتخاذ تصمیم به مرکز ارسال می‌شود. در ادارات مرکزی چنانچه پس از بررسی همه جانبه طرح، عملیات آن از هر نظر موجه تشخیص داده شود و فعالیت طرح جزء فعالیتهای برخوردار از ارجحیت (از نظر سیاستهای اقتصادی و کشاورزی مملکت باشد) آن را تصویب می‌کنند و پرونده امر برای

عقد قرارداد به سرپرستی عودت داده می‌شود. دو ویژگی مهم اعتبارات بانک کشاورزی، بررسی و پیشنهاد هر متقاضی در قالب یک طرح با توجه به جنبه‌های فنی، مالی و اقتصادی و همچنین، نظارت بر اجرای طرح است. بنابراین، بانک هر تقاضا را اعم از کوچک و بزرگ از نظر فنی، مالی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد و چنانچه منطبق با اهداف کلان اقتصادی و کشاورزی مملکت باشد، طرح عملیات را با برنامه زمان‌بندی

شده به صورت یک طرح مشخص و مدون تنظیم می‌نماید و استفاده کننده از تسهیلات بانک، طبق قرارداد، ملزم به مصرف پول دریافتی از بانک برای تحقق اهداف طرح مورد توافق است. بانک از طریق نظارت بر اجرای طرح، نسبت به عملکرد صحیح مجری طرح، اطمینان حاصل می‌نماید. در مواردی که قسمتی از اعتبار باید به مصرف انجام کار مشخص و یا خرید مشخص مانند تراکتور، پمپ آب، ایجاد ساختمان و تأسیسات و غیره

جدول شماره (۲): مصارف تسهیلات اعطایی بانک در سال ۱۳۶۸

مبلغ به میلیون ریال

جمع کل		هزینه‌های سرمایه‌ای		هزینه‌های جاری		نوع فعالیت
درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	
۳۱/۷	۸۸۹۷۴	۳۰	۴۶/۲۳	۳۳/۶	۴۲۹۵۱	زراعت
۴/۹	۱۳۸۲۰	۶/۲	۹۴۵۷	۴/۴	۴۳۶۳	باغداری
۱۹/۱	۵۳۶۶۹	۲۹/۲	۴۴۶۲۹	۷/۱	۹۰۴۰	گاو‌داری شیری
۴/۲	۱۱۷۲۹	۱/۰	۱۵۸۲	۷/۹	۱۰۱۴۷	گاو‌داری پرواری
۱۹/۷	۵۵۳۴۴	۱۴/۸	۲۲۷۸۱	۲۵/۵۵	۳۲۵۶۳	گوسفندداری داشتی
۴/۹	۱۳۷۱۷	۰/۶	۹۲۶	۱۰/۰	۱۲۷۹۱	گوسفندداری پرواری
۰/۳	۸۶۸	۰/۴	۵۲۰	۰/۳	۳۴۸	طیور تخمگذار
۲/۷	۷۵۸۵	۱/۸	۲۷۱۹	۳/۸	۴۸۶۶	طیور گوشتی
۲/۲	۶۱۲۵	۲/۹	۴۵۵۳	۱/۲	۱۵۷۲	پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل
۲/۴	۶۶۲۹	۳/۶	۵۵۴۷	۰/۹	۱۰۸۲	صنایع وابسته به کشاورزی
۳/۵	۹۹۴۹	۲/۵	۳۸۵۹	۴/۸	۶۰۹۰	قالیبافی، صنایع دستی و حرف
۱/۷	۴۷۸۹	۲/۹	۴۴۱۴	۰/۳	۳۷۵	پرورش ماهی، ماهیگیری و صیدمیگو
*	۳۳	*	۳۳	-	-	بهره‌برداری از جنگلها و مراتع
*	۱۲۴	*	۱۲۳	*	۱	ایستگاههای تکثیر بذر و نهال
۲/۲	۶۲۲۵	۳/۲	۴۸۶۱	۱/۱	۰/۳۶۴	خدمات کشاورزی
۰/۵	۱۴۸۳	۰/۹	۱۳۸۵	۰/۱	۹۸	کشت گیاهان دارویی شترداری
۱۰۰	۲۸۱۰۶۳	۱۰۰	۱۵۳۴۱۲	۱۰۰	۱۲۷۶۵۱	جمع

ماخذ: بانک کشاورزی، اداره بررسیهای اقتصادی

برسد، بانک مبلغ مربوطه را به طور مستقیم به مؤسسه فروشنده و یا پیمانکار پرداخت می‌نماید و علاوه بر آن، پرداختهای بانک مرحله به مرحله طبق شرح مندرج در طرح برای انجام کارهای معینی در جهت تکمیل طرح انجام می‌پذیرد و تضمین دریافت هر قسط برای مجری طرح تکمیل مرحله قبلی طرح است. بانک برای حصول اطمینان نسبت به اجرای مراحل مختلف طرح در موارد ضروری، مرحله به مرحله از محل اجرای طرح بازدید به عمل می‌آورد.

با توجه به شرح فوق، بانک به سوی طرحهای دسته‌جمعی و طرحهای جامع برای روستا تمایل دارد. چون اولاً، در مورد این گونه طرحهای بزرگ بهتر می‌توان سیاستهای کلان اقتصادی - کشاورزی را اعمال نمود و ثانیاً، نظارت بر این گونه طرحها آسانتر می‌باشد. ثالثاً، در بین پرسنل و کارکنان کارشناسی بانک، می‌توان به صورت مفیدتری برای راهنمایی و تحقق اهداف کلان مملکتی

استفاده نمود. (۱)

### سایر فعالیتهای بانک کشاورزی

بانک کشاورزی علاوه بر تأمین اعتبارات مورد نیاز تولید کنندگان محصولات کشاورزی و صنایع وابسته به آن، وظایف و مسئولیتهای دیگری را نیز بر عهده گرفته است که مهمترین آنها بشرح ذیل ذکر می‌گردد:

#### ۱) بیمه محصولات کشاورزی

با توجه به شرایط اقلیمی کشور، وسعت کشت دیم و تغییرات شدید آب و هوایی در بخش کشاورزی، محصولات مختلف زراعی همواره در معرض تهدید بوده و فقدان مکانیسمی اطمینان بخش برای تولیدکنندگان یکی از عوامل گریز سرمایه‌ها از بخش کشاورزی است.

در سال ۱۳۶۳، بیمه محصولات کشاورزی صرفاً برای محصول چغندر قند در خراسان و پنبه در گرگان به عنوان یک کار

آزمایشی در دستورکار "صندوق بیمه محصولات کشاورزی" قرار گرفت و بعد از آن تاریخ، سال به سال بر وسعت دامنه کار افزوده شد که به تدریج هم بر تعداد محصولات کشاورزی افزوده شد و هم سطح زیرکشت محصولات افزایش بیشتری یافت و نهایتاً تعداد بیمه گذاران افزایش پیدا کرد.

در سال سوم فعالیت صندوق بیمه محصولات کشاورزی، زراعت پنبه در سراسر کشور تحت پوشش بیمه قرار گرفت و در سال پنجم فعالیت این صندوق، بقیه زراعت چغندر قند نیز در کل کشور گسترش یافت. از سال ۱۳۶۷ به بعد، سه محصول سویا، برنج و گندم نیز تحت پوشش صندوق بیمه قرار گرفت.

#### ۲) کمک به کشاورزان خسارت دیده

لایحه تأسیس صندوق کمک به تولید کنندگان خسارت دیده محصولات کشاورزی در دی ماه ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسید و از بهمن ماه ۱۳۵۹ رسماً کار این صندوق آغاز شد. به موجب این لایحه، به منظور حمایت و ایجاد توان تولید برای کشاورزان و دامدارانی که در اثر حوادث و سوانح غیرقابل پیش بینی و پیش‌گیری دچار خسارت می‌شوند، صندوق کمک به تولید کنندگان خسارت دیده محصولات کشاورزی و دامی در بانک کشاورزی تشکیل می‌گردد. موارد اعطای این کمکها شامل محصولات زراعی استراتژیک (که همه ساله فهرست آنها از سوی وزارت کشاورزی اعلام می‌شود)، دام، طیور، ماهی، کندوی زنبور عسل، منابع آب، شبکه‌های آبیاری، ساختمانها، تأسیسات، ماشینهای کشاورزی و صنایع روستایی

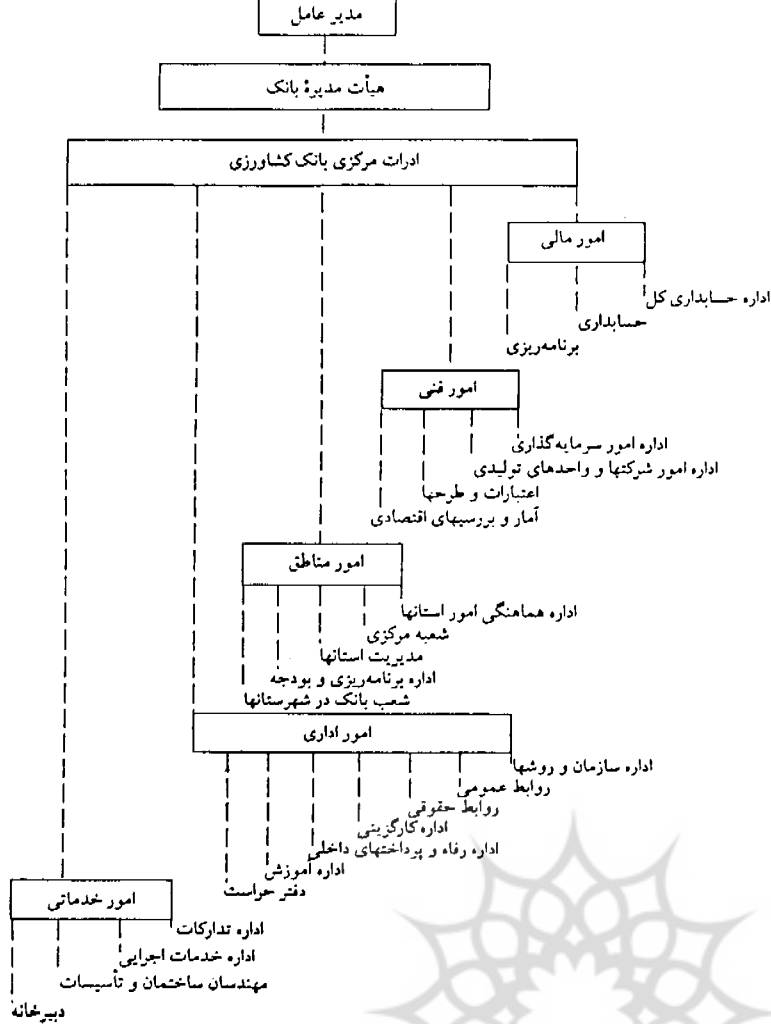
#### جدول شماره (۳): نحوه مصرف هزینه‌های سرمایه‌ای بانک کشاورزی در سال ۱۳۶۸

مبلغ به میلیون ریال

نحوه مصرف	واحد	مبلغ	درصد
تسطیح اراضی (هکتار)	۴۴ ۱۸۱	۷ ۴۹۳	۴/۹
خرید دام (رأس)	۳۶۲ ۶۸۳	۴۲ ۰۵۹	۲۷/۴
ماشین آلات کشاورزی (تعداد)	۱۹ ۲۸۶	۱۷ ۹۵۲	۱۱/۷
خرید وسایل کار (تعداد)	۳۵۰ ۵۵۲	۹ ۴۱۱	۶/۱
خرید طیور (قطعه)	۴۳۰ ۶۹۰	۱۰۵	۰/۱
ساختمان و تأسیسات (مترمربع)	۱ ۸۹۹ ۳۹۴	۳۹ ۶۰۲	۲۵/۸
خرید نهال (مقدار)	۹۴۳ ۷۸۹	۱ ۲۹۱	۰/۹
احداث باغ و یونجه کاری (هکتار)	۳۳ ۷۵۲	۶ ۴۹۷	۴/۲
خرید کندو و کلنی و ملکه (جعبه)	۱۸۴ ۱۰۴	۳ ۹۵۱	۲/۶
خرید تخم نوغان و لارو ماهی (جعبه)	۱۱۵ ۱۶۵	۵۲	**
امور آبیاری	-	۲۴ ۹۹۹	۱۶/۳
جمع	-	۱۵۳ ۴۱۲	۱۰۰

ماخذ: بانک کشاورزی، گزارش عملکرد بانک در سال ۱۳۶۸، اداره بررسیهای آماری اقتصادی، تهران، ۱۳۶۹.

\*\* رقم نزدیک به صفر است.



می‌گردد. ضمناً تشخیص و تعیین خسارات مورد بحث در سطح استان و شهرستانها، به عهده شورای ۵ نفره مرکب از نمایندگان ثابت صندوق، استانداری، سازمان کشاورزی، جهاد سازندگی و هیئت واگذاری زمین می‌باشد. البته مسئولیت نظارت بر مصرف کمکهای اعطایی بر عهده بانک کشاورزی می‌باشد. منابع مالی صندوق عبارت‌اند از: اعتبارات مندرج در بودجه سالیانه و منابع جمع‌آوری شده از کمکهای مردمی در بانک کشاورزی.

کمک رسانی این صندوق بیشتر بر پایه جبران خسارات وارده بر منابع تولید می‌باشد و تا پایان سال ۱۳۷۰، جمعاً مبلغ ۲۴۶ میلیون تومان به صورت نقدی و غیرنقدی به حدود ۵۵۰ هزار نفر از کشاورزان و دامداران خسارت دیده پرداخت گردیده است که توزیع استانی آن به شرح زیر بوده است:

استان فارس ۱۴ درصد، استان خراسان ۱۲ درصد، استان سیستان و بلوچستان ۱۰ درصد، استان خوزستان ۸ درصد، استانهای کرمان و بوشهر هر یک ۷ درصد، استان آذربایجان شرقی ۶ درصد و استانهای دیگر هر یک ۴ درصد.

ضمناً لازم به ذکر است که ۴۸ درصد کمکهای فوق در زمینه جبران خسارت وارده بر محصولات زراعی، ۲۸ درصد برای منابع آب، ۱۳ درصد برای دام و طیور و بقیه در جهت اراضی مسزوعی، ساختمانها و ماشین‌آلات و دیگر موارد مشابه بوده است.

### ۳) بانک زمین

از ۱۶۵ میلیون هکتار مساحت کل کشور، حدود ۳۲ میلیون هکتار قابل کشت و زرع می‌باشد که در حال حاضر، تنها ۱۸ میلیون هکتار آن در چرخه تولید قرار گرفته است و بقیه به دلایلی زیاد و مختلف منجمه کمبود یا نبود آب، پستی و بلندی فراوان، فقدان زهکشی و ساختمان فیزیکی نامناسب بلااستفاده مانده‌اند.

جانبازان، راهنمای سال کشاورزی، دامپروری و آب ایران، سال زراعی ۷۳-۷۲.  
 ۴- مجله سنبله، شماره ۱۸، خرداد ماه ۱۳۶۹.  
 ۵- مجله سنبله، شماره ۳۲، آبان ماه ۱۳۷۰.  
 ۶- ماهنامه جهاد، ویژه نامه اقتصاد روستا، مدیریت انتشارات و مطبوعات وزارت جهاد سازندگی، شماره ۱۴۸، دی ماه ۱۳۷۰.  
 ۷- نبی زاده، محمود، عوامل اقتصادی و ارتباط آنها با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران، تهران، ۱۳۷۲.

۸- وزارت کشاورزی، سیمای بانک کشاورزی، تهران، ۱۳۶۵.

### پی نوشتها:

۱- بانک کشاورزی ایران، تاریخچه مختصری از اعتبارات کشاورزی در ایران، بی‌تا.  
 ۲- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد بانک کشاورزی در سال ۱۳۶۸، اداره بررسیهای آماری اقتصادی، تهران، ۱۳۶۹.  
 ۳- سازمان کشاورزی بنیاد مستضعفان و

بانک کشاورزی با توجه به نیاز روزافزون کشور به محصولات کشاورزی برای افزایش میزان تولید، دست به کار بزرگی زده است و با تأسیس "شرکت توسعه و عمران اراضی کشاورزی" در صدد برآمده تا با قبول اراضی بایر و موات و انجام مطالعات و اجرای طرحهای زیربنایی، اراضی بیشتری را برای انجام امور زراعی آماده نموده و در اختیار بهره‌برداران حقیقی و حقوقی ذیصلاح قرار دهد و هزینه‌های انجام شده را طی اقساط طولانی دریافت دارد.

### منابع مورد استفاده

۱- بانک کشاورزی، تاریخچه مختصری از اعتبارات کشاورزی ایران، بی‌تا.  
 ۲- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد بانک کشاورزی در سال ۱۳۶۸، اداره بررسیهای آماری اقتصادی، تهران، ۱۳۶۹.  
 ۳- سازمان کشاورزی بنیاد مستضعفان و

# وامهای تکلیفی و سیاستگذاری جهاد در توزیع آن بین اشتغال و تکنولوژی

● علی خزاعی  
● مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی

روستایی با روندی نزولی از ۵۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۹ رسید و سپس با روندی صعودی به ۶۳ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. به عبارت دیگر با افزایش نرخ تورم بانکهای تجاری، برای پرداخت وام به روستا به علت پایین بودن نرخ سود تمایل کمتری وجود داشت.

وامهایی که بانک کشاورزی اعطا می‌کند به دو صورت وامهای مستقیم و وامهای تکلیفی است. وامهای مستقیم از سرمایه بانک پرداخت می‌شود، در حالی که وامهای تکلیفی براساس مبلغی که دولت در بودجه سالانه تعیین کرده از سرمایه بانکهای تجاری اعطا می‌شود (۳) که بیشتر آن از طریق بانک کشاورزی توزیع می‌گردد. جدول شماره (۱) وامهای تکلیفی اعطایی بانک کشاورزی را نشان می‌دهد. سهم وامهای تکلیفی بانک کشاورزی از کل اعتبارات پرداختی از ۲۲ درصد یا ۱۴۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۶ درصد یا ۲۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹ کاهش یافته و سپس به ۳۴ درصد یا ۲۰۱۵

## بررسی تحولات تسهیلات تکلیفی در بانک کشاورزی

اگر چه آمار کلی اعطای اعتبارات بانکی به بخش کشاورزی و روستا موجود نیست، اما با استفاده از مانده مطالبات بانکی و تعیین سهم بانک کشاورزی و بانکهای تجاری (۱) و سپس تبدیل سهم مذکور به ارزش وام از طریق تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی (۲)، می‌توان به کل تسهیلات مستقیم و تکلیفی اعطایی به بخش کشاورزی و صنایع روستایی دست یافت که در جدول شماره (۱) آورده شده است. براساس این جدول، کل اعتبارات بانکی اعطایی به بخش کشاورزی و صنایع روستایی از ۶۵۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۵۸۶۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است که می‌توان آن را به دو دوره ۶۷-۱۳۷۱ و ۷۲-۱۳۷۵ تقسیم کرد. در دوره اول نرخ متوسط رشد سالانه ۳۲ درصد می‌باشد که در دوره دوم به ۲۵ درصد رسیده است. سهم بانک کشاورزی از کل اعتبارات بانکی پرداختی به بخش کشاورزی و صنایع

## مقدمه

اعتبارات بانکی یکی از ابزارهای مهم سیاست پولی دولت در سالهای بعد از انقلاب است. زیرا دولت برای سیاستهای حمایتی در بخش کشاورزی و روستا معمولاً از سه ابزار مهم یارانه، قیمت گذاری و اعتبارات بانکی استفاده می‌کند. اهمیت اعتبارات بانکی در سیاستهای حمایتی از آن جهت است که دولت بابت اجرای آن هزینه‌ای را صرف نمی‌کند و آنچه را پرداخت می‌نماید، پس از مدتی بازپرداخت می‌شود. این مسئله زمانی که دولت با مشکلات مالی مواجه است از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، به خصوص وقتی که وام گیرنده را به طور غیرمستقیم به افزایش تولید مجبور نماید تا توان بازپرداخت وام را داشته باشد. در این مورد اعتبارات تکلیفی اهمیت بیشتری دارند، زیرا سیاست توزیع آن توسط دولت انجام می‌گیرد. بنابراین آشنایی با چگونگی توزیع وامهای تکلیفی جهاد می‌تواند سیاستگذاری آن را در انتخاب کار یا سرمایه مشخص نماید.



میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این تغییرات نشان‌دهنده این است که دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی سعی داشته با افزایش سهم اعتبارات تکلیفی بخش کشاورزی، مشکلات ناشی از تورم را در این بخش کاهش دهد و از این طریق سرمایه بیشتری به روستاها انتقال دهد، اما از سوی دیگر بانک کشاورزی به دلیل پرداخت یارانه بابت تفاوت نرخ سود تعیینی از طرف دولت و نرخ سود وامهای بخش کشاورزی، سالانه مبلغی به بانکهای تجاری بدهکار می‌شود. اگر چه دولت پرداخت آن را تضمین نموده، اما تاکنون مبلغی را پرداخت نکرده است. به طوری که تا سال ۱۳۷۷ یارانه پرداختی بانک کشاورزی به ۹۸۰ میلیارد ریال رسیده است. (۴) مراحل دریافت اعتبارات تکلیفی به این صورت است که شرایط پرداخت در بانک کشاورزی از طریق تبصره‌های عمرانی قانون بودجه تعیین و پس از تدوین آیین نامه اجرایی آن، بانک کشاورزی به متقاضیان معرفی شده از سوی وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد

سازندگی، تعاون و صنایع وام پرداخت می‌کند(۵). بنابراین مستقاضیان مربوطه بخصوص برای طرحهای تولیدی مورد نظر جهاد مجبور به تهیه طرح توجیه فنی برای ادارات جهاد هستند تا پس از تأیید به بانک کشاورزی معرفی شوند (۶) تا بعد از آن با آنها مانند متقاضیان وامهای مستقیم برخورد شود. روند اعطای تسهیلات تکلیفی بانک کشاورزی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. براساس این جدول در سال ۱۳۷۰ معادل ۳۳۰/۸ میلیارد ریال وام تکلیفی از طرف بانک کشاورزی به ۷۰۵۱۸ طرح اعطا شده است که از این مبلغ ۲۶/۳ میلیارد ریال یا ۸ درصد آن مربوط به وامهای تبصره (۳) یا ایجاد واحدهای تولیدی جدید می‌باشد. (۷) که بین ۱۷۶۲۶ طرح توزیع شده و ۳۰۴/۵ میلیارد ریال یا ۹۲ درصد نیز از طریق تبصره (۴) برای تأمین سرمایه در گردش (۸) ۵۲۸۹۲ طرح مورد استفاده قرار گرفته است. در سال ۱۳۷۱ کل وامهای تکلیفی اعطا شده توسط بانک کشاورزی به ۴۶۵/۸ میلیارد ریال رسیده

که نسبت به سال ۱۳۷۰، ۴۱ درصد رشد داشته و این مبلغ بین ۸۷۹۲۲ طرح توزیع شده است که ۶۸/۵ میلیارد ریال آن از طریق تبصره (۳) برای ۱۸۲۲۲ طرح و ۳۹۷/۳ میلیارد ریال آن از طریق تبصره (۴) و برای ۶۹۷۰۰ طرح اختصاص یافته است.

در سال ۱۳۷۲ با اضافه شدن دو تبصره دیگر، تسهیلات اعطا شده به ۸۵۵/۷ میلیارد ریال رسید که ۱۷۲/۵ میلیارد ریال آن از طریق تبصره (۳) به ۲۰۱۶۳ طرح و ۶۳۷/۵ میلیارد ریال نیز از طریق تبصره (۴) برای ۶۲۰۵۵ طرح پرداخت گردید. ضمناً از سایر تبصره‌ها نیز در مجموع ۱۳۱ میلیارد ریال به ۵۸ هزار طرح اعطا شده است.

در سال ۱۳۷۳، ۱۲۴۰/۳ میلیارد ریال تسهیلات تکلیفی پرداخت شد که از این مبلغ ۲۲۹ میلیارد ریال آن از تبصره (۳) و ۷۱ درصد نیز از طریق تبصره (۴) بین ۵۳ هزار طرح توزیع گردید. از سایر تبصره‌ها نیز ۱۵۳ میلیارد ریال تسهیلات اعطا شده است. در سال ۱۳۷۴ با افزایش یک تبصره دیگر،

جدول شماره (۱): آمار وامهای اعطایی به بخش کشاورزی و صنایع روستایی در سالهای ۶۷-۱۳۷۵

واحد: میلیون ریال

بانک کشاورزی				کل	سال
سهم وامهای تکلیفی	ارزش وامهای تکلیفی	درصد از کل	ارزش کل		
۲۲	۱۴۷	۵۸	۳۱۲	۶۵۹	۱۳۶۷
۱۸	۱۶۳	۵۰	۴۴۴	۸۸۸	۱۳۶۸
۱۶	۲۱۰	۴۷	۶۲۶	۱۲۷۹	۱۳۶۹
۱۸	۳۳۱	۵۲	۹۵۷	۱۸۴۰	۱۳۷۰
۲۳	۴۶۶	۵۴	۱۰۷۶	۱۹۹۱	۱۳۷۱
۲۳	۸۵۶	۵۸	۱۷۵۲	۳۰۲۰	۱۳۷۲
۳۲	۱۲۴۰	۶۲	۲۳۶۳	۳۸۱۲	۱۳۷۳
۳۲	۱۷۰۰	۶۳	۲۳۶۲	۵۳۳۶	۱۳۷۴
۳۴	۲۰۱۵	۶۳	۳۶۹۵	۵۸۶۵	۱۳۷۵

ماخذ: ۱- مرکز آمار، سالنامه آماری سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶. ۲- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سالهای ۶۷-۱۳۷۵، بانک کشاورزی



تعداد تبصره‌ها به ۶ مورد رسید و تسهیلات اعطایی با رشد ۳۷ درصدی به ۱۶۹۹/۵ میلیارد ریال افزایش یافت. از این مبلغ، ۴۶۵ میلیارد ریال (یا ۲۷ درصد) آن برای ایجاد یا تکمیل ۱۴ هزار واحد تولیدی از طریق تبصره (۳) و ۱۰۸۱ میلیارد ریال (یا ۶۳ درصد) نیز برای تأمین کسری سرمایه در گردش ۵۶ هزار واحد تولیدی یا تعاونیهای تولیدی پرداخت شده است. همچنین ۱۵۳ میلیارد ریال (یا ۹ درصد) تسهیلات تکلیفی از طریق تبصره‌های دیگر به ۳۶ هزار واحد تولیدی پرداخت شده است و در نهایت در سال ۱۳۷۵، ۲۰۱۵ میلیارد ریال تسهیلات تکلیفی بین ۱۲۱ هزار واحد تولیدی توزیع شده است که نسبت به سال قبل ۱۸ درصد افزایش داشته است. از این مبلغ ۳۰۱/۶ میلیارد ریال (یا ۱۸ درصد) آن از طریق تبصره (۳) و برای ایجاد واحدهای تولیدی به ۱۵ هزار طرح پرداخت شده و ۱۱۰/۵ میلیارد ریال (یا ۶۵ درصد) نیز برای تأمین کسری سرمایه در گردش واحدهای

تولیدی از طریق تبصره (۴) و به ۴۷۹۸۹ واحد تولیدی یا تعاونی اعطا شده است. سایر تبصره‌ها نیز با ارقامی بیشتر از سال ۱۳۷۴ جمعاً ۶۱۲ میلیارد ریال که ۳۶ درصد وامهای تبصره‌ای است به ۵۷ هزار طرح اعطا شده است.

به طور کلی اعطای تسهیلات تکلیفی در طی سالهای ۷۰-۱۳۷۵ نشاندهنده این است که شرایط تورمی موجب شده است تا واحدهای تولیدی با کسری سرمایه در گردش مواجه شوند و تقاضای آنها برای وام افزایش یابد. به گونه‌ای که ۶۵-۹۲ درصد تسهیلات تکلیفی از طریق تبصره (۴) پرداخت شده است.

از طرفی به طرحهای تبصره (۴) یارانه‌ای تعلق نمی‌گیرد. (۹) و مدت بازپرداخت آن یک ساله است. بنابراین بانک کشاورزی تمایل بیشتری به پرداخت این نوع وام تکلیفی دارد. با این حال سهم وامهای تبصره (۴) روند کاهشی داشته، زیرا از ۹۲ درصد در سال

۱۳۷۰ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است و علت آن نیز افزایش تعداد تبصره‌های جدید می‌باشد که از ۲ تبصره در سال ۱۳۷۰ به ۷ تبصره در سال ۱۳۷۵ رسیده است.

### اعتبارات تکلیفی در جهاد

از آنجایی که در وامهای تکلیفی، وزارت جهاد باید متقاضیان واجد شرایط را به بانک کشاورزی و بانکهای تجاری معرفی کند، بررسی چگونگی توزیع تسهیلات از نظر تبصره و زیربخشی که وام به آن اختصاص یافته، می‌تواند تا حدی سیاستگذاری این وزارتخانه را در زمینه توسعه بخش کشاورزی و صنعت در روستا مشخص نماید.

توزیع تسهیلات تکلیفی در سالها ۶۸-۱۳۷۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸، ۵۸ میلیارد ریال وام توزیع شده است که ۷۳ درصد آن مربوط به تبصره (۴) و ۲۶ درصد مربوط به تبصره (۳) می‌باشد. در سال ۱۳۶۹ سهم جهاد از وامهای تکلیفی کاهش یافته و به

جدول شماره (۲): آمار وامهای تکلیفی اعطایی از طریق بانک کشاورزی در سالهای ۶۷-۶۷

نام تبصره	۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳	
	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ
۳	۱۷۶۲۶	۲۶/۳	۱۸۲۲۲	۶۸/۵	۲۰۱۶۳	۱۷۲/۵	۱۴۱۶۰	۲۲۹
۴	۵۲۸۹۲	۳۰۴/۵	۶۹۷۰۰	۳۹۷/۳	۶۲۰۵۵	۶۳۷/۵	۵۳۳۰۷	۸۸۰
۶	-	-	-	-	۳۱۶۱۳	۲۵/۷	۵۵۰۴۵	۴۹/۸
۵۰	-	-	-	-	-	-	۱۲۶۰	۶۹/۸
۵۱	-	-	-	-	-	-	۱۷۲۵	۱۱/۷
۷۶ و ۴۸	-	-	-	-	-	-	-	-
۶۲	-	-	-	-	-	۹/۳	-	-
۵۳	-	-	-	-	۱۷۹۸	۱۰/۷	-	-
۵۲	-	-	-	-	۵۸	-	-	-
جمع کل	۷۰۵۱۸	۳۳۰/۸	۸۷۹۲۲	۴۶۵/۸	۱۱۵۶۸۷	۸۵۵/۷	۱۲۵۴۹۷	۱۲۴۰/۳

ماخذ: بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سالهای ۶۷-۱۳۷۵، بانک کشاورزی

۵۲ میلیارد ریال رسیده است که ۳۸/۳ میلیارد ریال آن از تبصره (۴) و ۱۳/۵ میلیارد ریال نیز از تبصره (۳) می‌باشد. در سال ۱۳۷۰ وام‌های تکلیفی معرفی شده وزارت جهاد سازندگی به مبلغ ۱۰۹/۸ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال قبل آن معادل ۱۱۱ درصد رشد داشت و از این مبلغ ۶۴ درصد آن مربوط به تبصره (۴) و ۳۶ درصد (یا ۳۹/۵ میلیارد ریال) نیز مربوط به تبصره (۳) بوده است. اما در سال ۱۳۷۱ با ۲۳ درصد کاهش رشد نسبت به سال ۱۳۷۰، این مبلغ به ۸۵/۳ میلیارد ریال رسید که ۲۴/۵ میلیارد ریال کاهش داشت، با وجود این، سهم تبصره (۴) افزایش یافته است. (۱۰)

به طور کلی در طی سالهای ۶۸-۱۳۷۱ وام‌های تبصره (۴) که برای سرمایه در گردش مورد استفاده قرار می‌گرفت از روند فزاینده‌ای برخوردار بوده است و از ۴۲ میلیارد ریال به ۸۰/۴ میلیارد ریال رسیده است. این امر نشان‌دهنده این است که روند افزایش تورم موجب شده است تا تقاضا برای سرمایه در

واحد: میلیارد ریال

۱۳۷۵		
مبلغ	تعداد	مبلغ
۳۰۱/۶	۱۵۲۱۴	۴۶۵
۱۱۰۰/۵	۴۷۹۸۹	۱۰۸
۳۹/۵	۲۹۳۹۶	۳۵/۹
۱۰۲/۶	۱۹۷۱	۹۱
۲۶/۱	۲۲۴۷	۹/۷
۴۱/۷	۱۶۷۵	۱۶/۹
۴۰۲/۷	۲۱۳۴۵	-
-	-	-
-	-	-
۲۰۱۵	۱۲۰۸۳۷	۱۶۹۹/۱

گردش و یا وام‌های تبصره (۴) افزایش یابد و در مقابل وام‌های تبصره (۳) که بیشتر اشتغالزای می‌باشند از روند نوسانی و کاهنده‌ای برخوردار شوند. از سال ۱۳۷۲ نیز وام‌های تکلیفی مربوط به وزارت جهاد افزایش یافت، به طوری که بر اساس جدول شماره (۳) به حدود ۴۰۸/۷ میلیارد ریال رسید. اگر چه دو تبصره (۵۲) و (۵۳) نیز اضافه شد، اما سهم آنها از کل وام‌های تکلیفی جهاد ۸ درصد بوده است. در سال مذکور در بین زیربخش‌های دام و طیور، شیلات و آبزیان، جنگل و مرتع، آب‌خیزداری، اسکان عشایر و صنعت، دو زیربخش مهم "دام و طیور" و "صنعت" با ۱۷۹ میلیارد ریال، ۴۴ درصد وام‌های تکلیفی را به خود اختصاص داده‌اند که ۱۲۳ میلیارد ریال آن از تبصره (۳) می‌باشد.

در سال ۱۳۷۳ نیز وام‌های تکلیفی به ۵۷۵ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال ۱۳۷۲، ۱۶۷ میلیارد ریال افزایش داشته است. در سال مذکور نیز بخش دام و طیور با ۱۷۵/۵ میلیارد ریال و بخش صنعت با ۲۹۹ میلیارد ریال، در مجموع ۸۲ درصد وام‌های تکلیفی را به خود اختصاص داده‌اند که در هر دو بخش تبصره (۳) بیشترین سهم را داشته است، به علت اینکه ۱۰۱ میلیارد ریال وام‌های دام و طیور و ۱۶۴ میلیارد ریال وام‌های صنعت از این تبصره تأمین شده است. همچنین تبصره (۳) با ۲۸۸ میلیارد ریال دارای بیشترین وام تکلیفی بوده است، در حالی که در سال ۱۳۷۲ تبصره (۴) با ۲۰۲ میلیارد ریال، حدود ۵۰ درصد وام‌های تکلیفی را به خود اختصاص داده است.

در سال ۱۳۷۴، ۴۲۵ میلیارد ریال وام تکلیفی پرداخت شده که مانند سال‌های قبل صنعت با ۲۱۶/۴ میلیارد ریال و دام و طیور با ۱۲۹/۷ میلیارد ریال بیشترین وام تکلیفی را به خود اختصاص داده‌اند، اما تبصره (۴) در هر دو بخش بیشترین سهم را داشته است، زیرا ۵۴/۵ میلیارد ریال از بخش دام و طیور و ۱۷۸/۹ میلیارد ریال از بخش صنعت مربوط به وام‌های تبصره (۴) بوده است. همچنین

تبصره (۴) با حدود ۲۹۳ میلیارد ریال بیشترین وام‌های تکلیفی را به خود اختصاص داده است.

همچنین در سال ۱۳۷۵ وام‌های تکلیفی به بیش از ۵۶۵ میلیارد ریال افزایش یافت که نسبت به سال قبل از آن، ۱۴۰ میلیارد ریال بیشتر شده است و مانند سال‌های قبل، دو بخش صنعت و دام و طیور هر یک به ترتیب با ۲۳۴/۴ میلیارد ریال و ۱۸۰ میلیارد ریال در مجموع ۷۳ درصد وام‌های تکلیفی را داشته‌اند. اما در بخش دام و طیور بر خلاف سال قبل، تبصره (۳) بیشترین مبلغ و در بخش صنعت مانند سال قبل تبصره (۴) بیشترین مبلغ وام تکلیفی را به خود اختصاص داده است و در نهایت وام‌های تبصره (۴) با حدود ۲۵۸ میلیارد ریال بیشترین مبلغ وام‌های تکلیفی را داشته‌اند.

به طور کلی در طی سال‌های ۷۲-۱۳۷۵ دو بخش دام و طیور و صنعت بیشترین مبلغ وام را به خود اختصاص داده‌اند و سهم وام‌های تبصره (۴) نسبت به سایر تبصره‌ها بیشتر بوده است.

## سیاست‌گذاری جهاد در انتخاب کار و سرمایه برای واحدهای تولیدی

اگر چه آمار سال‌های قبل از ۱۳۷۵ در زمینه چگونگی توزیع وام‌های تکلیفی وزارت جهاد در دست نیست، اما توزیع آن در سال ۱۳۷۵ و بخصوص در زمینه وام‌های تبصره (۳) می‌تواند سیاست‌گذاری این وزارتخانه را در مورد انتخاب کار و سرمایه مشخص کند.

وام‌های تبصره (۳) در سال ۱۳۷۵ بین بخش‌های دام و طیور، شیلات و آبزیان، جنگل و مرتع، آب‌خیزداری و صنایع روستایی توزیع شده است. بر اساس جدول شماره (۴) وام‌های تبصره (۳) در ۶۶۵۴ طرح مورد استفاده قرار گرفت که از این تعداد سه بخش دام و طیور با ۲۵۲۰ طرح، آب‌خیزداری با ۱۸۵۱ طرح و جنگل و مرتع با ۱۱۳۱ طرح بیشترین تعداد طرح را به خود اختصاص داده‌اند و بخش

شیلات و آبیان با ۱۵۸ طرح دارای کمترین تعداد طرح می باشد. همچنین از ۶۶۵۴ طرح مربوط به تبصره (۳)، ۵۴۳۷ طرح یا ۸۲ درصد آن احداثی است و سایر آن تکمیلی می باشد. در بین زیربخشهای مورد بررسی، دام و طیور با ۱۹۳۹ طرح، آبخیزداری با ۱۸۴۷

طرح و جنگل و مرتع با ۱۰۷۹ طرح بیشترین طرح احداثی را در وامهای تخصصی تبصره (۳) به خود اختصاص داده اند. اما از نظر سهم یا نسبت طرحهای احداثی به کل طرحهای اجرا شده، بخش آبخیزداری با ۱۰۰ درصد و بخش جنگل و مرتع با ۹۵ درصد دارای

بالاترین سهم هستند.

همچنین از کل طرحهای تبصره (۳)، ۴۲۸۶ طرح یا ۶۴ درصد طرحها در مناطق محروم اجرا شده است و در بین زیربخشهای مورد نظر آبخیزداری با ۱۵۲۱ طرح و دام و طیور با ۱۴۷۵ طرح بیشترین تعداد و شیلات

جدول شماره (۳): وامهای تکلیفی توزیعی جهاد به تفکیک تبصره و زیربخش در سالهای ۶۷-۱۳۷۵

واحد: میلیارد ریال

سال	نام تبصره	دام و طیور	شیلات و آبیان	جنگل و مرتع	آبخیزداری	صنعت	اسکان عشایر	جمع کل
۱۳۷۲	۳	۱۲۲/۷	۴/۶	۴	۰/۴	۴۰	-	۱۷۲
	۴	۳۸/۹	۲۸/۵	-	-	۹۷/۹	۳۶/۵	۲۰۱/۹
	۵۲	۱۷/۹	-	۰/۱	-	۵/۹	-	۲۴
	۵۳	-	-	-	-	-	۱۰/۵	۱۰/۵
	کل	۱۷۹/۵	۳۳/۱	۴/۱	۰/۴	۱۴۳/۸	۴۷	۴۰۸
۱۳۷۳	۳	۱۰۱	۱۵/۵	۴	۳	۱۶۴	-	۲۸۷/۷
	۴	۱۶/۵	۱۹	۰/۳	-	۱۲۹	۴۳/۸	۲۰۸/۶
	۵۰	۵۸	۲	۰/۳	-	۶	-	۶۶/۷
	۵۱	-	-	-	-	-	۱۲	-
	کل	۱۷۵/۵	۳۶/۵	۴/۶	۳	۲۹۹	۵۵/۸	۵۷۵
۱۳۷۴	۳	۲۹/۵	۴/۹	۰/۳	۱۱/۵	۲۸/۸	-	۷۵
	۴	۵۴/۵	۲۸	۲	-	۱۷۸/۹	۲۸/۵	۲۹۲/۸
	۵۰	۴۵/۷	۲/۵	۰/۲	-	۸/۷	-	۵۷/۲
	کل	۱۲۹/۷	۳۵/۴	۲/۵	۱۱/۵	۲۱۶/۴	۲۸/۵	۴۲۵
۱۳۷۵	۳	۸۷/۴	۲۰	۷/۷	۶	۳۸	-	۱۵۹
	۴	۳۰	۲۴/۱	۰/۳	-	۱۸۱/۴	۲۲	۲۵۷/۸
	۵۰	۴۲/۷	۱/۹	۰/۵	۰/۳	۱۵	-	۶۰/۵
	۶۲	۱۹/۹	-	-	۳/۷	-	۴/۲	۲۷/۸
	کل	۱۸۰	۴۶	۸/۵	۱۰	۲۳۴/۴	۲۶/۲	۵۶۵/۱

ماخذ: معاونت طرح و برنامه ریزی، اداره امور تسهیلات بانکی

و آبریزان با ۶۶ طرح کمترین تعداد طرح مناطق محروم را دارند و از نظر سهم، بخش آبخیزداری با ۸۲ درصد و جنگل و مرتع با ۶۶ درصد بیشترین و شیلات و آبریزان با ۴۲ درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. ضمناً از تبصره (۳)، حدود ۱۵۷ میلیارد ریال وام، جذب طرحهای جهاد شده است که ۳۷ درصد کل سرمایه‌گذاری می‌باشد. به گونه‌ای که زیربخش دام و طیور با بیش از ۱۹۲ میلیارد ریال، صنایع روستایی با حدود ۱۶۳ میلیارد ریال بیشترین سرمایه‌گذاری و آبخیزداری با حدود ۱۰ میلیارد ریال و جنگل و مرتع با حدود ۱۲ میلیارد ریال کمترین سرمایه‌گذاری را داشته‌اند. از مجموع ۱۵۸ میلیارد ریال وام تبصره (۳)، ۸۷ میلیارد ریال به زیربخش دام و طیور، ۳۷ میلیارد ریال به صنایع دستی و ۲۰ میلیارد ریال به زیربخش شیلات و آبریزان اختصاص یافته است، در حالی که دو بخش آبخیزداری و جنگل و مرتع هر یک با کمترین مبلغ به ترتیب ۴/۷ میلیارد ریال و ۷/۷ میلیارد ریال وام جذب کرده‌اند. چنین توزیع وامی موجب شده است تا برای ۱۸۰۲۰ نفر اشتغال ایجاد شود. از این تعداد، ۶۳۹۲ شغل یا (۳۵ درصد) مربوط به صنایع روستایی و ۵۲۱۳ شغل یا ۳۰ درصد مربوط به دام و طیور می‌باشد و کمترین اشتغالزایی مربوط به شیلات و آبریزان با ۱۱۲۶ شغل است. اما از نظر متوسط سرمایه جذب شده برای هر شغل، بخش جنگل و مرتع با ۳/۳ میلیون ریال سرمایه‌گذاری برای یک شغل و آبخیزداری با ۵/۵ میلیون ریال کمترین سرمایه‌بری را داشته است. در حالی که بخشهای شیلات و آبریزان با ۴۱ میلیون ریال و دام و طیور با ۳۷ میلیون ریال بیشترین سرمایه را برای هر شغل به کار گرفته‌اند. متوسط وام جذب شده برای هر شغل در طرحهای تبصره (۳)، ۸/۷ میلیون ریال می‌باشد و در بین بخشهای مورد نظر، جنگل و مرتع با ۲/۲ میلیون ریال کمترین وام را برای هر شغل ایجاد کرده است و پس از آن

طرحهای آبخیزداری با ۲/۶ میلیون ریال قرار دارد. اما طرحهای شیلات و آبریزان با ۱۸ میلیون ریال و طرحهای دام و طیور با ۱۷ میلیون ریال بیشترین متوسط وام جذب شده برای هر شغل را داشته‌اند. از بررسی صنایع روستایی و زیربخشهای مختلف کشاورزی و زیر پوشش جهاد می‌توان چنین برداشت کرد که ۸۴ درصد سرمایه‌گذاری مربوط به دام و طیور و صنایع روستایی است و ۷۹ درصد وامهای دریافتی نیز به این دو تعلق دارد و همچنین ۶۵ درصد اشتغالزایی از طریق وامهای تبصره (۳) مربوط به جهاد نیز به دو بخش مذکور تعلق دارد، اما کمترین سرمایه‌بری به بخشهای جنگل و مرتع و آبخیزداری مربوط می‌شود. البته باید در نظر گرفت که طرحهای جنگل و مرتع و آبخیزداری اشتغال دائمی به وجود نمی‌آورند. به عبارت دیگر هدف اصلی آنها حفظ محیط زیست است نه اشتغالزایی.

برای بررسی چگونگی توزیع وامها می‌توان از سه شاخص سرمایه‌بری، متوسط تعداد شاغلین و سرمایه‌بری هر شغل استفاده کرد. جدول شماره (۵) سه شاخص مورد نظر را در هر نوع طرح نشان می‌دهد. براساس این جدول در بخشهای دام و طیور، شیلات و آبریزان که اشتغال دائمی ایجاد می‌کند، کمترین سرمایه‌بری هر طرح مربوط به سایر طرحهای تولیدی و خدماتی با ۸ میلیون ریال و بیشترین سرمایه‌بری مربوط به تولید تخم مرغ خوراکی با ۳۶۲ میلیون ریال و همچنین تکثیر پرورش آبریزان با ۲۸۹ میلیون ریال می‌باشد. این شاخص در بخشهای جنگل و مرتع و آبخیزداری که بیشتر اشتغال موقت را ایجاد می‌کنند، با کمترین سرمایه‌بری همراه است. چنان که ۳ میلیون ریال به آبخیزداری و حوزه سدها و ۳ میلیون ریال نیز به اصلاح کاربری اراضی آبخیزداری تعلق دارد و بیشترین سرمایه‌بری مربوط به طرح ساماندهی خروج دام از جنگل با ۲۶ میلیون ریال می‌باشد. شاخص متوسط شاغلین هر طرح برای

برای بررسی چگونگی توزیع وامها می‌توان از سه شاخص سرمایه‌بری، متوسط تعداد شاغلین و سرمایه‌بری هر شغل استفاده کرد.

اهمیت اعتبارات بانکی در سیاستهای

حمایتی از آن

جهت است که دولت بابت اجرای آن

هزینه‌ای را صرف نمی‌کند و

آنچه را پرداخت می‌نماید، پس از مدتی

بازپرداخت می‌شود.

از بررسی صنایع روستایی و

زیربخشهای مختلف کشاورزی و

زیرپوشش جهاد

می‌توان چنین برداشت کرد

که ۸۴ درصد

سرمایه‌گذاری، مربوط به دام و طیور و

صنایع روستایی است

و ۷۹ درصد

وامهای دریافتی نیز به این دو تعلق

دارد.

جدول شماره (۴): آمار وضعیت وام‌های توزیعی تبصره (۳) به تفکیک برنامه‌ها در سال ۱۳۷۵

واحد: درصد - میلیون ریال

نوع طرح	تعداد طرح	تعداد طرح احدانی	سهم طرحهای احدانی	تعداد طرح در مناطق محروم	سهم طرحهای مناطق محروم	کل سرمایه	وام جذب شده	تعداد شغل ایجاد شده	سرمایه‌بری هر شغل	وام بری هر شغل
دام و طیور	۲۵۲۰	۱۹۳۹	۷۷	۱۲۷۵	۵۸	۱۹۲۲۸۱	۸۷۲۵۷	۵۲۱۳	۳۷	۱۷
شیلات و آبزیان	۱۵۸	۱۳۱	۸۳	۶۶	۲۲	۳۵۷۳۳	۲۰۱۱۸	۱۱۲۶	۲۱	۱۸
جنگل و مرتع	۱۱۳۱	۱۰۷۹	۹۵	۲۷۹	۶۶	۱۱۶۲۹	۷۶۶۹	۳۲۷۴	۳/۳	۲/۲
آبخیزداری	۱۸۵۱	۱۸۲۷	۱۰۰	۱۵۲۱	۸۲	۹۹۱۵	۲۷۲۰	۱۸۱۵	۵/۵	۲/۶
صنایع روستایی	۹۹۴	۴۴۱	۲۲	۲۷۲	۲۸	۱۶۲۸۳۱	۳۶۷۷۲	۶۳۹۲	۲۵	۵/۷
جمع کل	۶۶۵۴	۵۴۳۷	۸۲	۴۲۸۶	۶۴	۲۲۲۳۷۹	۱۵۶۷۵۶	۱۸۰۲۰	۲۳	۸/۶

منابع: وزارت جهاد سازندگی، معاونت طرح و برنامه ریزی، گزارش عملکرد اعتبارات بانکی قانون بودجه سال ۱۳۷۵، جلد دوم، دفتر تسهیلات بانکی، ۱۳۷۵

جدول شماره (۵): آمار شاخصهای اقتصادی طرحهای تبصره (۳) بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵

واحد: میلیون ریال

نام برنامه	عنوان طرح	متوسط سرمایه هر طرح	متوسط شاغلین هر طرح	سرمایه‌بری هر شغل
دام و طیور	توسعه تولید گوشت قرمز	۷۲	۲/۳	۳۱
	توسعه تولید شیر	۹۲	۲/۲	۴۲
	پرورش مرغ و سایر ماکیان گوشتی	۲۸۳	۳۹	۷۳
	تولید تخم مرغ خوراکی	۳۶۲	۵/۹	۶۱
	تولید جوجه یک روزه	۲۱۵	۸/۱	۲۶
	زنبورداری	۸۲	۳/۳	۲۵
	سایر طرحهای تولیدی و خدماتی	۸	۱	۷
جنگل و مرتع	احداث و تکمیل توسعه واحدهای دامپزشکی	۱۲۸	۴/۴	۲۹
	تثبیت شنهای روان	۶/۹	۰/۷	۱۰
	مرتعداری و تولید علوفه	۲۰	۲/۴	۸/۳
	جنگلکاری و احیای جنگل	۷	۵	۱/۴
	ساماندهی خروج دام از جنگل	۲۶	۳	۹
شیلات و آبزیان	تجمع جنگل نشینان	۲۴	۱/۲	۲۰
	تکثیر و پرورش آبزیان	۲۸۹	۷	۴۱
	پیشگیری و مهار سیلاب	۱۲	۱/۴	۹
آبخیزداری	آبخیزداری حوزه سدهای موجود	۳	۰/۶	۵
	آبخیزداری حوزه سدهای در دست ساختمان	۳	۰/۰۷	۵۰
	اصلاح کاربری اراضی آبخیزداری	۳	۱	۳

منابع: معاونت طرح و برنامه ریزی، اداره امور تسهیلات بانکی

بخشهای دام و شیلات، کمترین تعداد مربوط به سایر طرحهای تولیدی و خدماتی و بیشترین تعداد مربوط به طرح تولید جوجه یک روزه با ۸/۱ نفر است. همچنین شاخص سرمایه‌بری هر شغل دائمی که شامل زیربخشهای دام و شیلات باشد، بیشترین آن مربوط به طرحهای پرورش مرغ و سایر ماکیان گوسشتی با ۷۳ میلیون ریال و کمترین آن مربوط به سایر طرحهای تولیدی و خدماتی با ۷ میلیون ریال می‌باشد. با توجه به دو شاخص بررسی شده بیشترین سرمایه‌بری هر شغل دائمی بین ۷۳-۷ میلیون ریال است. در مورد مشاغل موقت نیز سرمایه‌بری هر شغل بین ۱/۴-۵۰ میلیون ریال می‌باشد که طرحهای جنگلکاری و احیای جنگل با ۱/۴ میلیون ریال کمترین سرمایه‌بری را دارند.

در بخش صنعت و براساس جدول شماره (۶) سرمایه مصرف شده از طریق وامهای تبصره (۳) در سال ۱۳۷۵ بین ۸ میلیون ریال (برای صنایع دستبافت) تا ۱۸۴۲ میلیون ریال (بسرای صنایع شیمیایی) قرار دارد. کم سرمایه‌برترین زیرگروههای صنعتی مربوط به سه گروه صنایع دستبافت با ۸ میلیون ریال، صنایع بافندگی از الیاف مصنوعی با ۲۴ میلیون ریال و صنایع مصنوعات سرامیکی با ۳۵ میلیون ریال می‌باشد. از آنجایی که سرمایه به کار گرفته شده با سطح تکنولوژی مرتبط است، هر چه در کارگاه سرمایه کمتری به کار گرفته شده باشد، واحد تولیدی از تکنولوژی پایین‌تر و ساده‌تری استفاده کرده است. بنابراین با سرمایه کمتر، واحد تولیدی بیشتری ایجاد می‌شود، اما از قدرت رقابت کمتری در بازار فروش محصول برخوردار است. در مقابل تکنولوژی بالاتر به سرمایه بیشتری نیاز دارد و در بازار فروش نیز از قدرت رقابت

بیشتری برخوردار است.

شاخص دیگر متوسط تعداد شاغلین هر طرح است که اندازه کارگاه را نشان می‌دهد. زمانی شاخص متوسط شاغلین هر طرح با شاخص متوسط سرمایه آن هماهنگ است که اندازه کارگاه و سطح تکنولوژی با یکدیگر ارتباط مستقیمی داشته باشند. یعنی با افزایش سرمایه، سطح تکنولوژی و اندازه کارگاه نیز بیشتر شود. به عبارت دیگر شاخص متوسط شاغلین هر طرح نشان می‌دهد که افزایش تعداد شاغلین زمانی با بالا بودن سطح تکنولوژی همراه است که سرمایه‌بری کارگاه بالا باشد.

جدول شماره (۶) نشان‌دهنده این است که متوسط تعداد شاغلین هر طرح از ۲/۹ نفر برای صنایع بافندگی از الیاف تا ۶۱ نفر برای صنایع مصنوعات چرمی متغیر است. از طرفی مقایسه این شاخص با شاخص متوسط سرمایه هر طرح نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه تعداد شاغلین نیز افزایش می‌یابد. البته این افزایش هماهنگ نیست، زیرا برخی از طرحهای با سرمایه بالا وجود دارند که از اشتغالزایی کمتری در مقایسه با طرحهای مشابه برخوردارند. لذا سطح تکنولوژی آنها افزایش یافته است، اما اندازه واحد تولیدی همچنان کوچک باقی مانده است. با این حال شاخص سرمایه‌بری هر شغل می‌تواند کمک کند تا واحدهای کوچک و بزرگ و واحدهای دارای تکنولوژی پایین و بالا از یکدیگر قابل تشخیص باشند. براساس این شاخص سرمایه‌بری هر شغل در صنایع روستایی بین ۱/۷-۱۰۰ میلیون ریال متغیر می‌باشد، به گونه‌ای که صنایع دستبافت و صنایع بافندگی از الیاف مصنوعی هر یک با ۱/۷ و ۸/۳

میلیون ریال پایین‌ترین و صنایع پلیمری و سایر صنایع تبدیل، صنایع شیمیایی و ادوات کشاورزی به ترتیب با ۱۰۰ میلیون ریال، ۸۸ میلیون ریال، ۷۴ میلیون ریال و ۷۳ میلیون ریال بیشترین سرمایه‌بری را دارند.

اکنون اگر تعداد شاغلین به عنوان شاخصی برای طبقه‌بندی واحدهای کوچک، متوسط و بزرگ در نظر گرفته شود و سرمایه‌بری هر شغل نیز معیاری برای تعیین سطح تکنولوژی باشد، وامهای تبصره (۳) را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد که در جدول شماره (۷) با عناوین طرحهای کوچک با تکنولوژی بالا و پایین، طرحهای متوسط با تکنولوژی متوسط و بالا آورده شده است. تعداد شاغلین در طرحهای کوچک بین یک تا ۹ نفر و در طرحهای متوسط بین ۱۰-۵۰ نفر است. (۱۱) در طرحهای کوچک، سرمایه‌بری یک الی ۲۰ میلیون ریال برای سطح تکنولوژی پایین و ۲۰ میلیون ریال به بالا برای سطح تکنولوژی بالا در نظر گرفته شده است. همچنین طرحهای متوسط با سرمایه‌بری ۳۰ میلیون ریال، دارای تکنولوژی متوسط و سرمایه‌بری بیش از ۳۰ میلیون ریال برای تکنولوژی بالا در نظر گرفته شده است.

با توجه به موارد فوق، ۶۱۱ طرح (۶۱ درصد طرحها) با ۳۰۴۹ نفر شاغل (۴۸ درصد شاغلین)، ۶۷۰۷ میلیون ریال (۴ درصد) سرمایه را جذب کرده‌اند و با توجه به اینکه متوسط شاغلین هر طرح ۵ نفر و سرمایه‌بری هر شغل ۲/۲ میلیون ریال می‌باشد، این طرحها جزو صنایع کوچک و با تکنولوژی پایین قرار می‌گیرند. طرحهایی با سرمایه‌بری هر شغل ۴۷/۷ میلیون ریال و متوسط شاغلین ۷ نفر جزو صنایع کوچک و با تکنولوژی بالا

جدول شماره (۶): آمار شاخصهای اقتصادی طرحهای تبصره (۳) صنایع روستایی طی سال ۱۳۷۵

واحد: میلیون ریال

نام برنامه	عنوان طرح	متوسط سرمایه هر طرح	متوسط شاغلین هر طرح	سرمایه بری هر طرح
ایجاد و توسعه صنایع غذایی	صنایع دام و طیور	۶۸۵	۱۳/۴	۵۱
	صنایع زراعی و باغداری	۴۱۱	۹/۱	۴۵
	صنایع شیلات و آبزیان	۱۱۶	۱۰/۵	۱۱
	سایر صنایع تبدیلی	۷۶۱	۸/۶	۸۸
صنایع سلولزی	صنایع جنگل و مرتع	۱۶۳	۶/۶	۲۵
صنایع نساجی و چرم	صنایع عمل آوری چرم	۷۳۸	۲۲/۸	۳۲
	صنایع مصنوعات چرمی	۷۱۹	۶۱	۱۲
	صنایع پوشاک	۱۰۰	۹	۱۱
	صنایع ریسندگی	۴۵۸	۲۱	۲۲
	صنایع بافندگی	۷۷۷	۱۳/۷	۵۷
	صنایع بافندگی از الیاف مصنوعی	۲۴	۲/۹	۸/۳
	صنایع دستباف	۸	۵	۱/۷
	صنایع رنگرزی	۴۱۸	۸/۶	۴۸
	سایر صنایع نساجی	۴۰۰	۸	۵۰
صنایع شیمیایی	صنایع شیمیایی	۱۸۴۲	۲۵	۷۴
	صنایع پلیمری	۸۶۳	۸/۷	۱۰۰
	صنایع شوینده ها	۳۸۹	۸/۳	۲۷
صنایع کانی و غیر فلزی	صنایع مصنوعات سنگی	۲۵۳	۶	۲۲
	صنایع مصنوعات سرامیکی	۳۵	۳	۱۲
	صنایع مصنوعات گچی	۳۰۱	۱۸	۱۷
	صنایع مصنوعات بتونی	۲۱۶	۴/۸	۴۵
	صنایع پودر و خاکهای صنعتی	۲۸۹	۷	۴۱
	صنایع سنگ شکنها	۲۶۰	۶/۵	۴۰
	صنایع فرآورده های نسوز	۴۵۰	۱۵	۳۰
صنایع فلزی	صنایع ادوات کشاورزی	۳۳۳	۴/۶	۷۳
	صنایع ادوات صید و صیادی	۱۹۵	۹	۲۲
	صنایع فلزی	۸۹	۴	۲۲
	صنایع لوازم خانگی	۳۲۵	۷	۴۷
	صنایع ریخته گری	۱۵۳	۳/۷	۴۲

ماخذ: معاونت طرح و برنامه ریزی، اداره امور تسهیلات بانکی



کل سرمایه	اندازه کارگاه		سطح تکنولوژی	سرمایه‌بری هر شغل	متوسط شاغلین		تعداد طرح	
	ارزش	تعداد			درصد	تعداد	درصد	تعداد
۶۷۰۷	کوچک	۲/۲	پایین	۲/۲	۴۸	۳۰۴۹	۶۱	۶۱۱
۱۰۱۸۸۲	کوچک	۴۷/۷	بالا	۴۷/۷	۳۳	۲۱۳۴	۳۱	۳۰۸
۳۴۵۳۵	متوسط	۴۱	متوسط	۴۱	۱۳	۸۴۵	۶	۵۴
۱۹۴۰۶	متوسط	۵۴	بالا	۵۴	۶	۲۶۴	۲	۲۰

ماخذ: جدول شماره (۶)

در چند سال اخیر و در زمینه‌های مختلف است، اما آمار وامهای تبصره (۳) که برای احداث واحدهای جدید به کار گرفته می‌شوند، می‌تواند نمونه مهمی از روند سیاستگذاری جهاد ارائه نماید و آثار سیاستگذاری جهاد را در گسترش واحدهای تولیدی کارپرو سرمایه‌بر نشان دهد.

نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که: \* جهاد سازندگی سعی داشته تبصره‌های جداگانه‌ای برای متقاضیان ضعیفتر به تصویب برساند و از این طریق از واحدهای کوچکتر - مانند عشایر - حمایت کند.

\* سیاست توزیع وامهای تکلیفی در جهاد برای سرمایه‌گذاری نشاندهنده این است که کاربری را به سرمایه‌بری ترجیح داده و از این طریق سعی داشته است با کاهش بیکاری یا جلوگیری از افزایش آن، روستا را به سمت توسعه سوق دهد.

#### ماخذ

- ۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۷۵، مرکز آمار، ۱۳۷۶.
- ۲- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سالهای ۶۷-۱۳۷۵، بانک کشاورزی
- ۳- بانک کشاورزی، اداره اعتبارات
- ۴- بانک کشاورزی، اداره آمار و انفورماتیک
- ۵- بانک کشاورزی، اداره اعتبارات
- ۶- وزارت جهاد سازندگی، معاونت طرح و برنامه‌ریزی، اداره امور تسهیلات بانکی
- ۷- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آیین‌نامه‌های اجرایی قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.

۸- همان ماخذ

۹- بانک کشاورزی، اداره اعتبارات

۱۰- وزارت جهاد سازندگی، معاونت طرح و برنامه‌ریزی، اداره امور تسهیلات بانکی

۱۱- مرکز آمار ایران، اداره صنعت، معدن و انرژی.

قرار می‌گیرند که ۳۰۸ طرح، ۲۱۳۴ نفر شاغل و حدود ۱۰۲ میلیارد ریال سرمایه را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر ۳۱ درصد طرحها، ۳۳ درصد شاغلین و ۶۳ درصد سرمایه مربوط به این طرحها است. طرحهای بزرگ و با تکنولوژی متوسط که متوسط شاغلین هر طرح ۱۶ نفر و سرمایه‌بری هر شغل نیز ۴۱ میلیون ریال می‌باشد، شامل ۵۴ طرح (۶ درصد طرحها) و ۸۴۵ نفر شاغل (۱۳ درصد شاغلین)، ۳۴ میلیارد ریال سرمایه را جذب کرده‌اند و در نهایت طرحهای متوسط و با تکنولوژی بالا با سرمایه‌بری هر شغل ۵۴ میلیون ریال و ۱۸ نفر شاغل برای هر طرح، با تعداد ۲۰ طرح (۲ درصد طرحها) و ۳۶۴ نفر شاغل (۶ درصد شاغلین)، حدود ۲۰ میلیارد ریال سرمایه را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین سیاستهای جهاد سازندگی در زمینه انتخاب تکنولوژی یا اشتغالزایی به گونه‌ای است که ۶۷ درصد سرمایه به ایجاد صنایع کوچک گرایش داشته و از این طریق ۸۱ درصد اشتغالزایی را ایجاد کرده است. به همین دلیل سیاستگذاری بیشتر به سمت اشتغالزایی گرایش داشته است تا تکنولوژی برتر.

#### نتیجه گیری

وامهای تکلیفی به دلیل پرداخت یارانه برای متقاضیان از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین دلیل دولت از آن به عنوان ابزاری برای حفظ و گسترش واحدهای تولیدی استفاده می‌کند. وزارت جهاد سازندگی نیز در واحدهای تولیدی زیر پوشش خود از طریق انتخاب متقاضی و معرفی وی به بانکها، بخصوص بانک کشاورزی، در سیاستگذاری اقتصاد روستا نقش مهمی را ایفا می‌نماید و در گسترش واحدهای کوچک و بزرگ با تکنولوژی پایین و بالا تأثیر می‌گذارد. بنابراین توزیع وامهای تکلیفی روند سیاستگذاری را نشان می‌دهد. اگر چه دستیابی به این سیاستگذاری نیازمند آمار کافی

# تحلیل روند تحولات شاغلین کشور (طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵) در بخشهای عمده اقتصادی (با تأکید بر بخش کشاورزی و زیربخشهای آن)

دفتر مطالعات جامع و نظارت

● قسمت دوم

معاونت طرح و برنامه ریزی

سطح بالای بیکاری در بین تحصیل‌کردگان از جمله ویژگیهای بازار کار در کشورهای در حال توسعه می‌باشد که به طور عمده‌ای متأثر از نامناسب بودن نظام آموزشی در این کشورها با ساختار اقتصادی آنها می‌باشد.

می‌باشد، و گاهی از بدترین شرایط دوران رکود که در کشورهای پیشرفته حاکم است، نیز پیشی می‌گیرد. بیکاری در کشورهای پیشرفته اغلب به شکل بیکاری ادواری بوده و در شرایط رکود و رونق اقتصادی دچار نوسانات نسبتاً خفیف می‌گردد. ولی در کشورهای رو به توسعه علاوه بر موارد فوق از نوعی بیکاری بنیادی نیز رنج می‌برند که خود ناشی از شرایط خاص حاکم بر این کشورهاست، (برخی از آنها در مباحث گذشته بیان شد) بیکاری در کشورهای در حال توسعه، به اشکال گوناگون آن، آشکار، فصلی، ساختاری، پنهان، مشاغل کاذب، و غیره جلوه‌گر می‌شود که باعث می‌گردد همواره در کنار مسئله بیکاری، کاهش سطح درآمدها و تشدید فقر نیز بطور گسترده‌ای دیده شود.

از دیگر مواردی که در بخش خصائص مربوط به کشورهای رو به توسعه برشمردیم،

رشد متعلق به گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله می‌باشند، که بطور عمده بدلیل شکاف عمیق بین عرضه و تقاضای نیروی کار می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه اکثر واردشوندگان به جمع عرضه نیروی کار را جوانان تشکیل می‌دهند، از اینرو عدم تقاضای کافی نیز اغلب آنها را شامل می‌شود. افراد مسن‌تر بدلیل چسبندگی به شغل و تجربه کاری بالاتر از شانس بالاتری جهت اشتغال برخوردارند.

وجود نرخ بالای بیکاری در بین جوانان موجب می‌شود که منابع بالقوه به میزان زیادی از بین رفته و از طرفی دیگر زمینه بروز خشونت و جرائم اجتماعی نیز در بین گروههای فوق‌الذکر افزایش یابد، که اهمیت ایجاد اشتغال در این گروه از کشورها را دو چندان می‌سازد.

بررسی بیکاری در جهان سوم نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در این کشورها در مقام مقایسه با کشورهای پیشرفته بسیار بالاتر

این پدیده موجب بروز بازدهی متفاوت در ۲ بخش مذکور گردیده و اختلافات مربوط به سطح درآمدها، فقر جوامع روستایی و ... را دامن می‌زند.

آنچه که تحت عنوان خصائص مربوط به کشورهای در حال توسعه برشمردیم، منشاء بروز تحولاتی در بازار کار این کشورها گردیده که، شرایط ویژه و منحصر به فردی را برای آنها بوجود آورده است، و جدای از ویژگیهای ساختار بازار کار، در کشورهای پیشرفته می‌باشد. برگرفته از این مباحث، برخی از ویژگیهای اشتغال و بیکاری در کشورهای در حال توسعه را به اختصار بیان می‌کنیم.

رشد بالای جمعیت همانطور که در ابتدای بحث بیان شد، موجب جوانی جمعیت شده و به تبع آن تمرکز بیکاری در بین قشر جوان را افزایش داده و بعنوان یکی از مشخصه‌های بارز بازار کار در این کشورها، درآمدها است. درصد عمده‌ای از بیکاران در کشورهای رو به

مهاجرت از روستاها به شهرها می‌باشد. در این راستا، جدای از علل و عوامل موثر در مهاجرت، پدیده بیکاری و کم‌کاری رو به تزايد شهری را می‌توان بطور عمده‌ای متأثر از این عامل دانست که در قالب گسترش بی‌رویه شهرها (شهرنشینی) در طول چند دهه اخیر شکل گرفته است.

برخلاف کشورهای پیشرفته صنعتی در کشورهای در حال توسعه روند مهاجرت بر روند رشد صنعتی سبقت گرفته و به همین جهت بروز پدیده بیکاری شهری در سطح وسیع و گسترده به امری اجتناب‌ناپذیر مبدل شده است.

سطح بالای بیکاری در بین تحصیل‌کردگان نیز از جمله ویژگیهای بازار کار در این کشورها (کشورهای در حال توسعه) می‌باشد که بطور عمده‌ای متأثر از نامناسب بودن سیستم آموزشی در این کشورها با ساختار اقتصادی آنها می‌باشد. بگونه‌ای که سیستم آموزشی اغلب کشورهای مذکور بر مبنای سیستم آموزشی در کشورهای پیشرفته بنا شده ولی ساختار اقتصادی آنها همچنان در سطح وسیعی در اختیار بخش سنتی می‌باشد، که بدلیل عدم تناسب فوق‌بروز پدیده بیکاری تحصیل‌کرده‌گان نیز به صورت امری اجتناب‌پذیر درآمده است.

علاوه بر نموده‌های بیکاری آشکار در کشورهای رو به توسعه، مشکلات و نواقص عمده‌ای در بازار کار این کشورها وجود دارد که کمتر نمود عینی دارند ولی در بلندمدت بدلیل عدم بهره‌برداری مناسب از امکانات موجود (نیروی کار) عوارض متعددی بدنبال خواهند داشت. لذا در اغلب کشورهای در حال توسعه، علاوه بر آمار مربوط به بیکاری آشکار، مواردی همچون بیکاری پنهان و کم‌کاری، مشاغل کاذب و غیرمولد، مطرحند که بطور عمده مختص این گروه از کشورها نیز می‌باشند.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر اشتغال ناقص و یا استفاده غیر کامل از منابع نیروی انسانی نیز

به میزان زیادی در جوامع مذکور دیده می‌شود که موجب شده علاوه بر سطح وسیع بیکاری آشکار استفاده کارا و کامل از شاغلین موجود نیز امکان‌پذیر نباشد. از این جهت می‌توان گفت علاوه بر بالا بودن شمار بیکاران آشکار درصد بالایی از شاغلین این کشورها نیز عملاً در تولید و پیشبرد اهداف اقتصادی، سهمی نداشته، که با افزودن آنها به جمع بیکاران آشکار، بحران بیکاری در این کشورها دامنه وسیعتری بخود می‌گیرد.

لذا می‌توان ادعا کرد که نمود بیکاری و پیدایش آن در کشورهای در حال توسعه تابع عواملی فراتر از آنچه که در کشورهای پیشرفته وجود دارد، می‌باشد. در بخش بعدی عوامل موثر بر بیکاری و راههای کاهش آن را بر طبق مباحث نظری پی خواهیم گرفت.

#### ۱-۱-۴- عوامل موثر بر بیکاری و راههای کاهش آن:

همچنانکه در مباحث گذشته بیان گردید، عوامل پدید آورنده بیکاری در کشورهای در حال توسعه اغلب متفاوت از کشورهای صنعتی و پیشرفته است، و اصولاً ماهیت بیکاری و چگونگی توزیع آن در بین افراد این جوامع نیز، یکسان نمی‌باشد. در این قسمت بدنبال شناسایی عوامل موثر بر بیکاری ابتدا به معرفی مبانی نظری پیدایش بیکاری که اغلب منطبق با شرایط ساختار اقتصادی کشورهای پیشرفته می‌باشد می‌پردازیم، پس از آن مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه و ارتباط آن با مسئله بیکاری در این کشورها به بحث کشیده می‌شود.

از نظریات موجود در مورد بیکاری، برخی بیکاری را پیامدی از کارائی و در تعادل بودن عملکرد بازار می‌دانند و برخی دیگر آن را ناشی از نارساییهای گوناگون در سازوکار بازار قلمداد می‌نمایند.<sup>(۱)</sup>

در بین نظریات مذکور گروهی که لزوم اصل آزادی اقتصادی را حاکم بر اقتصاد می‌دانند، نظریه‌های بیکاری اختیاری را شکل

می‌دهند، که در قالب نظریات کلاسیکی (سنتی و جدید) بیان می‌شوند. این دسته معتقد به عدم دخالت و یا حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی می‌باشند. در سوی مقابل نظریات کینزی مطرحند که براساس سیاستهای جانب تقاضا پایه‌ریزی شده‌اند، طبقه‌بندی دیگری از دسته نظریات فوق متمایل به جانب عرضه بوده و زمینه‌های بروز بیکاری را، از این دیدگاه به بحث می‌گذارند.

در ادامه مبحث به توضیح هرکدام از نظریات فوق در مورد پیدایش بیکاری و علل بروز آن می‌پردازیم.

#### الف - نظریه طرفداران اصل آزادی اقتصادی:

براساس نظریه فوق بیکاری در بلندمدت در حد نرخ طبیعی آن بروز می‌کند و در کوتاهمدت تنها شاهد نوساناتی در نرخ بیکاری، پیرامون نرخ طبیعی آن می‌باشیم. براساس این نظریه عدم تعادل امری گذرا و موقتی است و در بلندمدت با مکانیزم خودکار حاصل از فعالیت عوامل اقتصادی، وضعیت اشتغال و سطح دستمزدها به سوی سطح تعادل اولیه خود حرکت خواهد کرد. از اینرو بیکاری در بلندمدت روند ثابت داشته ولی در کوتاهمدت نوساناتی پیرامون نرخ طبیعی آن خواهد داشت.

در نظریه نرخ طبیعی بیکاری فرض بر این است که مردم براساس انتظارات خود از دستمزدها و قیمتها در آینده دست به پیش‌بینی می‌زنند اگر انتظارات مردم با پیش‌بینی آنها منطبق باشد، در این حالت بیکاری در حد نرخ طبیعی خود قرار می‌گیرد. این نرخ در حالت رقابت کامل و اطلاعات کافی، فقط به سلیقه‌های مردم، تکنولوژی و مواهب طبیعی بستگی خواهد داشت. در صورتی که عوامل فوق ثابت باشند، نوسان بیکاری ناشی از تغییر انتظارات مردم از دستمزدها و قیمتها، در پیرامون مقادیر واقعی آنها می‌باشد. براساس نظریه فوق چون انتظارات مردم از

مشکل کار در کشورهای در حال توسعه دارای جنبه‌های متعدد و بهم مرتبطی می‌باشد، نظیر رشد جمعیت، ترکیب نیروی کار، خصوصیات فکری و جسمی آن، مسائل مربوط به تغذیه، مسکن، شرایط بهداشتی، آموزش حرفه‌ای و مدرسه‌ای، تخصیص نیروی انسانی جهت بخشهای مولد و غیرمولد، میزان استفاده مؤثر از نیروی کار، الگوی توزیع درآمد، مسائل مربوط به انگیزه‌ها، عادات اجتماعی، تلقی نسبت به کار، چارچوب نهادی بازار کار، سازماندهی نظامهای تأمین اجتماعی و غیره.

قیمتها و دستمزدهای انتظاری بطور تصادفی در اطراف مقادیر واقعی آنها نوسان دارد، بیکاری نیز پیرامون نرخ طبیعی خود بطور تصادفی در نوسان است. در قالب نظریه طرفداران اصل آزادی اقتصادی نوسانهای دوره‌ای در اشتغال و بیکاری که در چرخه‌ها و دوره‌های تجاری ظاهر می‌شود، ناشی از جایگزینی کار به جای فراغت و بالعکس می‌باشد. براساس این نظریه اگر کارگران انتظار داشته باشند که دستمزدهای واقعی موقتاً کاهش یافته و در آینده افزایش یابد، فراغت بیشتر را در زمان حال، جایگزین کار می‌نمایند و بدینگونه نوسانات دوره‌ای در سطح اشتغال، پاسخ رفتار بهینه‌سازی افراد و جامعه نسبت به شکهای موقتی است که در سلیقه، تکنولوژی منابع و امکانات اثر می‌گذارد.

بدون پرداختن به میزان صحت و قدرت تحلیل این نظریات در بیان علت بیکاری‌های به وقوع پیوسته در گذشته و حال می‌توان دریافت که براساس نظریات مذکور بیکاری در بلندمدت امری طبیعی و نوسانات آن نیز موقتی بوده و خودبخود و بدون لزوم دخالت در آنها قابل رفع‌اند. از اینرو در جامعه ایده‌آلی فوق افرادی که در زمره شاغلین قرار نمی‌گیرند، به طور اختیاری و یا بدلیل عدم قدرت و

توانائی انجام کار، بیکار مانده‌اند، در این حالت طبیعی است که دخالت و سیاستگذاری به مفهوم کاهش بیکاری نیز، معنی پیدا نخواهد کرد.

### ب - نظریاتی که جانب تقاضا را مورد تاکید قرار می‌دهند:

براساس نظریات طرفداران جانب تقاضا، در کوتاه‌مدت و در شرایطی که اقتصاد دچار رکود می‌باشد. بازار محصول و بازار کار، با کمبود مواجهند و بطور متقابل کمبود یکدیگر را نیز تشدید می‌نمایند. بطوریکه بنگاهها بدلیل عدم تولید کالا و خدمات در سطح ظرفیت کامل، دست به استخدام نمی‌زنند و از سوی دیگر بدلیل عدم اشتغال و کمبود درآمد لازم، تقاضا برای کالا و خدمات کم و ناکافی است، که موجب کاهش انگیزه تولید از سوی بنگاهها می‌شود. مکانیزم ارتباط ۲ بازار در این استدلال، بر مبنای عکس‌العمل بطنی و بسیار کند « دستمزد - قیمت » می‌باشد. کینز در این حالت معتقد است که دولت می‌تواند با سیاستهای زیر سطح اشتغال را بالا ببرد:

الف - بالا بردن سطح استخدام در سطح موسسات و نهادهای دولتی که منجر به ایجاد اشتغال بطور مستقیم می‌شود.

ب - سیاستهایی که منجر به ایجاد تقاضا شود که از طریق افزایش تقاضای محصول کل، زمینه افزایش سطح اشتغال را بطور غیرمستقیم فراهم می‌آورد.

نظریه کینزی فوق بر مبنای اصل عدم انعطاف‌ناپذیری قیمتها و دستمزدها بیان شده است و از آنجائی که اصل عدم انعطاف‌پذیری در قیمتها و دستمزدها و یا ثبات قیمت و دستمزد براساس تجارب حاصل شده برای مدت زمان نامحدود، اثبات نمی‌شود، باعث گردید که نظریه‌های کینزی بعدی (کینزیهای جدید) در زمینه عدم انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمتها، تحلیلهای جدیدی را ارائه دهند و با ابراز نظریات جدید، همچون "اقلام هزینه" (Menu cost) "عقلانیت نسبی" (Near Rationaliy) "نظریه دوره - دستمزد - قیمت" (Wage - Price - Staggering) بدنبال پاسخ به این سؤال برآیند، که چرا پس از ایجاد تغییر در تقاضا، دستمزدها و قیمتها به اندازه کافی تغییر نمی‌یابند تا نیازهای ناشی شده از تعدیلات اساسی بوجود آمده در محصول و اشتغال را برطرف نمایند.

به عبارت دیگر کینزین‌های جدید، به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که چرا علیرغم اینکه بیکاری در سطح بسیار بالای وجود دارد، و بیکاران نیز حاضرند در سطح دستمزدی حتی پایین‌تر از سطح دستمزدهای جاری مشغول کار شوند، ولی همچنان سطح دستمزدها ثابت باقی مانده و بیکاری نیز همچنان ادامه می‌یابد. در رابطه با پاسخ به سؤال فوق نظریات متعددی بیان گردید که از آن جمله نظریات مربوط به "مزد - کارآمد" (Efficiency Wage) مطرح شد که، مرتبط دانستن بهره‌وری یا بهره‌دهی نیروی کار را با سطح دستمزد آنها بیان می‌کند. در این نظریات ادعا می‌شود که کاهش دستمزدها موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار شده و مطابق با سیاست‌های بهینه‌سازی کارفرمایان اقتصادی نخواهند بود. به عبارت دیگر

کارفرمایان با توجه به شرایط بنگاه خود دست به عملیات حداکثرسازی سود زده و بر مبنای بهینه‌سازی رفتار اقتصادی عمل می‌نمایند و سطح دستمزد معینی را مطابق با برنامه‌های خود محاسبه می‌نمایند، که آنرا ملاک عمل و پرداخت به کارگران قرار می‌دهند. از اینرو کاهش سطح دستمزدها حتی با وجود سطح بالای بیکاری و عرضه فراوان نیروی کار، صورت می‌گیرد.

لذا ملاحظه می‌شود که براساس نظریه فوق، بدلیل عدم انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها و سطح دستمزدها مکانیزم خود کار و خود تعدیل شونده مطرح شده در نظریات مربوط به طرفداران اصل آزادی اقتصادی زیر سؤال رفته و از آنجا لزوم دخالت دولت نیز مطرح شده است.

### ج - نظریه طرفداران جانب عرضه :

در قالب نظریات گروه فوق نظریه جستجو و یافتن شغل (The theory of Search and matching) بیان می‌شود که براساس آن جویندگان کار از مشاغل موجود بی‌خبرند و در طرف مقابل بنگاهها نیز از متقاضیانی که در پی کارند، اطلاعات کامل ندارند، از این رو جستجوی هر دو گروه در بازار کار همواره ادامه خواهد داشت. در این نظریه عنوان می‌شود که جویندگان کار تا جایی دست به جستجو می‌زنند که هزینه جستجو برای یک شغل با بازدهی مورد انتظار حاصل از آن شغل برابر شود. در مورد صاحبان بنگاه که بدنبال استخدام کارگر هستند نیز مطلب فوق صادق است. صاحب بنگاه تا جایی در جستجوی نیروی کار جدید باشد که هزینه جستجوی یک کارگر اضافی با بازدهی مورد انتظار آن کارگر برابر شود.

بر مبنای تحلیل فوق بیکاری در این نظریه علیرغم وجود مشاغل بلاصدی که بازدهی‌های مورد انتظاری بالاتر از هزینه جستجوی شغل دارند، بدلیل عدم اطلاع دقیق از محل آنها در دسترس نبوده و این فرآیند منتج به نوعی

بیکاری بنام، بیکاری اصطکاک می‌شود. طرفداران نظریه فوق تنها عدم آگاهی کامل و نارسایی حاصل از آن را جهت دستیابی به مشاغل جدید در نظر نمی‌گیرند، بلکه عواملی از قبیل یاس و نومییدی افراد در جستجوی کار نیز در اثر طولانی شدن زمان جستجو و کاهش بازدهی آنها (در اثر تنزل سطح مهارتها یا منسوخ شدن مهارت و تخصص آنها که از جذب آنها توسط بنگاهها جلوگیری می‌کند)، علاوه بر عدم اطلاعات کامل در نظر گرفته می‌شوند. همچنین آنها عنوان می‌دارند که در صورت طولانی شدن مدت بیکاری، بیکار با شرایط خو گرفته و عملاً زندگی خود را بر آن مینا قرار می‌دهد، که این عامل از انگیزه جستجوی کار در بین بیکاران می‌کاهد.

در این راستا برخی نظریات، الگوهای جستجوی شغل را براساس شکست بازار در زمینه عرضه و تقاضای آموزش و پرورش، مورد تحلیل قرار می‌دهند و بیکاری را نیز ناشی از عامل فوق الذکر می‌دانند. مکانیزم بازار بگونه‌ای است که بدلیل عدم در نظر گرفتن منافع اجتماعی و توجه به منافع خصوصی عرضه آموزش را کاهش داده و در آن صورت شمار اندکی از کارگران متخصص آموزش دیده با بازدهی بالاتر، منافع بیشتری را جذب می‌نمایند. در این شرایط تعداد فراوانی از کارگران بدون کارائی که بازده پایین تری دارند بیکار می‌مانند. زیرا بنگاهها بدنبال ماکزیم کردن هزینه خود هستند و تعداد کارگر کمتر با بازدهی بالاتر را بر تعداد بیشتر با بازدهی پایین تر ترجیح می‌دهند.

رابطه بین شکستهای بازار و فشار ناشی از رابطه فنی تخصص‌گرا و تجارت جهانی در افزایش بیکاری در اروپا نقش عمده‌ای داشته است. زیرا افزایش آموزشها و تخصصها باعث بالا رفتن بازدهی افراد متخصص نسبت به افراد غیرماهر می‌شود و گسترش تجارت جهانی در کشورهایی که تولید کالاها بطور عمده با استفاده از نیروی غیرماهر صورت

می‌گیرد، از تقاضای نیروی انسانی غیرمتخصص در مقابل نیروی کار متخصص می‌کاهد و اگر مکانیزم بازار در ناقص بودن دانش و مهارت تعداد زیادی از افراد بدون شغل دخیل باشد، آنگاه این دو عامل بطور همزمان باعث گسترش بیکاری خواهند شد. بطور خلاصه گسترش تجارت و افزایش نرخ تغییرات تکنولوژیکی از طریق افزایش نرخ مشاغلی که ایجاد می‌شود و مشاغلی که از بین می‌رود، بازار کار را دچار بی نظمی ساخته و به بیکاری دامن می‌زند.

در قسمت قبل بطور اختصار به بررسی علل و عوامل بروز بیکاری از دیدگاه نظری آن در قالب نظریات مختلف پرداخته شد، در این بخش به بررسی علل بیکاری در کشورهای جهان سوم که بنظر می‌رسد ناشی شده از عوامل پیچیده و فراتر از موارد فوق‌الذکر باشد، می‌پردازیم.

### ۵-۱-۱- علل بیکاری در کشورهای در حال توسعه :

زنتس استاد دانشگاه بوداپست ریشه‌های بیکاری را با درجه توسعه نیافتگی کشورها مرتبط می‌داند. وی عنوان می‌دارد که نمی‌توان فقدان تقاضای موثر یا کمبود سرمایه را، تنها عوامل بروز بیکاری برشمرد. به عقیده زنتس کشورهای در حال توسعه با مجموعه‌ای از عوامل مختلف روبرو هستند، که بسیار فراتر از آنچه که در نظریات پیرامون بروز بیکاری در کشورهای پیشرفته بیان می‌شود، قرار دارند. «مشکل کار در کشورهای در حال توسعه دارای جنبه‌های متعدد و بهم مرتبطی می‌باشد، نظیر رشد جمعیت، ترکیب نیروی کار، خصوصیات فکری و جسمی آن، مسائل مربوط به تغذیه، مسکن، شرایط بهداشتی، آموزش حرفه‌ای و مدرسه‌ای، تخصیص نیروی انسانی جهت بخشهای مولد و غیرمولد، میزان استفاده موثر از نیروی کار، الگوی توزیع درآمد، مسائل مربوط به انگیزه‌ها، عادات اجتماعی، تلقی نسبت به کار،



چارچوب نهادی بازار کار، سازماندهی نظامهای تامین اجتماعی و غیره»<sup>(۱)</sup> از خصوصیات اصلی اقتصاد کشورهای در حال توسعه که بعنوان یک مشکل ساختاری مطرح می‌شود ساختار دوگانه، و از شکل طبیعی خارج شده اقتصاد این جوامع است. بطوریکه شاهد وجود یک بخش اقتصاد مدرن در کنار بخش سنتی در اغلب این کشورها می‌باشیم که در این ارتباط می‌توان گفت علل افزایش بیکاری در کشورهای در حال توسعه علاوه بر مشکلاتی که در قالب مباحث نظری عنوان گردید، بطور عمده ریشه در ساختار دوگانه و مشکلات خاص این کشورها دارد که در زیر به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

انفجار جمعیت ناشی از عدم همسوئی و هماهنگی میان نرخهای زاد و ولد و مرگ و میر است و این ناهمسوئی نیز به میزان زیادی منتج از همین ساختار دوگانه اقتصادی می‌باشد. بگونه‌ای که نرخ مرگ و میر در این کشورها بدنبال توسعه بهداشت در سطح جهانی، و اقدامات خدماتی و واسطه‌ای در بخش مدرن اقتصاد کاهش یافته است ولی نرخ زاد و ولد در این کشورها هنوز بطور قابل ملاحظه‌ای متأثر از بافت و ساختار بخش سنتی، همچنان در سطح بالائی قرار دارد. از این رو ایجاد هماهنگی بین نرخهای مرگ و میر و زاد و ولد باید همراه با ایجاد یکپارچگی در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی که به شکل دوگانه و جدا از هم می‌باشد، صورت پذیرد.

لذا در اکثر کشورهای در حال توسعه علیرغم اینکه نرخ رشد جمعیت از بخش سنتی تبعیت می‌کند، نرخ رشد اقتصادی بطور غالب به بخش مدرن بستگی دارد و بدین طریق عرضه بیش از اندازه نیروی کار ماهر از بخش سنتی ناشی شده که بعنوان نیروی کار غیر ماهر و ارزان در خدمت بخش مدرن قرار می‌گیرد.

لذا بعنوان اولین عامل موثر در افزایش بیکاری باید نرخ جمعیت را در نظر گرفت که

باعث افزایش سریع عرضه نیروی کار، بدون تناسب با سطح ایجاد مشاغل می‌شود.

از سوی دیگر بخش مدرن با تشویق مهاجرت نیروی کار از حضور نیروی جوان در بخش سنتی کاسته و تشکیلات محلی نیروی کار را به میزان زیادی از بین می‌برد.

عوامل جذب کننده نیروی کار در بخش مدرن و عوامل دفع کننده بخش سنتی، مجموعه‌ای از کنش و واکنشها را با عوامل محدود کننده ظرفیت جذب نیروی کار در بخش مدرن، بدنبال دارد که در نهایت باعث تمرکز نیروی کار غیرماهر مازاد در بخش شهری (که غالباً محل تجمع بخش مدرن می‌باشد) می‌شود. نیروی کار مازاد که از طریق مهاجرت از روستاها در شهرها متمرکز شده‌اند، تنها درصد پایینی از آنها می‌توانند جذب شوند و مابقی آنها به شکل بیکاران شهری ظاهر می‌شوند.

در زمینه‌های سیستم و ساختار آموزش در این کشورها نیز می‌توان عنوان داشت که جهت‌گیری‌های ضد روستایی و گرایش تقریباً بی‌توجه به امور عملی در نظام آموزشی، و نیز مقاومت ذهنی بخش سنتی در مقابل آموزش همگانی و تحولات مربوطه، همراه با نوسانات شدید بازار کار، که قدرت جذب و دفع آن نامعلوم می‌باشد، موانع و محدودیتهایی عمده بر سر راه توسعه کیفی نیروی کار می‌باشند، و به این وسیله مانع از کاهش بیکاری ساختاری می‌شوند.

در اغلب کشورهای در حال توسعه در کنار نیروی غیرماهر فراوان تعداد نسبتاً زیادی از فارغ‌التحصیلان باعث افزایش بیکاری گردیده و هر ساله تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان در مقاطع مختلف آموزشی نیز به خیل بیکاران می‌پیوندند. این مطلب در حالی است که در برخی از رشته‌ها در این کشورها هنوز با کمبود مهارت نیروی انسانی روبرو هستند. لذا مطالب فوق حکایت از

نوعی بیکاری تحصیلکردگان دارد که بخش عمده آن به ساختار نامگون آموزش در این

کشورها ارتباط دارد، و نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی و سمت‌گیریهای شغلی در آموزش این کشورها، با الگوهای تقاضای اقتصاد ملی، سازگار و منطبق نیست.

از دیگر مواردی که در مورد کشورهای در حال توسعه وجود دارد، عدم استفاده کامل از ظرفیت تولیدی، در بخشهای مختلف صنایع موجود در این کشورها می‌باشد. این عامل از دلایل عمده کاهش بهره‌وری بوده و به میزان زیادی نیز در کاهش تعداد شاغلین موثر می‌باشد. استفاده کامل از ظرفیت تولیدی باعث می‌گردد تا در سطح معینی از سرمایه ثابت، سطح تولید و اشتغال افزایش پیدا کند، و از این طریق سودآوری تولید نیز مطلوبتر شده و انگیزه تولید کنندگان را در تولید بالاتر و سطح اشتغال گسترده‌تر افزایش خواهد داد.

موارد فوق از جمله عواملی بودند که به نوعی از ساختار اجتماعی - اقتصادی این کشورها ناشی شده است و کمتر ماهیت اعمال سیاست دولت را در خود مستتر دارد. اگرچه ساختار دوگانه اقتصاد ریشه در توجه اندک به بخش صنایع کوچک و روستایی و توسعه ناهماهنگ بخش صنایع مدرن شهری و سیاستها و خط‌مشی‌های طولانی مدت در یک کشور دارد، ولی اعمال سیاست‌های مختلف و انتخاب استراتژیهای گوناگون در مسیر توسعه، توسط دولتها می‌تواند به طور وسیع سطح اشتغال و بیکاری را متحول سازد. بعنوان مثال انتخاب استراتژی رشد مبتنی بر توسعه صنایع کاربری و یا سرمایه‌بر تاثیرات متفاوتی بر سطح اشتغال خواهد داشت، از اینرو یکی دیگر از دلایل افزایش بیکاری در کشورهای در حال توسعه، کم توجهی دولت به مسائل اشتغال و نگاه صرف به تولید و رشد اقتصادی بالا، که به نوبه خود از نقش بسیار مهمی در کاهش و یا افزایش بیکاری برخوردار می‌باشد، است.

۱-۱-۶- سیاست مقابله با بیکاری:

بیکاری از نابرابری بین عرضه و تقاضای

نیروی کار و در واقع از فزونی عرضه به تقاضای آن حاصل می‌شود. از این رو در سیاستهای کاهش بیکاری باید به شیوه‌های گوناگون و مختلف در صدد کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی کار برآمد، که بلحاظ روش شناسی به طریق زیر صورت می‌گیرد.

الف - سیاست‌های مربوط به عرضه نیروی کار: هدف از اجرای اینگونه سیاستها کنترل بیکاری از طریق انجام اقدامات لازم در زمینه کنترل عرضه نیروی کار و ارتقاء کیفی وضعیت آن می‌باشد.

از جمله اقدامات اساسی که پیرامون اجرای سیاست فوق صورت می‌گیرد، کنترل جمعیت و کاهش نرخ رشد آن می‌باشد. کنترل جمعیت موجب می‌گردد که ورود افراد جدید به بازار کار، در بلندمدت (که اثرات کاهش رشد جمعیت نمایان می‌شود) کاهش یافته و بطور ساختاری توازن بازار کار و نیازهای شغلی را تعدیل نماید.

از دیگر سیاست‌های از این جمله، می‌توان اعمال سیاستهای حمایت از جویندگان کار و انتشار اطلاعات را نام برد که اجرای آن منجر به کاهش هزینه جستجوی شغل شده و با افزایش انگیزه‌های جابجائی در نیروی کار، از تمرکز بیکاری در یک منطقه خواهد کاست.

همچنین بمنظور اجرای سیاستهای بهبود و تشکیل سرمایه انسانی که در مبحث مربوط به نارسائیهای عملکرد بازار در قسمت قبل بیان شد. می‌توان از طریق پرداخت یارانه آموزشی به بنگاهها و کارگران و کاهش نرخ بهره و کاستن از نرخ تنزیل بازدهی‌های آتی سرمایه انسانی، اقدام نمود.

ب - سیاستهای مربوط به افزایش تقاضای نیروی کار: هدف از اجرای سیاست‌های فوق افزایش مشاغل ایجاد شده و بدنبال آن ارتقاء تقاضا برای نیروی کار می‌باشد. با ایجاد هر شغل جدید (فرصت شغلی) تقاضا برای نیروی کار به میزان یک واحد افزایش یافته و به همین میزان از سطح بیکاری خواهد کاست.

**عوامل جذب کننده نیروی کار در بخش مدرن و عوامل دفع کننده بخش سنتی، مجموعه‌ای از کنشها و واکنشها را با عوامل محدود کننده ظرفیت جذب نیروی کار در بخش مدرن، به دنبال دارد که در نهایت باعث تمرکز نیروی کار غیرماهر مازاد در بخش شهری می‌شود.**

در راستای اجرای سیاستهای فوق، دولت‌ها می‌توانند به گونه زیر عمل نمایند:

ب-۱- افزایش اشتغال بطور مستقیم، از طریق بالا بردن میزان استخدام در سطح نهادها و موسسات دولتی.

ب-۲- افزایش تقاضای نیروی کار، از طریق تحریک تقاضای کل محصول.

ب-۳- تشویق بخش خصوصی به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش.

ج - اجرای سیاستهای توأم که جانب عرضه و تقاضای نیروی کار را بطور همزمان مدنظر قرار می‌دهد

سیاستهای مقابله با بیکاری به لحاظ زمان اجرای آنها نیز به ۳ دسته کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌گردند.

### ۱- سیاستهای کوتاه‌مدت

سیاستهای مذکور که بمنظور دستیابی به سطح اشتغال بالاتر و کاهش بیکاری در مدت زمان کوتاه، اجرا می‌گردند، بطور غالب مختص شرایط بحرانی و رکودهای حاکم بر اقتصاد می‌باشند، که دولت‌ها را وادار به عکس‌العمل سریع می‌نماید. اغلب سیاستهای فوق نتایجی گذرا و موقتی بدنبال داشته و

همواره قادر به اصلاح اصولی ساختار بازار کار نمی‌باشند. از جمله سیاستهای فوق، بالا بردن سن قانونی کار، بالا بردن سن فراغت از تحصیل، توسعه مراکز آموزشی، بازنشستگی‌های پیش از موعد و... را می‌توان نام برد. اجرای این سیاستها بیکاری و وقوع آن را اغلب به تاخیر می‌اندازد تا اینکه چاره‌ای اساسی در جهت رفع و یا کاهش آن باشد.

### ۲- سیاستهای میان‌مدت:

این دسته از سیاستها، معمولاً در مقاطع اجرای برنامه‌های عمرانی کشورها به اجرا در می‌آید و اگرچه، قادر به تحول اساسی در ساختار بازار کار نمی‌باشند، ولی بعنوان ایجادکننده توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار، نقش بسیار اساسی دارند، و در واقع بستر اجرای سیاستهای بلندمدت می‌باشند.

از این دسته سیاستها، می‌توان گسترش صنایع کاربر و صنایع کوچک مقیاس، توسعه صنایع تکمیلی و تبدیلی در مناطق روستایی بمنظور جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی در این کشورها را نام برد.

### ۳- سیاستهای بلندمدت:

اجرای سیاستهای فوق نیاز به مدت زمان نسبتاً طولانی دارد که بطور معمول، مدت زمانی بیش از اجرای یک برنامه عمرانی را بخود اختصاص می‌دهد. در دنباله مبحث، موارد کلی از این دسته اقدامات بیان می‌گردند

۱- ارزیابی سیاستهای مقابله با بیکاری نظریات موجود در این زمینه چه می‌گویند، مجله برنامه و بودجه شماره ۶۰.

۲- تاماس زنتس «ریشه‌های ساختاری مشکل بیکاری در کشورهای کم توسعه یافته» پیروز الف - ص ۷.





# راهنمای ارزیابی سریع مسائل روستایی (RRA)

ترجمه و تلخیص: مهندس امیر حسین علی بیگی

است، نمی‌تواند جایگزین ارزیابی سریع مسائل روستایی شود. فرض ارزیابی سریع مسائل روستایی آن است که تعیین تمام مسائل و مشکلات موجود به صورت پیشرفته غیرممکن است. در یک پرسشنامه پیمایشی نمی‌توان مشکلات خاص پیش بینی نشده را تشخیص داد. در این مرحله محقق فقط می‌تواند به مشکلاتی بپردازد که در سوالات پرسشنامه به آنها پرداخته شده است.

با استفاده از این روش، می‌توان اطلاعات لازم را برای طراحی آزمایشات داخل مزرعه، بهبود نظامهای آبیاری موجود<sup>(۵)</sup>، پروژه‌های جنگلداری - زراعی (اگروفارستری) برای کشاورزان مناطق مرتفع<sup>(۶)</sup> یا پروژه‌های حفاظت خاک و سازماندهی کشاورزان<sup>(۷)</sup> به دست آورد. هدف از ارزیابی سریع مسائل روستایی باید به صورت دقیق، مشخص شده و ساختار آن برای رسیدن به آن اهداف تعیین شود.

حداکثر در سه هفته به صورت پیشرفته و با استفاده از مشاهده منظم، مصاحبه، عکس، ضبط صوت و فیلم و شرایط محلی مناطق روستایی انجام، بررسی و تشخیص داده می‌شود.

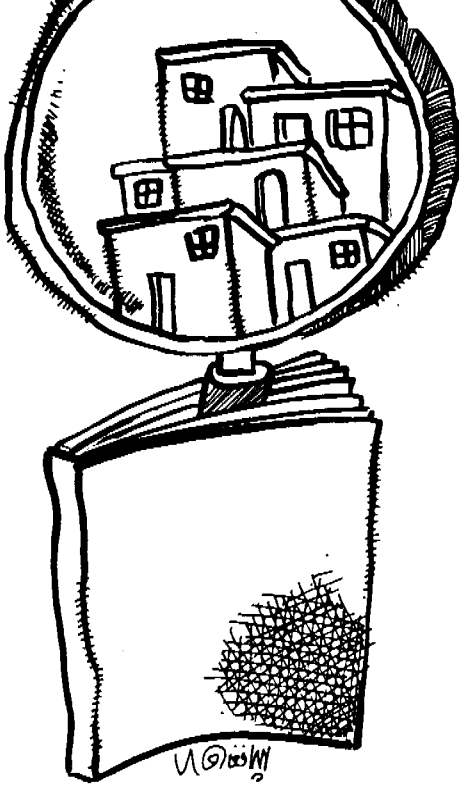
ارزیابی سریع مسائل روستایی چنین توصیف شده است: پیمایش تعدیل شده<sup>(۱)</sup>، پیمایش بدون پرسشنامه<sup>(۲)</sup>، مصاحبه‌های غیررسمی، کاوشگرانه و عمدتاً نامنظم که با مشاهده همراه است<sup>(۳)</sup>، سازماندهی بر اساس عقل سلیم و آزاد از حلقه‌های زنجیر تکنولوژی نامطلوب، ارزان، عملی و سریع<sup>(۴)</sup>.

ارزیابی سریع مسائل روستایی برای تشخیص مسائل و مشکلات مزارع روستایی امری حیاتی است که بر تحقیقات کاربردی، بنیادی یا توسعه‌ای متمرکز است. در این روش، انتظار می‌رود که اطلاعات مورد نیاز برای طراحی آزمایشات داخل مزرعه، آزمونهای پیش‌هنگ یا مطالعات عمیق آغازین فراهم شود. تحقیق پیمایشی به علت اینکه فرض بر این است مشکل تقریباً شناسایی شده

برای اینکه بتوان جنبه‌های ضروری "ایجاد موقعیتهای واقعی جهت توسعه کشاورزی" را ارزیابی نمود، باید زمینه‌های مختلف روستایی ارزیابی گردد. عبارت ارزیابی سریع مسائل روستایی برای اولین بار در کنفرانسی در شهر ساسکس انگلستان ارائه شد. این عنوان نشاندهنده این است که روشهای ساده‌ای پیش روی ماست که می‌توانیم آنها را در عمل بدون صرف وقت یا منابع زیادی جهت تجزیه و تحلیل امکانات و شرایط موجود جوامع روستایی کشور و همچنین بررسی و تعیین اولویت مشکلات روستاییان مورد استفاده قرار دهیم. در این مقاله رهنمودهایی برای انجام این نوع بررسی ارائه شده است.

## تعریف ارزیابی سریع مسائل روستایی

منظور از ارزیابی سریع مسائل روستایی، مطالعه‌ای است که توسط یک گروه چند تخصصی حداقل به مدت چهار روز و



## اهداف ارزیابی سریع مسائل روستایی از پروژه DSC

الف) تشریح و توصیف موقعیت کلی منطقه طرح، شامل؛ نیروی انسانی مورد نیاز، منابع موجود، نهادها و مکانیسمهایی در اجرای پروژه برای ایجاد تأثیرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشتر.

ب) تعیین محلهای قابل دسترس برای راهبرد رسانه‌ای پروژه چون؛

- جایگاه انتشار اطلاعات

- تابلوهای عمومی بولتن اجتماعی

- مرکز منابع اجتماعی برای برگزاری؛ نمایشهایی در زمینه کاربرد تکنولوژی؛ نمایشگاهها؛ مواد خواندنی؛ پوسترها؛ فیلمهای ویدیویی و جلسات.

ج) توصیف مشکلات بالقوه و نیازهای اقتصادی، معیشتی، بهداشت، ارتباطاتی، نهادی و همچنین فرصتهای موجود در جامعه.

## مدت زمان لازم برای انجام ارزیابی سریع مسائل روستایی

مدت زمان ایده‌آل یک تا سه هفته است. اگر مدت آن از چهار روز کمتر شود به آن سیاحت توسعه<sup>(۸)</sup> می‌گویند و اگر بیشتر از سه هفته باشد، یک مطالعه پیشاهنگ است و به آن نمی‌توان ارزیابی سریع مسائل روستایی گفت.

## مشارکت در گروه ارزیابی سریع مسائل روستایی

۱- اندازه گروه: ارزیابی سریع مسائل روستایی نباید به وسیله یک نفر انجام گیرد، بلکه این عمل مستلزم وجود یک تیم چند تخصصی است. وجود یک گروه هشت نفره تقریباً مناسب است.

۲- ترکیب گروه: ترکیب گروه باید شامل متخصصان موضوعی در زمینه تولیدات اساسی منطقه، رهبر پروژه، رهبر مطالعه، ستاد پروژه و افرادی همچون یک

مردم‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان، متخصص ارتباطات و متخصص ترویج باشد. در ترکیب گروه هم مرد و هم زن باید وجود داشته باشد و آنها لازم است تا حدودی با تمام جوانب نظام مورد بررسی آشنایی داشته باشند. ترکیب گروه باید شامل افراد بومی و غیربومی باشد. مشارکت افراد غیربومی و افراد بومی در تعیین راه‌حلهای ممکن و همچنین موانعی که احتمال نادیده گرفتن آنها وجود دارد، بی نهایت ارزشمند است. با وجود این نوع مشارکت، متخصصان غیربومی می‌توانند از افراد بومی اطلاعات و دانشی را فرا بگیرند که آنها را در برنامه‌ریزی فعالیتهای توسعه و تحقیق یاری نماید.

## رهنمودها

موارد زیر، رهنمودهایی در هدایت و انجام ارزیابی سریع مسائل روستایی می‌باشند:

- ۱- تعیین مناطق اقلیمی - کشاورزی موجود
- ۲- تعیین محصولات اساسی منطقه
- ۳- توصیف مختصری از نظام تولید (کاشت)، نظام بعد از تولید (برداشت، عملیات بعد از برداشت و فراوری) و نظام بازاریابی.
- ۴- تعیین ائتشار مختلف کشاورزان

۴-۱- جمعیت کشاورزان

۴-۲- وضع مالکیت زمین

۵- تعیین فرصتهای شغلی داخل مزرعه برای

اعضای مختلف خانواده کشاورز

۶- تعیین فرصتهای شغلی خارج از مزرعه،

توصیف فرصتهای شغلی زنان و جوانان

روستایی

۷- تعیین مسائل و مشکلات توسعه‌ای و

معیشتی محسوس آنها

۸- تعیین منابع فیزیکی و ارتباطی موجود در

منطقه، تشخیص نیازهای منابع ارتباطی و

نیازهای اطلاعاتی همچون کشاورزی،

معیشت، سازماندهی جامعه، تولید، آموزش،

بهداشت، تغذیه، برنامه‌ریزی (مدیریت)

خانواده و ...

۹- تشخیص ایستگاههای رادیویی و

تلویزیونی در دسترس اهالی منطقه و تعیین

میزان بهره‌مندی از رادیو و تلویزیون

۹-۱- تعیین قویترین نشانه‌ها و اخبار

۹-۲- بررسی تعداد ساعت متوسط

استفاده از رادیو توسط هر خانواده

۹-۳- انواع برنامه‌های پخش شده

۱۰-۱- توصیف عاملان و کارگزاران ترویج در

منطقه

۱۰-۱- توصیف نحوه توجه و ارتباط

کشاورزان و ساکنان جامعه روستایی با  
عاملان ترویج

۱۰-۲- توصیف انواع فعالیتهایی که  
مروج محل با همکاری مأموران محلی،  
کشاورزان، انجمنها، سازمانهای غیردولتی  
و بخش خصوصی انجام مدهد.

۱۱- شناسایی و تعیین زمان انواع جشنهایی  
که هر ساله برگزار می شود.

۱۲- شناسایی اشخاص کلیدی جامعه که با  
مجریان پروژه همکاری خواهند کرد.

گروه پروژه همچنین می تواند از  
فهرست زیر، مواردی که بیشترین ارتباط را با  
گروه ارزیابی سریع مسائل روستایی داشته  
باشند، انتخاب کند:

#### ۱- شرایط ملی:

الف- ریزش باران، مقدار و قابلیت اعتماد آن  
ب- درجات حرارت فصلی

ج- میزان پستی و بلندی (توپوگرافی) و  
خصوصیات خاک

د- شیوع آفات و بیماریها به عنوان عامل عدم  
قطعیت بازده زراعی

#### ۲- شرایط نهادی

الف - انواع روشهای عرضه و بازاریابی  
ب - انواع و قابلیت اعتماد روشهای توزیع  
غذا

ج - برنامه های ترویجی و اعتباری (انواع  
برنامه ها، تعداد و انواع افراد ذی نفع)

د- ترتیبات و مقررات اجاره داری زمین

ه- گروههای کشاورزان (اعم از گروههای  
داوطلبانه یا سازماندهی شده، رسمی یا  
غیررسمی) و عملکردهای واقعی و

برنامه ریزی شده آنها.

#### ۳- وضعیت ارتباطی

- جایگاه یا ایستگاه انتشار اطلاعات  
- محل های قابل دسترس (بالقوه)

- اشخاصی که کارهای منظم و ایمن را  
ضمانت خواهند کرد.

- موضوعات پیشنهادی زیر پوشش

#### ۴- شرایط اقتصادی

الف - تعداد و تراکم جمعیت و الگوی  
سکونت

ب- منافع اجتماعی، تسهیلات، بهداشت،  
تسهیلات بهداشتی، قابلیت دسترسی به آب،  
بیمارستان، مدرسه و ...

ج- زمین در دسترس و اشکال تولید

د- محصولات بازاریابی شده، حجم نسبی  
تولیدات فروخته شده و نهاده های خریداری  
شده، میزان غذای خریداری شده، حجم نسبی  
این موارد در طی سالها و بین فصول مختلف،  
افزایش قیمتها در طی چند سال و  
ماهه تفاوت های بازار

#### ۵- پروژه های توسعه در منطقه

چه پروژه هایی؟ به وسیله چه کسانی؟ با چه  
کسانی؟ چرا؟

#### مصاحبه ها

##### ۱- انتخاب پاسخگویان

دو دسته از افراد باید مورد مصاحبه  
قرار گیرند. یک دسته پاسخگویی که بتوانند  
آنچه را که در عمل در نظام مورد پژوهش و با  
دقت خاصی انجام می دهند، بازگو کنند و  
دسته دیگر مخبران کلیدی هستند که  
می توانند بیش از آنچه که انجام می دهند،  
اطلاعات در اختیار گروه تحقیق بگذارند.  
مخبران کلیدی می توانند از بین مقامات  
محلی، رهبران، اعضای انتخاب شده از  
گروه های سازماندهی شده و ... انتخاب شوند.

##### ۲- مصاحبه از افراد و گروهها

گروه می تواند از مخبران کلیدی به  
صورت انفرادی یا گروهی مصاحبه کند.  
مصاحبه های گروهی در جمع آوری اطلاعات  
مشخص و در ایجاد رهنمودهای مهم برای  
بررسی های بیشتر و عمیقتر مفید هستند. بعضی  
از موضوعاتی که به صورت گروهی مورد  
مصاحبه واقع می شوند، باید به صورت  
انفرادی نیز مصاحبه شوند. به هر حال گروه  
تحقیق باید:

- وقتی دیگران حضور دارند، به تأثیر احتمالی  
بر پاسخگویان توجه داشته باشد.

وقتی مصاحبه به صورت خصوصی برگزار  
می شود، به تفاوت های فردی پاسخگویان  
توجه داشته باشد.

مصاحبه های گروهی باید به یک تا دو ساعت  
محدود شود.

#### ۳- استفاده از مترجمان

مطلوب است که تمامی اعضای گروه  
ارزیابی سریع مسائل روستایی بتوانند به زبان  
محلی صحبت کنند. در غیر این صورت، باید  
افراد خبره و دقیقی را به عنوان مترجم انتخاب  
کرد تا آنها دقیقاً سؤالات را بفهمند. قبل از  
انجام مصاحبه، گروه تحقیق باید راهبرد  
مصاحبه را با تأکید بر این نکته که هدف از  
انجام مصاحبه چیزی بیشتر از پاسخ صرف به  
سؤالات است با مترجمان در میان بگذارد.

از نظر فیزیکی مترجم نباید بین  
مصاحبه کننده و پاسخگو قرار گیرد، بلکه باید  
در کنار آنها و یا کمی عقبتر باشد، به گونه ای که  
عمل او به وضوح مشخص شود. اعضای گروه  
تحقیق باید در بیان تمامی افکار خود از  
جملات کوتاه و تعداد لغت اندک استفاده کنند.  
قبل از اینکه مورد بعدی ذکر شود باید به  
مترجم فرصت داد تا آن را برای مصاحبه کننده  
ترجمه کند. اعضای گروه باید مستقیماً با  
پاسخگو صحبت کنند نه با مترجم.

#### ۴- استفاده از یادداشتها، عکسها و نوارها

در ارزیابی سریع مسائل روستایی،  
مشاهده مستقیم به همان اندازه مصاحبه  
دارای اهمیت است. بنابراین گروه تحقیق باید  
در انجام هر چه بهتر مشاهده مستقیم، نسبت  
به استفاده از فنون ویژه زیر تشویق شوند:

الف- نقشه های میدانی موجود در محل  
ب- شاخصهای کلیدی به عنوان اندازه های  
معرف

ج- عکسها و اسلایدهای صامت که از  
گزارش و ارائه نتایج ارزیابی سریع مسائل  
روستایی با دلیل و سند دفاع خواهد کرد.

د- جهت بهبود مهارتهای مشاهده ای، گروه

مطلوب است که تمامی اعضای گروه ارزیابی سریع مسائل روستایی بتوانند به زبان محلی صحبت کنند. در غیر این صورت، باید افراد خبره و دقیقی را به عنوان مترجم انتخاب کرد تا آنها دقیقاً سؤالات را بفهمند.

ارزیابی سریع مسائل روستایی بر این فرضیه بنا نهاده شده است که شناسایی شرایط محلی و مشکلات موجود به وسیله سؤالات یک پرسشنامه، به اندازه کافی امکان پذیر نیست، زیرا سؤالات مورد نیاز جهت بررسی مشکلات را نمی توان برشمرد.

ارزیابی سریع مسائل روستایی برای تشخیص مسائل و مشکلات مزارع روستایی امری حیاتی است که بر تحقیقات کاربردی، بنیادی یا توسعه ای متمرکز است.

تحقیق باید به نگهداری دقیق از نوشته های میدانی خود تشویق شوند.

ه- تهیه کلیه نوارهای کاست از مصاحبه های

۴۴۰  
۵- ارائه گزارش

ارزیابی سریع مسائل روستایی وقتی تمام می شود که گزارش نهایی نوشته شود. گزارش باید منعکس کننده اهداف و رهنمودهای این نوع ارزیابی باشد.

خلاصه

ارزیابی سریع مسائل روستایی اولین قدم کلیدی و مهم در تعیین منابع موجود و

همچنین مسائل و مشکلات پیش روی در سطح مزرعه است. موقعی که کمبود زمان، تصمیم گیری سریع را قبل از درک دقیق شرایط محلی محدود می کند، این عمل بهترین روش سازماندهی مردم محلی و استفاده بهینه از زمان موجود در جمع آوری و تحلیل اطلاعات می باشد. ارزیابی سریع مسائل روستایی نقطه شروعی برای درک بهتر جهت انجام تلاشهای آینده در زمینه تحقیق و توسعه است. که معمولاً ترکیبی از مطالعات رسمی بیشتر، اسنادی کردن پاسخها به منظور مداخله گریها و مشاهده مشترک می باشد. ارزیابی سریع مسائل روستایی بر این فرضیه بنا نهاده شده است که شناسایی شرایط محلی و مشکلات موجود به وسیله سؤالات یک پرسشنامه، به اندازه کافی امکان پذیر نیست، زیرا سؤالات مورد نیاز جهت بررسی مشکلات را نمی توان برشمرد، لذا تحقیق پیمایشی پرسشنامه ای نمی تواند جایگزین ارزیابی سریع مسائل روستایی شود.

یک مزیت مهم ارزیابی سریع مسائل روستایی، انعطاف پذیری آن است. اکنون به منظور افزایش کاربری ارزیابی سریع مسائل روستایی و جلوگیری از تبدیل این روش به روش سیاحت توسعه ای، نیازمند تهیه امکانات لازم، استفاده کارآتر از ابزارهای استاندارد علوم اجتماعی و عطف توجه بیشتر به انتخاب ابزار و فرضیات تحقیق می باشد. برای دستیابی به این اهداف موارد زیر پیشنهاد می شود:

۱- مدت زمان بررسی حداقل چهار روز و حداکثر سه هفته می باشد.

۲- از گروه کوچکی با یک ترکیب مناسب از زمینه های فنی مختلف استفاده شود.

۳- تا جایی که حافظه یاری می کند از رهنمودهای کوتاه استفاده شده و میزان توجه به تغییرپذیری، فرصتها، جوامع و گروهها افزایش داده شود.

۴- زمان تحقیق برای اجازه تعامل گروه سازمان بندی شود.

۵- از اطلاعاتی که به صورت پیشرفته جمع آوری شده است استفاده شود.

۶- کیفیت اطلاعات حاصل از مصاحبه از طریق انتخاب دقیق یکایک پاسخگویان و مصححان کلیدی، بهبود داده شود. از مصاحبه های گروهی استفاده شود. علاوه بر روش مستقیم سؤال کردن، از راهبردهای غیرمستقیم هم برای گرفتن اطلاعات استفاده گردد. از مترجمان به طرز صحیح استفاده شود و مصاحبه با مشاهده مستقیم توأم شود.

۷- با استفاده از تکنیکهای ویژه و شاخصهای کلیدی، کیفیت مشاهده مستقیم بهبود داده شود. اعضای گروه باید دوربین برای گرفتن عکس و اسلاید و همچنین ضبط صوت برای مصاحبه های مهم همراه داشته باشند. لیکن این کار باید عاقلانه و با اجازه مصاحبه شوندگان انجام دهند.

۸- گزارش به طور سریع تکمیل شود.

۹- اطمینان حاصل شود که نتایج گزارش، عامل اخذ تصمیمات درست است.

استفاده از چک لیستهای داده ها، به منظور یادآوری گروه تحقیق از موضوعات مهم در طول ارزیابی سریع مسائل روستایی پیشنهاد می شود. ضمیمه کردن چک لیستهای تکمیل شده به همراه گزارش ارزیابی باعث می شود که خواننده نسبت به نتایج مطالعه اعتماد پیدا کند.

پی نوشتها:

۱- Hild brand, 1982:289

۲- Schaner et al, 1982:73

۳- Honadle, 1979:2

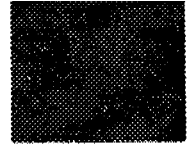
۴- Bradfield 1981 quoted by Rhoades 1982:5

۵- Chambers 1983, DE LOS Reyes 1984

۶- Fujisaka and Capistranond

۷- Lamay 1985

۸- Development tourism



بررسی و مرور منابع (ادبیات)، به نیاز مستمر در ارزشیابی روشها و تکنولوژیهای آموزشی در آموزش بزرگسالان اشاره دارند.<sup>(۱)</sup> پاسل، دی وجل و پرسایکو<sup>(۲)</sup> در سال ۱۹۸۸ در یک مطالعه به منظور شناسایی نیازهای دبیرستانهای کشاورزی (مقطع کاردانی<sup>(۳)</sup>) و آموزشهای حرفه‌ای بزرگسالان<sup>(۴)</sup> در سال ۲۰۰۰ و پس از آن، دریافتند که پاسخگویان بر این اعتقادند که روشهای متنوعی جهت ارائه دانش و مهارتها برای آموزش در حین کار، نمایشها، آموزش با کمک رایانه، شبیه سازی، خواندن، یادگیری مشارکتی و سخنرانی به کار گرفته خواهد شد. پاسل و دیگران همچنین دریافتند که پاسخگویان پیش‌بینی می‌کنند که منابع یادگیری بسیار گسترده‌ای در آموزشهای عملی به کار گرفته خواهد شد. منابع دارای اولویت در این زمینه عبارت‌اند از: ابزار و تجهیزات مربوط به حرفه، مواد آموزشی، نوارهای ویدیویی، جزوات آموزشی معلم، ویدیو، یادگیری پودمانی<sup>(۵)</sup>، ارتباطات تلفنی، کتابهای درسی، رایانه‌ها، ترانس-پرانسیها، اسلایدها، نوارهای صوتی و مقالات علمی. با توجه به تجسم موارد فوق برای آینده، عمل و روش آموزشی رایج در آموزش کشاورزی بزرگسالان چه خواهد بود؟

در حالی که از عمل و روشهای آموزشی مهم در آموزش بزرگسالان فقط یک شناخت کلی وجود دارد و مطالعات محدودی در زمینه اهمیت و تأکید بر روشهای آموزشی به کار گرفته شده صورت پذیرفته است، آموزشگران بزرگسالان در کشاورزی نیاز دارند که از عمل و روش رایجشان نموداری ترسیم نمایند. سؤالاتی که در این مورد مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

۱- آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و مروجین در مورد اصول آموزش و یادگیری چه نقطه نظرهایی دارند؟

۲- چه روشها و ابزار آموزشی در اجرای برنامه‌های آموزش کشاورزی بزرگسالان



دیدگاههایی در مورد

روشهای آموزشی

به کار گرفته شده در برنامه‌های آموزش

کشاورزی بزرگسالان

در آیووا

Journal of agricultural education: منبع

• ترجمه: مهندس علی اسدی

مناسب و اثربخش هستند؟

۳- چقدر از مجموعه روشها و ابزار آموزشی در برنامه‌های آموزش کشاورزی بزرگسالان به کار گرفته می‌شوند؟  
با توجه به اینکه پایه و اساس مطالعات صورت گرفته در زمینه روشهای آموزش کشاورزی بزرگسالان نشان‌دهنده این است که "بیشتر آموزشگران برنامه‌های آموزش کشاورزی در محتوایی که آموزش می‌دهند ماهر و متخصص هستند، ولی آنها در فرایند کمک به یادگیری بزرگسالان آمادگی اندکی دارند." (۶)

اهداف اختصاصی مطالعه عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین میزان موافقت گروههای پاسخگو براساس نظرهای جمع‌آوری شده در خصوص اصول آموزش - یادگیری در مورد روشها و ابزار آموزشی به کار گرفته شده در برنامه‌های آموزش کشاورزی بزرگسالان.
- ۲- شناسایی روشها و ابزار آموزشی به کار گرفته شده و فراوانی کاربرد آنها در اجرای برنامه‌های آموزش کشاورزی
- ۳- تعیین اثربخشی روشهای آموزشی به کار گرفته شده توسط آموزشگران کشاورزی.

### مواد و روشها

این مطالعه، به منظور جمع‌آوری داده‌های توصیفی، جهت شناسایی روشهای آموزشی به کار گرفته شده طراحی گردیده و بر روی برنامه‌های آموزشی دبیرستانهای کشاورزی (مقطع کاردانی) و آموزشهای ترویجی متمرکز شد. جمعیت مورد نظر صد نفر از آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و صد نفر از

متخصصین و کارمندان ترویج ایالت آیووا بود. فرض بر این بود که نتایج حاصل در خصوص روشهای آموزشی مناسب، برای بهبود آموزش کشاورزی بزرگسالان اهمیت دارند.

جهت جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌هایی از طریق پست برای گروهی که به صورت تصادفی از کارکنان حرفه‌ای ترویج (۵۰ نفر) و آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی (۵۰ نفر) در آیووا انتخاب شده بودند، فرستاده شد. متعاقب آن جهت دریافت پرسشنامه‌ها سه تماس جداگانه با پاسخگویان برقرار گردید. پرسشنامه‌های ۷۶ درصد (۳۸ نفر) عاملان حرفه‌ای ترویج کشاورزی و ۸۴ درصد (۴۲ نفر) آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی دریافت گردید. در دریافت پاسخها، تماس رسمی با هیچ پاسخگویی وجود نداشت. قسمتهای مختلف پرسشنامه عبارت بودند از: الف) نقطه‌نظرهایی در خصوص اصول آموزش و یادگیری، ب) کاربرد و اثربخشی روشها و ابزار آموزشی، ج) مشخصات فردی.

### اهداف

هدف این تحقیق، شناسایی روشهای معمولی در اجرای برنامه‌های آموزش کشاورزی بزرگسالان بوده است که در آیووا مورد توجه عاملان حرفه‌ای ترویج کشاورزی و آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی قرار می‌گیرند.

## جدول (۱): میانگین، انحراف معیار و رتبه‌بندی اصول آموزش - یادگیری از دیدگاه آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و مروجین کشاورزی

ردیف	اصول	میانگین	انحراف معیار
۱	استفاده از انواع روشهای آموزشی	۴/۵۰	۰/۵۹
۲	به کارگیری انواع روشها و تکنیکها در توسعه مهارتهای فراگیران	۴/۳۲	۰/۵۶
۳	تشخیص و استفاده از اصول و روشهای آموزشی در آموزش بزرگسالان	۴/۳۰	۰/۶۶
۴	استفاده از روشها و فنون آموزش غیررسمی در فرصتهای خاص	۴/۲۸	۰/۷۷
۵	استفاده از آموزش گروهی با توزیع مشکلات عمومی در بین گروههای ویژه	۴/۲۳	۰/۶۴
۶	توسعه و کاربرد شیوه‌های روشن و جالب در ارتقای انگیزه فراگیران	۴/۱۶	۰/۷۰
۷	تهیه طرحی برای ارزشیابی نتایج فرصت آموزش - یادگیری	۴/۱۲	۰/۶۲
۸	تهیه طرحی برای ارزشیابی فرایند آموزش و یادگیری	۴/۱۲	۰/۶۸
۹	تدارک طرحهای آموزشی برای تأمین تجربه‌های مطلوب	۴/۱۰	۰/۷۶
۱۰	استفاده از آموزش انفرادی در کمک به حل مسائل بزرگسالان	۳/۹۳	۰/۹۷
۱۱	استفاده از آموزش مزرعه‌ای با توزیع مشکلات فردی در بین مشارکت‌کنندگان	۳/۹۱	۰/۸۸
۱۲	کاربرد حل مسئله که فعالیت ذهنی مؤثر ایجاد کند	۳/۶۸	۰/۹۳
۱۳	شناسایی و استفاده از مدل‌های آموزشی در طراحی آموزشهای بزرگسالان	۳/۵۹	۰/۸۰
۱۴	درگیر کردن اعضا در آماده کردن مواد آموزشی و یادگیری	۳/۳۲	۰/۹۴
۱۵	تأکید بر فرصتهای حل مسئله که فعالیتهای فیزیکی مؤثر در اعضا ایجاد کند	۳/۰۵	۰/۹۲



ضمناً یک میزگرد تخصصی نیز با حضور آموزشگران ترویجی و معلمین کشاورزی که جزو جمعیت مورد مطالعه نبودند، تشکیل گردید و پرسشنامه برای اعتبار و روایی<sup>(۷)</sup> و آسان سازی تکمیل آن، بررسی گردید. مقیاسها از نوع طیف لیکرت<sup>(۸)</sup> به شرح ذیل بود:

الف - برای میزان موافقت با اصول آموزش و یادگیری؛

۱= کاملاً مخالف، ۲= مخالف، ۳= بی نظری، ۴= موافق، ۵= کاملاً موافق

ب- برای میزان اثربخشی روشها و ابزار آموزشی؛

۱= بدون اثر، ۲= کمی مؤثر، ۳= تا حدی اثربخش، ۴= مؤثر، ۵= بسیار مؤثر.

ج- برای گستردگی کاربرد روشها و ابزار آموزشی؛

۱= بدون کاربرد؛ ۲= به ندرت؛ ۳= بر حسب موقعیت؛ ۴= کاربرد مکرر.

داده‌ها با در نظر گرفتن میانگین، انحراف معیار، آزمون t، فراوانیها و درصدها تجزیه و تحلیل شد که این موارد برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده مناسب به نظر می‌رسید. اعتبار<sup>(۹)</sup> وسیله بررسی (پرسشنامه) از طریق آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/97$ ) آزمون گردید.

## نتایج

### اصول آموزش و یادگیری

از پاسخگویان خواسته شده بود که موافقت یا مخالفت خود را با ۱۵ مورد از اصول مطروحه در خصوص آموزش و یادگیری بیان نمایند. (جدول ۱)

نه اصل میزان موافقت ۴ یا بالاتر را کسب نمود. شش اصل باقی مانده میزان موافقت بین ۳/۰۵ تا ۳/۹۳ را به دست آورد. بالاترین درجه توافق مربوط به اصل کاربرد انواع روشهای آموزشی بود. (۴/۵۰)

آزمون t جهت تعیین وجود اختلاف

معنادار در پاسخهای دو گروه، به کار گرفته شد. (جدول ۲). داده‌ها نشانگر وجود اختلاف معنادار در سطح  $0/01 < p$  بین میزان موافقت آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و کارکنان حرفه‌ای ترویج کشاورزی در خصوص اصول آموزش - یادگیری در موارد ذیل بود:

الف- کاربرد حل مسئله که فعالیتهای ذهنی ایجاد کند.

ب- تأکید بر فرصتهای حل مسئله که فعالیت فیزیکی در پی دارد.

ج- تهیه طرحهای آموزشی جهت ایجاد تجربه‌های مطلوب

د- آشنایی و استفاده از مدل‌های آموزشی. آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی میزان موافقت بیشتری نسبت به عاملان حرفه‌ای ترویج کشاورزی با هریک از این اصول داشتند.

### کاربرد و اثر بخشی

از پاسخگویان در زمینه گستردگی کاربرد ۶۳ مورد از ابزار و روشهای آموزش مورد نظر با مقیاس ۴ طبقه‌ای، نظرخواهی شد، که ۱- نشانگر عدم کاربرد و ۴- بیانگر کاربرد مکرر بود. روشها و ابزارهای آموزشی زیر بالاترین رتبه کاربرد را از نظر پاسخگویان کسب نمودند:

الف- سخنرانی همراه با بحث (۳/۷۷)

ب- پروژکتور اورهد (۳/۶۸)

ج- اسلایدها (۳/۵۰)

د- سخنرانی (۳/۲۶)

ه- حل مسئله (۳/۲۴)

و- تخته گچی (۳/۰۵)

ز- بحثهای گروهی (۳/۰۳)

ح- آموزش انفرادی (۳/۰۰)

پاسخگویان مورد نظر در خصوص میزان اثربخشی روشها و ابزار آموزشی با مقیاس ۵ طبقه‌ای، که ۱- نشانگر بدون اثر و ۵- بیانگر خیلی مؤثر بود مورد سؤال قرار گرفتند. روشها و ابزار آموزشی ذیل بالاترین اثربخشی را از دیدگاه پاسخگویان کسب کردند.

الف- سخنرانی همراه با بحث (۴/۴۳)

ب- حل مسئله (۴/۲۷)

ج- آموزش انفرادی (۴/۲۳)

د- پروژکتور اورهد (۴/۱۱)

ه- اسلایدها (۴/۰۶)

و- بحثهای گروهی (۳/۹۳)

ز- خلاصه سازی (۳/۸۷)

ح- تخته گچی (۳/۸۷)

ط- سؤال کردن (۳/۷۹)

ی- نوار ویدئویی و برنامه‌های تلویزیونی (۳/۷۲)

یافته‌ها، بیانگر این نکته است که بین نظرهای آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و کارکنان حرفه‌ای ترویج کشاورزی، اختلاف معناداری در سطح  $0/01 < p$  در خصوص گستردگی کاربرد ۲۶ تا ۶۳ نوع از روشها و ابزار آموزشی مورد نظر وجود دارد. بیشترین اختلاف در مورد کاربرد روشها و ابزار آموزشی عبارت بودند از: بحثهای گروهی، گروههای اندیشه، ایفای نقش، طوفان اندیشه و مناظره.

آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی سطح گسترده‌تری از کاربرد را برای این روشها و ابزار به جز دو روش نسبت به کارکنان حرفه‌ای ترویج کشاورزی مطرح کردند. کارکنان ترویج کاربرد سمپوزیوم و برنامه‌های رادیویی را با درجه بالاتری نسبت به آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی مورد توجه قرار دادند. مقایسه میزان اثربخشی روشها و ابزار آموزشی از دیدگاه پاسخگویان نشانگر آن است که در مورد ابزار و روشهای آموزشی، گروههای اندیشه، سمپوزیومها، حل مسئله، تخته گچی، نوار ویدئویی و برنامه‌های تلویزیونی و برنامه‌های رادیویی اختلاف معناداری در سطح  $0/01 < p$  وجود دارد. برای هر کدام از روشها و ابزار آموزشی مذکور، آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی سطح بالاتری از اثربخشی را قایل هستند. به جز دو روش، سمپوزیومها و برنامه‌های رادیویی، که این دو روش از نظر مروجین



کشاورزی دارای اثربخشی بالاتری هستند. تفسیر مطالب پرسشنامه، حکایت از این داشتند که مروجین کشاورزی اعتراف می‌نمایند که نیاز به ارتقای کارایی در انواع روشها و ابزارهای آموزشی وجود دارد. دانش کاربرد این روشهای متنوع، مروجین کشاورزی را قادر خواهد ساخت که بر ارائه و عرضه نوآوریها بیفزایند و در اجرای برنامه‌های خود مشارکت مخاطبان را توسعه بخشند. تکنولوژی و استفاده از روشهای آموزشی متنوع و کاربرد آنها، یکی از راههای ایجاد انگیزه هستند.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی نسبت به کارکنان حرفه‌ای ترویج در این ایالت توجه بیشتری به اصول آموزش و یادگیری دارند. اگر چه این پاسخگویان به کاربرد انواع روشهای آموزشی اولویت خاصی قائلند ولی آنها به

یک روش مستکی هستند. بیشترین کاربرد مربوط به روش سخنرانی همراه با بحث گزارش شده است. کارکنان حرفه‌ای ترویج کشاورزی برنامه‌های رادیویی را به عنوان مؤثرترین ابزار مدنظر قرار می‌دهند و تفسیری که از تلویزیون پخش می‌شود و برنامه‌ریزیهای جانبی آن را به شرطی که خوب ارائه بشوند، نتیجه بخش می‌دانند. اما صرفنظر از رسانه‌های به کار برده شده، سبک ارائه و کارایی آنها باید ارتقا یابند.

براساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که آموزشگران بزرگسالان در کشاورزی، جهت آشنایی با روشها و اصول آموزشی - یادگیری تلاش نمایند و تشویق شوند که ابزار و روشهای آموزشی را بر اساس محتوا و نیازهای مخاطبان، بدقت ترکیب<sup>(۱۰)</sup> نمایند. ضمناً اجرای تحقیق دیگری جهت تناسب<sup>(۱۱)</sup> ابزار و روشهای آموزشی برای اجرای برنامه‌های آموزش کشاورزی مورد نیاز است.

### پی نوشتها:

۱- Brundage and MacKeracker, 1980; Charters, and Associates, 1981; Cox, 1955; Cross, 1984; Ehrenberg, 1983; Phipps, 1980; Wilson & Goerke, 1978.

۲- Pucel, De Vogel and Persico

۳- Post - Secondary

۴- Adult vocational education

۵- Learning modules

۶- Knox, 1986, P.xi

۷- Validity

۸- یکی از رایجترین مقیاسهای اندازه‌گیری، مقیاس لیکرت است. این مقیاس از مجموعه‌ای منظم از گویه‌ها (عبارتها) که به ترتیب خاصی تدوین شده است، ساخته می‌شود. پاسخ دهنده میزان موافقت خود را با هریک از این عبارتها در یک مقیاس درجه بندی شده که معمولاً از یک تا پنج (یا هفت) درجه است، نشان می‌دهد.

۹- Validity

۱۰- Match

۱۱- Appropriateness

جدول (۲): مقایسه میزان موافقت آموزشگران دبیرستانهای کشاورزی و مروجین کشاورزی با اصول آموزش - یادگیری

اصول	آموزشگران		مروجین		t Value	سطح احتمال
	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین		
کاربرد آموزش انفرادی در کمک به حل مسائل بزرگسالان	۲۲	۲/۱۱	۳۸	۲/۷۳	۱/۷۸	۰/۰۷۹
استفاده از آموزش مزرعه‌ای	۲۲	۲/۱۱	۳۷	۳/۶۷	۲/۳۰	۰/۰۲۴
تشخیص و استفاده از اصول آموزشی	۲۲	۲/۲۷	۳۸	۲/۱۰	۲/۵۸	۰/۰۱۲
کاربرد انواع روشهای آموزشی	۲۲	۲/۵۹	۳۸	۲/۳۹	۱/۵۲	۰/۱۳۳
استفاده از روشها و فنون آموزش هم‌رسمی	۲۱	۲/۳۴	۳۷	۲/۲۱	۰/۷۱	۰/۲۷۷
کاربرد حل مسئله که فعالیت ذهنی مؤثر در افراد ایجاد کند	۲۲	۳/۹۵	۳۸	۳/۳۹	۲/۷۷	۰/۰۰۷
کاربرد و توسعه شیوه‌ای جالب در ایجاد انگیزه	۲۲	۲/۳۳	۳۸	۳/۹۷	۲/۶۷	۰/۲۱
تأکید بر فرصتهای حل مسئله که فعالیت هم‌رسمی مؤثر در پی داشته باشد	۲۲	۳/۲۵	۳۸	۲/۷۱	۳/۳۷	۰/۰۰۱
درگیرکردن اعضا در آماده کردن مواد آموزشی و یادگیری	۲۲	۳/۲۷	۳۷	۳/۱۶	۱/۲۹	۰/۱۴۱
تهیه طرحهای آموزشی در جهت ایجاد تجربه‌های مطلوب	۲۲	۲/۳۵	۳۷	۳/۸۱	۳/۳۱	۰/۰۰۲
تشخیص و استفاده از مدل‌های آموزشی	۲۲	۳/۸۵	۳۷	۳/۲۹	۳/۲۵	۰/۰۰۲
تهیه طرحی برای ارزشیابی فرایند آموزش و یادگیری	۲۲	۲/۱۹	۳۸	۲/۰۵	۰/۹۰	۰/۳۷۰
به کارگیری انواع فنون و روشها	۲۲	۲/۳۵	۳۸	۲/۲۸	۰/۵۳	۰/۵۹۸
استفاده از آموزشهای گروهی	۲۲	۲/۳۳	۳۸	۲/۱۳	۱/۲۱	۰/۱۶۱
تهیه طرحی برای ارزشیابی نتایج فرصت آموزش - یادگیری	۲۲	۲/۱۹	۳۸	۲/۰۵	۰/۶۵	۰/۳۲۷

■ معنادار در سطح ۰/۰۱، مقیاس: ۱۱ بدون اهمیت، ۵ بسیار نااهمیت

# بررسی زمینه‌های مشارکتی روستایان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی

تلخیص: مهندس محمدهادی امیرانی  
● قسمت اول

## ● اشاره

مقاله‌ای که به دنبال خواهد آمد، تلخیص شده از پروژه سوم، طرح ۱ از مجموعه گزارشهای مطالعاتی، پژوهشی ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران می‌باشد، که تهیه و تدوین آن توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر علیرضا محسنی تبریزی در سال ۱۳۷۳ انجام گرفته است. با توجه به وسعت بررسی و حجم محتوای این گزارش مطالعاتی، سعی می‌گردد تا طی چند مقاله در شماره‌های آتی این مجله، به مباحث و مفاهیم مندرج در این پروژه مطالعاتی پرداخته شود. لذا در این شماره صرفاً به بخشی از زیربنای نظری این مبحث پرداخته شده است.

تلخیص این مقاله توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی انجام و جهت چاپ در مجله آماده گردیده است. امید است مورد توجه و استفاده عموم صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

## ● مقدمه

بی‌شک مشارکت عمومی و فراگیر یک جامعه، یک محله یا یک گروه اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و اموری که به گونه‌ای با اهداف ترویج و توسعه ملی و منطقه‌ای مرتبط است مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، برنامه‌ریزی، مدیریت و ... قرار گرفته و به

عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق دموکراتیک برای افراد یک جامعه تلقی گردیده است. هم‌چنان که میردال (Mirdal, 1968) اشاره می‌کند:

«در مشارکت عمومی Popular Participation به مردم این فرصت داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهم و شریک شوند.»<sup>(۱)</sup>

در آموزش ترویج و مالاً توسعه روستایی نیز خودیاری (Self - help) و مشارکت (Participation) روستاییان از اهمیت خاصی برخوردار است. چه زمانی که مردم احساس کنند خود عملاً و مستقیماً در برنامه‌های ترویجی و توسعه‌ای در روستا و تصمیم‌گیری‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و حل مشکلات و مسایل مربوط به جامعه خود دخالت داشته و در واقع نقشی در وضع و خلق چنین برنامه‌هایی دارند، مسلماً تعهد و دلبستگی و التزام بیشتری را در قبال این برنامه‌ها و اهداف توسعه اجتماعی احساس خواهند نمود. از این رو شناخت زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ربط آن به اهداف ترویج کشاورزی روستایی در فرآیند کلی توسعه جامعه روستایی و ساختار کشاورزی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است.

این پروژه مطالعاتی بخشی از طرح مربوط به «بررسی ساختار اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش ترویج کشاورزی ایران» است که عمدتاً نقش مشارکت را در ترویج و توسعه روستایی مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. بدیهی است بررسی جامع نقش مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، خود مستلزم توجه به دامنه وسیعی از موضوعات و ابعاد متنوع و متعددی است که به گونه‌ای مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. در این راستا مباحث و موضوعات ذیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

۱- توجه به ابعاد مختلف مشارکت روستاییان ایران در توسعه کشاورزی.

۲- شناخت زمینه‌های مشارکتی خودجوش در جامعه روستایی ایران.

۳- شناخت تنوع و انواع مشارکت سنتی در زمینه‌های کشاورزی روستاهای ایران با تأکید بر دامداری، زراعت، باغداری، تولید محصولات خاص، شکار، صید و ماهیگیری و ...

۴- بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی موثر در ایجاد زمینه‌های مشارکت سنتی.

۵- مطالعه تأثیر زمینه‌های مشارکتی سنتی در پذیرش نوآوریهای کشاورزی.

۶- بررسی چگونگی بهره‌برداری از زمینه‌های مشارکتی سنتی به منظور اشاعه الگوهای آموزشی و ترویجی.

۷- شناخت انواع سطوح مشارکت، نظیر: همیاری، همکاری، تقاوی، شیرواره و ... در جامعه روستایی ایران و نحوه بهره‌برداری از آن در طراحی الگوی توسعه کشاورزی.

۸- مطالعه و شناخت نهادهای مشارکتی رسمی نظیر شورای اسلامی، خدمات ترویج کشاورزی، خدمات جهاد سازندگی و خانه بهداشت و چگونگی استفاده از آنها در ارائه نظام آموزشی و ترویجی.

۹- بررسی مسائل و دشواریهای ناشی از زمینه‌های مشارکتی رسمی.

۱۰- بررسی چگونگی استفاده از زمینه‌های مشارکتی به منظور تسهیل ترویج کشاورزی ایران.

### ● ضرورت و اهمیت موضوع

موضوع مورد نظر کلید موفقیت هر اقدامی است که به منظور نیل به گسترش و تسهیل فرآیند ترویج کشاورزی صورت می‌گیرد. مشارکت روستاییانی که امر توسعه به نحوی بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد یا به بیان آرون تولن (Aron Tolon, 1985) «برای بهره‌برداران توسعه، به منظور نیل به توسعه خود اکتفاء درون‌زا و مهم‌تر از همه توسعه خودیار، امری لازم و گریزناپذیر است.» (۱)

از این رو مشارکت مردم برای اینکه هر فعالیتی از جمله فعالیت‌های آموزشی ترویجی با موفقیت همراه شود، اهمیت بسیار دارد. هر طرحی که مردم در مراحل اولیه از آن مشارکت نداشته و یا از ابزار همکاری در انجام آن خودداری کنند نمی‌تواند در نهایت کاملاً موفق باشد و نباید هم انتظار داشت که نتایج مورد

انتظار را به بار آورد. بنابراین مشارکت مردم را می‌توان به عنوان عاملی اصلی در موفقیت طرحها بشمار آورد و از این لحاظ مردم می‌باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و احساس کنند که برنامه‌ها متعلق به آنهاست.

تا یک قرن و نیم پیش در بسیاری از جوامع، مردم جز برای جنگ برای منظور دیگری به طور آگاهانه تجهیز، سازماندهی و راهنمایی نمی‌شدند ولی از آن زمان تا به حال متشکل نمودن مردم برای مقاصد جز جنگ از طریق روشهایی که التون مایو (Elton Mayo) هنر یا مهارت اجتماعی (Social Skills) نامیده بارها تجربه گردیده است. ایجاد این‌گونه مهارتها به خاطر توسعه روحیه همکاری و گسترش جنبه‌های اخلاقی در بین مردمی است که دست‌اندرکار انجام برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی هستند. (۷)

امروزه این باور در غالب کشورهای درحال توسعه استمرار یافته که برای ادامه حیات باید به خود متکی باشند. سیاست اتکا به خود، دیگر یک شق اختیاری نیست بلکه شرط لازم بقا به شمار می‌آید.

برای نیل به چنین هدفی، خصوصاً در بخش کشاورزی، همکاری مجدانه و کامل همه روستاییان ضروری است. اینجاست که مشارکت به عنوان یکی از ارکان سیاست توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد که بدون آن فعالیت‌های مربوط به امر توسعه نامربوط و غیرحسابی محسوب خواهد شد. بنابراین امروزه «مشارکت جمعی» در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع جهان سوم نه یک مسأله اختیاری بلکه یک امر ضروری است. آن دسته از جوامع روستایی که نیاز به مشارکت را جدی تلقی نکرده‌اند دچار شکست‌هایی شده‌اند که کار توسعه و تأمین رفاه آحاد جامعه را به تأخیر انداخته است.

در آغاز کار ممکن است چنین به نظر رسد که امر متشکل نمودن مردم، علی‌الخصوص روستاییان و ایجاد روحیه همکاری و تعاون در آنها دشوار و حتی غیرممکن است.

چنین به نظر می‌آید که روستاییان غالباً بسی تحرک و ایست‌گرا و دارای سازمانهای سنتی غیر تولیدی بوده و کارایی ندارند. چنین برداشتی شاید تا حدودی صحیح باشد ولی می‌باید توجه داشت که چنین وضعیتی به خاطر آن است که مردم روستایی برای مدت زمان طولانی اجازه مشارکت در امور جامعه خود را نداشته‌اند. در چنین موقعیتی برنامه‌های ترویجی می‌باید بر این اعتقاد طرح‌ریزی گردند که با فراهم آوردن فرصتها به توسعه روحیه همکاری روستاییان، کمک نمایند. چنین باوری در ترویج به این دلیل است که مردم روستایی در هر زمانی که متقاعد شوند که فعالیت‌های خودیارانه‌شان مورد حمایت و تحسین از سوی دولت و مسئولین قرار می‌گیرد، از خود شایستگی نشان می‌دهند.

به نظر بسیاری از متخصصین توسعه، راه شرکت دادن مردم در امور مربوط به خودشان آن است که نخست به آنان اجازه داده شود تا اقدام به تعیین هدفهای برنامه خود نمایند و آنگاه مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند فعالیت‌های خودیارانه را سازماندهی کنند. نتایج اکثر تحقیقات انجام شده در باب مشارکت و توسعه نشان داده که آن دسته از روستائینی که در برنامه‌های روستا، خود تصمیم‌گیرنده بوده‌اند، همکاری و مشارکت بیشتری با مسئولین در اجرای این برنامه‌ها داشته‌اند.

تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که اگر مردم روستایی، اجازه تصمیم‌گیری در مورد واگذاری مسئولیتها را داشته باشند و در اجرای طرحهای مربوط به بهبود وضع روستاهای خود کمک شوند از خود تحرک نشان می‌دهند و حالت پویایی پیدا می‌نمایند. با این وجود می‌باید توجه داشت که احتمالاً برخی از روستاییان، آگاهانه، نسبت به این امر که فردی یا سازمانی حدود همکاری‌هایشان را تعیین و یا زمان و برنامه‌ای را برای تشریح مساعی‌شان مشخص نماید از خود مقاومت نشان می‌دهند. باتوجه به این

روحیه، جامعه روستایی را نمی‌توان به منزله یک لشکر یا گروه نظامی پنداشت که مطابق دستورات مافوق و بدون هیچگونه تفاوتی عمل نماید. از این‌رو همچنان که هرمز (W.M.Herms) خاطر نشان می‌سازد وجود یک یا چند مرکز و سازمان پویا چون مرکز خدمات ترویجی و یا شورای اسلامی و نظایر آن در روستا ضروری است تا سعی در جذب حداقل، شماری از افراد مربوط به دسته‌های مشخص شده زیر نمایند:

دسته‌ای از مردم که در آغاز کار از طریق ابراز علاقمندی نسبت به فعالیت‌های ترویجی موجبات بقاء سازمان را فراهم آورند، افرادی که بلادرنگ امکانات محلی را تجهیز نمایند و عده‌ای که برای رسیدن به هدفهای فوری در برآورده شدن نیازهای محسوس اقدام به همکاری کنند و بالاخره افرادی از سطوح مختلف روستا که باعث ایجاد و تقویت حس اعتماد و اطمینان در مردم شوند. بدیهی است که در انجام این مهم می‌باید به اقتضای موقعیت‌ها از روشهای مختلف ترویجی استفاده نمود. (همان منبع)

ممکن است روش انتخابی، یکی از روشهای انفرادی، گروهی، انبوهی و یا ترکیبی از آنها باشد. از این‌رو تحقیق حاضر از آن جهت شایان اهمیت است که به بررسی مشارکت روستاییان ایران در فعالیت‌های آموزش و ترویج پرداخته و میزان موفقیت طرحهای توسعه روستا در ارتباط با میزان مشارکت مردم را بررسی و ارزیابی نموده و راههای مربوط به شرکت دادن روستاییان در امور مربوط به خودشان، و نیز میزان دخالت روستاییان در اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به گونه‌ای با توسعه جامعه روستایی مربوط است را مورد مذاقه قرار داده است.

از طرفی فعالیت‌های ترویجی از طریق بحث و تبادل نظر، سازماندهی می‌شوند. بررسی این مسأله در فعالیت‌های ترویجی کشاورزی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چه، وقوف به این مسأله که حقایق با

مردم روستا در میان گذاشته می‌شوند، تمام راه‌حل‌های ممکن به مردم ارائه می‌شوند، بررسی هریک از آن راه‌حلها، از طریق گفتگو تعیین می‌شود و در نهایت، مردم آزاد گذاشته می‌شوند تا باتوجه به موقعیت و امکانات خودشان و کمک‌های دولت، نسبت به انتخاب فعالیتها و روشها تصمیم‌گیری نمایند، بسیار ضروری است. (همان منبع)

همچنین باید توجه داشت که فعالیت‌های ترویجی بر پایه اصل عملی یادگیری از طریق انجام کار بنا نهاده شده است و کشاورزان می‌باید نسبت به فراگیری عملی تازه‌ها و مشارکت در انجام امور تشویق شوند. این تحقیق بر آن است که نشان دهد روستاییان ایران تا چه حد دارای انگیزه، جهت بهبود و پیشرفت هستند؟ آیا آنها در مورد ایده‌های جدید از طریق عملی تجربه کسب می‌کنند؟ تا چه حد یادگیری از راه عمل در تغییر رفتار مردم و ایجاد اطمینان نسبت به جنبه‌های عملی ایده‌های نوین اثر دارد؟

از طرفی این تحقیق، تأکید بر لزوم شناخت توان رهبری در مردم و استفاده از آن بر پایه فلسفه ترویج دارد. خصوصاً در برنامه‌های آموزشی و ترویجی نیاز به شناخت شیوه‌های آموزشی به ویژه روشهای گروهی است. چه، کار توسعه روستاها می‌باید بر پایه نهضتی خودیارانه استوار باشد؛ نهضتی که در آن روستاییان مورد حمایت قرار گیرند، تا اقدام به انجام فعالیت‌های مربوط به خود کنند. طرحها می‌باید طرحهای خود روستاییان باشد و با مشارکت خود آنان تدوین و اجرا گردند. در این میان نقش مروجین و مسئولین مشابه در دخالت دادن مردم محلی برنامه‌های ترویج شایان توجه است؛ به ویژه دخالت دادن رهبران محلی در برنامه‌های ترویج بسیار ضروری است. چه، به گفته انزیمینگر (Ensminger) یک مروج، در صورتی می‌تواند در یک روستای سنتی نقش یک آموزشگر را برای روستاییان ایفا کند که بتواند از طریق رهبران محلی به فعالیت بپردازد و همزمان با

آن سعی کند تا از راه تشویق و یاری دادن مردم، موجبات پرورش رهبران جدید را فراهم آورد. (همان منبع، ۶۴)

از طرفی برای آن که فردی بتواند گروهی را رهبری کند، می‌باید که در آن گروه عضویت داشته باشد چه، هیچ بیگانه‌ای قادر به درک محدودیت‌های گروهی که به آن تعلق ندارد نیست و متقابلاً اعضای گروه هم درک کاملی از موقعیت شخص بیگانه ندارند.

همچنین بررسی رضامندی روستائیان از برنامه‌های ترویجی، شایان توجه است. زیرا در انجام فعالیتهای ترویجی، جلب رضایت مردم یا فراهم آوردن موجبات رضایت آنان، کمال ضرورت را دارد. معمولاً هر برنامه‌ای با مشارکت مردم در صورتی ادامه پیدا می‌کند که مردم نسبت به نتایج حاصله از آن رضایت داشته باشند. از این رو رضامندی مردم روستا را می‌توان به عنوان کلید موفقیت در مشارکت و انجام کارهای ترویجی دانست؛ و بالاخره توجه به نقش سازمانهای مشارکتی روستا نظیر شوراهای اسلامی در امر ترویج ضروری است. در این بررسی ضمن توجه به این سازمانها، نقش شوراهای اسلامی در تشویق روستائیان به مشارکت فعال، ایجاد انگیزه در مردم، مردمی نمودن برنامه‌ها، بالا بردن توان تصمیم‌گیری روستائیان، به وجود آوردن تحولات با ثبات، پرورش توان رهبریت محلی، تقویت حس اعتماد به نفس در روستائیان، توسعه گروهها و سازمانهای روستایی و بالاخره راهنمایی و آموزش مردم روستا مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌گیرد.

تمام فعالیتهای ترویج روستایی جزئی از فرایند توسعه است. این فعالیتها را نمی‌توان به طور مجزا موردنظر قرار داد. تمامی برنامه‌ها و طرحهای ترویجی، بخشی از فرایند توسعه جوامع روستایی است.

پروژه حاضر بخشی از طرح مربوط به بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش ترویج کشاورزی ایران است که به بررسی زمینه‌های

مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با نظام آموزش ترویج می‌پردازد.

از این رو اهداف کلی و اساسی این پروژه، بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش ترویج کشاورزی ایران است تا از این طریق بتوان فعالیت‌های آموزش ترویج را به گونه‌ای طراحی و سازماندهی نمود تا به دگرگونیهای مطلوب در فکر، اندیشه و رفتار و کردار روستائیان دست پیدا کرد. چه، ترویج، عمدتاً عامل ایجاد تحول در مردم روستایی است و ترویج کشاورزی به عنوان عاملی در ایجاد تغییرات مناسب در رفتار کشاورزان شامل از زنان، مردان، جوانان و بزرگسالان به حساب می‌آید. این هدف اساسی و کلی خود، شمول بر چند هدف اخص دارد و آنچه که بررسی حاضر منحصراً بر آن تأکید می‌کند، شناخت زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با نظام آموزش ترویج است که به عنوان یکی از اهداف اخص هدف اساسی فوق به حساب می‌آید. در نتیجه، بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش ترویج کشاورزی ایران هدف اساسی و بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان مرتبط با آموزش ترویج، هدف اخص است.

در بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان مرتبط با آموزش ترویج به عنوان هدف پژوهش حاضر، سعی گردیده است تا به مباحث و موارد ذیل توجه اکید شود:

۱ - بررسی ابعاد مختلف مشارکت روستائیان در توسعه کشاورزی.

۲ - بررسی زمینه‌های مشارکتی خودجوش در جامعه روستایی.

۳ - وقوف به انواع مشارکت سنتی در زمینه‌های کشاورزی روستاهای ایران.

۴ - بررسی زمینه‌های مشارکتی سنتی در دامداری.

۵ - بررسی زمینه‌های مشارکتی در تولید محصولات خاص در میان روستاهای مورد مطالعه.

۶ - بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مؤثر در ایجاد زمینه‌های مشارکتی سنتی.

۷ - بررسی تأثیر زمینه‌های مشارکتی سنتی در پذیرش نوآوری‌های کشاورزی.

۸ - بررسی چگونگی بهره‌برداری از زمینه‌های مشارکتی سنتی به منظور اشاعه الگوهای آموزشی و ترویجی.

۹ - بررسی انواع سطوح مشارکت (همیاری، همکاری، گروه هم آب، تقاوی، شیرواره و...) در جامعه روستایی و نحوه بهره‌برداری از آن در طراحی الگوی توسعه کشاورزی.

۱۰ - بررسی نظرات روستائیان (نظرسنجی) درباره مفهوم و ابعاد مشارکت.

۱۱ - نظرسنجی روستائیان درباره اعتقادات، ارزشها، نگرشها، باورها و خلیقیات مرتبط با رفتار مشارکت جویانه (با تأکید بر مفهوم ارزش کار گروهی، باور، اعتقاد و رفتار سیاسی و اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و سیاسی، میزان فعال بودن و انفعال، ارزش علم، سنت‌گرایی، پذیرش نوآوری و...)

۱۲ - بررسی نهادهای مشارکتی رسمی نظیر شوراهای اسلامی و چگونگی استفاده از آنها در ارائه نظام آموزشی و ترویجی.

۱۳ - بررسی خصوصیات اعضای شوراهای اسلامی.

۱۴ - بررسی نظرات اعضای شوراهای اسلامی درباره وظایف، کارکردها و نقش شورا در ترویج و توسعه روستایی.

۱۵ - بررسی شوراهای اسلامی در جلب مشارکت روستائیان در برنامه‌های ترویج و توسعه کشاورزی.

۱۶ - بررسی فعالیتهای شوراهای اسلامی در توسعه کشاورزی.

۱۷ - بررسی نقش شوراهای اسلامی در اشاعه نوآوریهای کشاورزی.

۱۸ - بررسی عملکرد شوراهای اسلامی در زمینه‌های مختلف عمرانی، خدماتی، کشاورزی.

۱۹ - بررسی رابطه شوراهای با سایر نهادها و سازمانهای رسمی - ترویجی نظیر مرکز خدمات کشاورزی، خانه بهداشت و ...

۲۰ - بررسی ترکیب شغلی اعضای شوراهای اسلامی.

۲۱ - بررسی چگونگی استفاده از نهاد شورا در تدوین و طراحی نظام آموزشی - ترویجی، کشاورزی.

۲۲ - بررسی محدودیت‌ها و تنگناهای شورای اسلامی روستایی دهستان.

۲۳ - بررسی نظرات روستاییان پیرامون شوراهای اسلامی و سایر نهادهای رسمی مشارکتی در روستا درباره اهداف، کارکردها، وظایف و ...

۲۴ - بررسی مسایل و دشواریهای ناشی از زمینه‌های مشارکتی رسمی و ارائه طریق در حل آن.

۲۵ - بررسی چگونگی استفاده از زمینه‌های مشارکتی به منظور تسهیل ترویج کشاورزی.

با آن که موارد فوق، نشانگر وسعت و گستردگی موضوع مورد مطالعه است، با این وجود شناخت علمی، از زمینه‌های مشارکتی روستاییان، ما را بیش از پیش به نقش مشارکت فراگیر و جمعی و آگاهانه روستاییان در برنامه‌های آموزش ترویج کشاورزی واقف نموده و در طراحی نظام آموزش ترویج کشاورزی خصوصاً در کارایی که ترویج در اثر شرکت فعال روستاییان بدست می‌آورد، اهمیت مشارکت فراگیر و جمعی، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

پس از این مقدمه نسبتاً طولانی، لازم است تا به طور اجمال مباحثی از زیربنای تئوریک "مشارکت" به شرح ذیل آورده شود که در طی آن به مواردی چون مشارکت و دموکراسی، مشارکت اجتماعی و توسعه، مشارکت شرط اساسی توسعه روستایی و نقش مشارکت در ترویج و آموزش کشاورزی پرداخته می‌شود.

## الف - مشارکت و دموکراسی

مشارکت کلیه افراد در اداره امور جامعه یکی از آرمانهای اصلی دیدگاههای کلاسیک دموکراسی بوده است و گسترش تدریجی حق مشارکت مردمی و ایجاد نهادهای اعمال آن براساس این دیدگاه صورت گرفته است. از زمان ارسطو تا جان دیویی بسیاری از فلاسفه اجتماعی، مشارکت مردمی را همچون منبعی از انرژی خلاق و حیاتی، برای دفاع در مقابل حکومت ستمگرانه و بعنوان ابزار به کاربردن و صورت قانونی دادن به خود جمعی مورد تجلیل و ستایش قرار داده‌اند. به اعتقاد آنها مشارکت، با درگیر ساختن تعداد زیادی از مردم در امور اداره جامعه، ثبات و نظم را افزایش می‌دهد و با دادن فرصت اظهار علائق و خواستها به هر فرد، خیر و مصلحت اکثریت را تأمین خواهد کرد. در همین چهارچوب، محاسن و منافع بسیاری برای مشارکت گسترده مردم در امور اجتماعی ذکر شده است. براین اساس، دموکراسی، به عنوان یک آرمان تلقی می‌شود، که «بحث و گفتگوی عمومی» و «فراگیری» دو خصیصه ضروری آن است. بحث و گفتگوی عمومی، آزادیهای مدنی سنتی را با حقوق سازمانهای سیاسی و اقلیتهای مخالف دولت، مرتبط می‌سازد. و تجلی آن، آزادی بیان است. فراگیری، مبین حق تمام افراد بالغ برای مشارکت در امور اجتماعی است.

اما تحقق اصلی فراگیری و اعطای حق شرکت در امور سیاسی، از همان آغاز با موانع و محدودیتهایی مواجه بوده است. در عمل، گروههای مسلط در کشورهای سرمایه‌داری غربی که پیشگامان نظری و عملی فکر دموکراسی، به گونه‌ای سیستماتیک می‌باشند، از هجوم توده‌ها به عرصه فعالیت اجتماعی واهمه داشته و بر سر راه، محدودیتهایی ایجاد کرده‌اند. طرح این پرسش که آیا مشارکت باید برای عموم باشد یا اینکه منحصر به کسانی شود که می‌دانند چگونه عاقلانه از آن استفاده کنند؟ و پاسخهای محدودکننده به آن

و عمل بر این اساس، نشانگر این نگرانیهاست. در کشورهای اروپایی و آمریکا کلیه افراد بالغ، به تدریج صاحب حق رأی شدند و بعضی از گروههای اجتماعی، مثل افرادی که مالیات نمی‌پرداختند، کارگران، کشاورزان، بعضی از اقلیتهای دینی مثل یهودیان و یا پروتستان‌ها، زنان و ... تا مدت‌ها از حق رأی محروم بودند. در بعضی از این کشورها مثل فرانسه و انگلستان، بعد از جنگ دوم جهانی، زنان صاحب حق رأی می‌شوند. با این وجود، امروزه حداقل به لحاظ نظری، حق کلیه شهروندان بالغ برای مشارکت در امور اجتماعی، از آرمانهای عام بشریت شده و به جز استثناهایی، در کلیه حقوق اساسی کشورها ملحوظ گشته است.

اما در کشورهایی که مانع و رادع ظاهری مشخصی بر سر راه اعمال این حق وجود ندارد، و به اصطلاح، اصول دموکراسی اجتماعی رعایت می‌شود، نوعی بی‌علاقگی نسبت به امور سیاسی وجود دارد و همه واجدین حق، از آن استفاده نکرده، در امور سیاسی مشارکت نمی‌کنند. از طرف دیگر، شرکت گسترده در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مختلف و انتخابات، لزوماً همراه با اتخاذ سیاستهای درست و خردمندانه نبوده و حتی در مواردی نظام و سیستم دموکراسی را با خطرات جدی مواجه کرده و منجر به فروپاشی آن شده است (مثل انتخاباتی که منجر به روی کار آمدن هیتلر و یا موسولینی گردید). از این رو، این سؤال به طور جدی مطرح شده که آیا مشارکت بیشتر به نفع نظام دموکراتیک است یا به ضرر آن و در همین راستا تعریفهایی که از دموکراسی ارائه می‌شود دیگر خصیصت آرمانی نظریه کلاسیک دموکراسی را ندارد بلکه دموکراسی را به مثابه یک نظم سیاسی خاص برای تعیین الیت (Elite) قدرت ارزیابی می‌کنند که در ذات خود، واجد هیچ محتوای مشخصی در رابطه با تصمیمات اتخاذ شده، نمی‌باشد.

گروهی براساس دیدگاه کلاسیک



امروزه مشارکت جمعی در توسعه

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع جهان سوم نه یک مسئله اختیاری،

بلکه یک امر ضروری است. آن دسته از

جوامع روستایی که نیاز به مشارکت را جدی تلقی نکرده‌اند دچار

شکست‌هایی شده‌اند که کار توسعه و

تأمین رفاه آحاد جامعه را به تأخیر انداخته است.



وجود جامعه‌ای متعارض است نه مبتنی بر توافق. با این وجود، او معتقد است: «تا زمانی که تعارض از طریق اقدامات غیرقانونی به نفعی و انکار حقوق دموکراتیک منتهی نشود، دموکراسی مورد تهدید قرار نخواهد گرفت.»

به رغم اینکه شواهدی دال بر مخاطره‌آمیز بودن مشارکت بالا برای دموکراسی ارائه شده، ولی بسیاری از دموکراسی‌های نسبتاً با ثبات - مثل استرالیا، نیوزیلند، بریتانیا و کشورهای اسکاندیناوی - دارای میزان بالایی از مشارکت هستند. به همین دلیل، بسیاری از علمای سیاست غربی بر این عقیده‌اند که تا آنجا که اقشار پایین، به تدریج در روندهای انتخاباتی وارد می‌شوند و در نهادهای «توسعه یابنده» سیاسی جامعه اقدام به مشارکت می‌نمایند، بدون شک، مشارکت زیاد پدیده مطلوبی برای

اثرات افزایش مشارکت، مبتنی بر تحقیقاتی است که در مورد خصوصیات کسانی که رأی نمی‌دهند صورت گرفته. براساس این تحقیقات، کسانی که رأی نمی‌دهند دارای گرایشهای اقتدارگرا، عقاید بدبینانه در مورد دموکراسی و احزاب سیاسی، احساسات غیرقابل انعطاف در مورد عقاید دیگران و ... هستند و از افراد کم اطلاع و «فاقد احساس وظیفه شهروندی» می‌باشند. با توجه به این ویژگیها، استدلال می‌شود که افزایش ناگهانی در میزان شرکت‌کنندگان در امور سیاسی و رأی‌دهندگان، بازتاب تنش و کارکرد نامناسب جدی حکومت است و افراد رأی دهنده‌ای را به میدان می‌آورد که دیدگاه‌های اجتماعی‌شان از نقطه نظر ملزومات دموکراتیک، ناسالم است. «فرانک بیلی» استدلال می‌کند که: «بحث و گفتگوی عمومی» و «فراگیری» دو ویژگی لازم برای برقراری دموکراسی هستند ولی از سوی دیگر، این دو را به ندرت می‌توان «دستورالعملی برای آرامش سیاسی و اجتماعی» تلقی نمود. در واقع، بحث و گفتگوی عمومی را باید یکی از موجبات بی‌ثباتی دانست ... به‌طور خلاصه بحث و گفتگوی عمومی، مشوق تعارضات و برخوردهای اجتماعی آشکار است و چنانچه این اصل، با فراگیری همراه شود، جامعه‌ای پدید خواهد آمد که دارای حسی انتقاد بوده و در تصمیم‌گیری دخالت خواهند کرد. نتیجه کلی، بحث‌های داغ، طولانی و پُرسر و صدا است ... بنابراین، بحث و گفتگوی عمومی و فراگیری به معنی

دموکراسی، مشارکت کم شهروندان را به معنی فقدان موافقت همگانی و عدم اجماع می‌دانند و از آنجا که به نظر آنها دموکراسی مبتنی بر اجماع است، مشارکت کم، به معنی خلل در کار دموکراسی است. از طرف دیگر، مشارکت کم به منزله: محروم ماندن حکومت از تجارب و نظریات دیگران، فقدان نماینده‌گروه‌های وسیعی - که عموماً از طبقات پایین جامعه هستند - و مخاطره‌آمیز بودن این امر برای نظام سیاسی و نیز عامل «توقف رشد» و سکون افرادی که در فعالیت سیاسی شرکت نمی‌کنند و خودسری دولت مردان، ارزیابی شده که همه اینها برای دموکراسی، کارکردهای منفی دربر دارند. در مقابل، گروهی بر این عقیده‌اند که مشارکت کم، اشکالی در بر ندارد زیرا بیانگر خشنودی شهروندان از نحوه گذران امور است. «فرانسیس ویلسن» اظهار می‌دارد: «جامعه‌ای که فقط ۵۰ درصد از شهروندان آن، در انتخابات شرکت می‌کنند نشان از آن دارد که سیاست، به گونه‌ای است که خشنودی تسوده افسراد آن را، دولت تأمین می‌کند و همانطور که درصد مشارکت، افزایش می‌یابد، معلوم می‌شود که تنشهای منازعات سیاسی در بحال رسیدن به نقطه شکستنده‌ای است. «هربرت تینگسن» سوئدی، به رأی بسیار بالای «سلتوایی» مثل آلمان و اطریش در هنگام فروپاشی دموکراسی‌هایشان اشاره می‌کند و معتقد است که شرکت زیاد در انتخابات، نشانه کاهش وفای عمومی است. (۶)

برخی از دیدگاه‌های بدبینانه در مورد



دموکراسی می‌باشد و فقط وقتی که بحران مهمی یا جنبش اقتدارگرایی با نفوذی، به ناگهان کسانی را که معمولاً به سیاست بی‌علاقه‌اند به صحنه سیاست می‌کشاند، نظام دموکراتیک تهدید می‌شود. بنابراین مشارکت بالا و مشارکت کم به خودی خود برای دموکراسی، نه خوب هستند و نه بد، بلکه ساختار سیاسی و اجتماعی و موقعیت و شرایط است که فزونی و یا کمی مشارکت را برای دموکراسی، واجد کارکرد سازنده و یا تخریبی می‌نماید. (۸)

می‌توان چنین عنوان کرد که چنین نظریاتی که حواری نگرانی‌هایی در مورد مشارکت زیاد و گسترده مردم در امور اجتماعی است، بازتاب نگرانی‌های محافظه کارانه طبقات متوسط و حاکم، در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته است که همواره از هجوم توده‌ها به صحنه فعالیت اجتماعی بیمناک بوده‌اند و در طول قرن ۱۸ تا نیمه اول قرن بیستم به صورت عملی در مقابل عمومیت یافتن حق رأی، ایستادگی می‌کردند. این نگرانی‌ها و محدودیت‌ها، به صورت نظری، در محدود کردن معنا و مفهوم دموکراسی هم منجلی شده است؛ به عنوان مثال "شومپتر" در کتاب «کسپیتالیزم، سوسیالیسم و دموکراسی»، اصول کلاسیک دموکراسی را که در آن دموکراسی، ایده‌آلهای مشخصی را درباره مشارکت در زندگی سیاسی و رابطه بین رهبران سیاسی و مردم دربر می‌گیرد، آشکارا رد می‌کند و تئوری دیگری را درباره دموکراسی به عنوان «رقابت برای رهبری سیاسی» جایگزین می‌کند. اساس تئوری دموکراسی او، تئوری «مؤسسه اقتصادی سرمایه‌داری» است و شومپتر این ارتباط را نه تنها با بحث رابطه تاریخی بین سرمایه‌داری و دموکراسی، بلکه با در نظر گرفتن احزاب سیاسی به مانند مؤسسات بازرگانی که سرگرم مبارزه‌ای رقابت‌آمیز هستند (حزب برای قدرت، و مؤسسه اقتصادی برای سود)، مورد تأکید قرار می‌دهد. براساس همین برداشت از

دموکراسی است که "ساموئل بریتان" اظهار می‌دارد که: در رقابتهای انتخاباتی، تناقضاتی وجود دارد که سیاستمداران را مجبور می‌کند در حراج سیاسی شرکت کنند و غیرمسئولانه، برای بدست آوردن آراء رأی دهندگان طماع و غیرمسئول، وعده‌هایی بدهند که انجام آن برای اقتصاد، فاجعه‌آمیز خواهد بود. همچنین براساس تئوری دموکراسی نخبگان یا "پلورالیسم الیته" که "رابرت دال" مهمترین نظریه‌پرداز آن است، جوهر دموکراسی نه مشارکت فعال و مستقیم توده‌ها، بلکه مشارکت با واسطه اکثریت، در زندگی سیاسی است. در این تصور، دموکراسی به معنی حضور چندین گروه رقیب در عرصه سیاست تلقی می‌شود. هیچ الیتی سلطه دائمی ندارد، بلکه سیاست، حاصل سازش میان الیتهای گوناگون است. در نتیجه ساخت پلورالیستی، دولت مصون از تقاضاهای افراطی و فشار توده‌هاست. (همان منبع)

این چنین تئوری‌هایی در مورد دموکراسی، در عین اینکه بازنمایی از واقعیت دموکراسی در نظامهای دموکراتیک غربی است، بنا بر بعضی از تحلیلها، ضرورت ساختار متناقض سرمایه‌داری پیشرفته جدید است که در آن، روند تولید از نظر اداری و سیاسی، به شکل اجتماعی درآمده ولی تصرف ارزش اضافی، همچنان در اختیار بخش خاصی است و به همین دلیل دموکراسی، هم در عمل و هم در تئوری، صورت ظاهری به خود گرفته و نظام سیاسی، مبنای مشروعیت خود را نه در مشارکت فعال؛ بلکه در حمایت منفعلانه توده‌ها جستجو می‌کند و مشارکت مستقیم توده‌ها در سیاست را موجب پیدایش سیاست مردم‌فریبانه و بی‌ثباتی تلقی می‌نماید.

## ب - مشارکت اجتماعی و توسعه

مباحث مربوط به توسعه اجتماعی در راستا و در چارچوب بحثهای توسعه اجتماعی - اقتصادی که بعد از جنگ جهانی دوم در ارتباط با دگرگونیهای کشورهای جهان

سوم مطرح شده بود، دنبال شده است. به ویژه بعد از آنکه توجه و تأکید یک جانبه بر تغییرات ساختار اقتصادی و تولیدی در دیدگاههای مربوط به توسعه با تجدیدنظری‌هایی مواجه شد و توسعه به عنوان روندی جامع و فراگیر که همه نهادهای اجتماعی را دربر می‌گیرد و متأثر از روابط متقابل ساختی - کارکردی آنها است، تلقی شد، بررسیهای مربوط به توسعه اجتماعی - فرهنگی نیز با تأخیر اندکی نسبت به مطالعات توسعه اقتصادی دنبال شده است.

بررسیهای مربوط به توسعه اصولاً با معضلات نظری و دشواریهای علمی مواجه بوده و هست. این معضلات و دشواریها بطور عمده ناشی از چند جنبه بودن مسأله، نامشخص بودن و عدم دقت حدود و تعاریف است؛ لیکن بحث در مورد توسعه اقتصادی بمراتب آسانتر از توسعه فرهنگی - اجتماعی است؛ زیرا شاخص‌ها، معیارها و ضوابطش آسانتر، کمیته‌پذیر و قابل حصولند. بنابراین امکان نیل به توافق در مورد اصول و احکام توسعه اجتماعی، دشوارتر و عرصه برخورد آراء و نظریات، گسترده‌تر است.

مطالعات و بررسیهای مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی را از دو جنبه می‌توان متمایز نمود. این دو جنبه که در واقع مرتبط با یکدیگرند، یکی رابطه سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی جوامع، با استقرار نظام اجتماعی دموکراتیک در آنها و دیگری تأثیر روند و میزان توسعه جوامع، بر میزان میل به مشارکت در افراد آن جوامع می‌باشد.

بسیاری از صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان بر این باورند که استقرار نظام دموکراتیک در جامعه‌ای که فاقد اقتصادی پیشرفته باشد امری دشوار و حتی محال است. به عقیده و بر، دموکراسی در بازرترین شکل خود فقط می‌تواند در جوامع صنعتی سرمایه‌داری مستقر شود. "ویرامانتری"، برابری و آزادی را محتاج مبنای ایمنی می‌داند و این مبنای نظر

او اقتصادی است. "گونامیردال" در بحثی در مورد دلایل فقدان موفقیت دموکراسی در کشورهای آسیای جنوبی می‌نویسد: «تاریخ نمونه‌ای از یک کشور بسیار توسعه نیافته، نشان نمی‌دهد که موفق به ایجاد حکومت دموکراسی پایدار و کارآمد و مبتنی بر آراء عمومی شده باشد ... دموکراسی کامل با اتکاء به آراء عمومی، هنگامی با توفیق همراه شده که توسعه اقتصادی به مرحله پیشرفته‌ای رسیده باشد و سطح زندگی، به‌طور نسبی بالا رفته و عده باسوادان افزایش یافته و همه توانسته‌اند تاحدی مناسب از فرصتهای مساوی بهره جویند.»

توسعه اجتماعی و اقتصادی و صنعتی شدن علاوه بر آنکه با ایجاد مکانیسمها و ساختهای در جامعه، منجر به افزایش روحیه «مشارکت جویی» در افراد می‌شود، مازاد اقتصادی را زیاد نموده، در نتیجه می‌توان با استفاده از این مازاد، راههای مسالمت‌آمیزی برای حل تضادهای اجتماعی را دنبال کرد و به‌این ترتیب موقعیت استقرار و دوام نظام دموکراتیک را تضمین نمود. از طرف دیگر، اگر توزیع نسبتاً برابر منابع اجتماعی، یکی از شرایط برقراری دموکراسی باشد، این وضعیت در جامعه‌ای که دارای سطح بالاتری از توسعه اقتصادی - اجتماعی است، بیشتر امکان‌پذیر

است. صرف‌نظر از بعضی موارد استثنایی، نابرابری توزیع منابع اجتماعی در کشورهای وابسته به زمین، بسیار زیاد و در کشورهای صنعتی، بطور نسبی کمتر است.

بررسیهایی که صورت گرفته مؤید این است که بین سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورها و بروز سیاستهای رقابتی، بویژه بوجود آمدن نظام‌های دموکراتیک و پلی‌آرشی، رابطه محکمی وجود دارد. براساس مطالعه‌ای که "روستو" در مورد ۱۰۷ کشور جهان صورت داده، در مرحله اول از مراحل پنج گانه توسعه در مدل او که مرحله سنتی ابتدایی است، تولید ناخالص ملی سرانه در پایین‌ترین حد قرار دارد و هیچ پلی‌آرشی دیده نمی‌شود و در مرحله پنجم یعنی مرحله «مصرف انبوه» که تولید ناخالص ملی در بیشترین حد است، هر کشور به صورت یک پلی‌آرشی (دموکراسی) درآمده است (جدول شماره ۱).

در مطالعه دیگری، «بانکز» و «تکستور»، ۱۱۵ کشور مورد مطالعه خود را برحسب نظام‌های انتخاباتی آنها به سه دسته: رقابتی، تاحدی رقابتی و غیررقابتی تقسیم می‌کنند. مقایسه کشورهای که دارای نظام انتخاباتی رقابتی هستند، با آنهایی که نظام انتخاباتی غیررقابتی است نشان می‌دهد که ویژگیهای

نظام‌های نوع اول عبارتند از: تولید ناخالص ملی بالا، شهرنشینی وسیع، اشتغال کشاورزی ناچیز، میزان بالای باسوادان، انتشار فراوان روزنامه‌ها و بسیاری شاخصهای دیگر که همه معرف نوسازی و توسعه هستند (جدول شماره ۲).

رابرت دال، براساس شواهدی که ارائه می‌نماید، رابطه سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی و استقرار نظام سیاسی دموکراتیک یا پلی‌آرشی را این چنین جمع‌بندی می‌کند: «اگر تولید ناخالص ملی سرانه حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ دلار و پایین‌تر از آن باشد، موقعیتهای سیاسی رقابتی، به قدری پایین خواهد بود که دیگر نوسانات تولید ناخالص ملی سرانه، واجد اهمیتی نخواهد شد.»

همبستگی بین سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و استقرار نظام دموکراتیک، متضمن قبول رابطه سطح توسعه، و میزان مشارکت اجتماعی نیز می‌باشد. اصولاً هرچه روند توسعه گسترش یابد و شاخصهای مربوط به آن افزایش یابد، روحیه و زمینه مشارکت افراد در امور جامعه افزایش می‌یابد. در جامعه سنتی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی، مشارکت اجتماعی، محدود به اشرافیت زمین‌دار و گروه کوچک دیوان سالاران دولتی و لشکری است. با آغاز جریان صنعتی شدن و افزایش

### جدول شماره ۱ - وضعیت ۳۲ پلی‌آرشی (دموکراسی) از لحاظ سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی

جوامع	جمع کل تعداد	تولید سرانه ملی			پلی‌آرشی‌ها درصد	درصد کل
		نوسان	میانگین	جمع		
«سنتی ابتدایی»	۱۱	۴۵ - ۶۴ دلار	۵۶ دلار	۰	۰٪	
«تمدنهای سنتی»	۱۵	۷۰ - ۱۰۵	۸۷	۱	۶/۷	
«انتقالی»	۳۱	۱۰۸ - ۲۳۹	۱۷۳	۳	۹/۷	
«انقلاب صنعتی»	۳۶	۲۶۲ - ۷۹۴	۴۴۵	۱۴	۲۵/۶	
«مصرف انبوهی»	۱۴	۸۳۶ - ۲۵۷۷	۱۳۳۰	۱۴	۱۰۰	
	۱۰۷			۳۲	٪۱۰۰	

دال، رابرت: تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ص ۱۳۶، ۱۱۴  
مأخذ:

شهرنشینی و رونق تجارت و گسترش ارتباطات، طبقه متوسط شهری و بورژوازی، صاحب نفوذ و منافع سیاسی شده و خواهان مشارکت در قدرت سیاسی می‌شود. ادامه روند توسعه، مردم عادی و توده‌های کشاورز و کارگر را نیز به مجموعه افراد خواهان نقش و سهم در اداره امور و مسایل جامعه، وارد می‌کند. روند فوق در کشورهای اروپایی طی شده و در کشورهای جهان سوم که در معرض توسعه و نوسازی قرار گرفته‌اند با تفاوتهایی دنبال می‌شود. در حال حاضر، در اکثر کشورهای جهان سوم، مشارکت اجتماعی اندک است و فقدان نهضت‌های مردمی متشکل و گسترده خواهان مشارکت، باعث توفیق رژیم‌های استبدادی و نظامی گردیده است. ولی می‌توان انتظار داشت که گسترش روند توسعه، منجر به گسترش شرکت مردم در امور جامعه شود.

معمولاً توسعه جوامع، با افزایش نقش توده‌ها در اداره امور جامعه همراه است و گروه‌های بیشتری از مردم را در معرض برنامه‌های حکومت قرار داده، از آنها متأثر می‌کند. بنابراین با گسترش آن دسته از فعالیتهای حکومت، که بر زندگی توده کثیری از مردم اثر می‌گذارد، مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، نامتعادل بودن

نوسازی، عامل دیگری است که ممکن است شرکت در امور اجتماعی را تسریع نماید. صرف‌نظر از اینکه حکومت تا چه حد خود را به تساوی توسعه نواحی و اقوام، پایبند کرده باشد، اختلاف ضریبهای رشد طبقات و مناطق، همواره یکی از محرکهای اعتراضات مردم بوده است. همینطور در جوامعی که دارای نهادهای دینی ریشه‌دار و سازمان یافته‌ای هستند، معمولاً در جریان توسعه و نوسازی، حکومتها بدون توجه به ارزشها و سمبلهای دینی عمل کرده و بدین ترتیب مخالف آنها را برمی‌انگیزند. این امر موجب می‌شود نهادهای دینی، بخشهای وسیعی از مردم را برای اقدامات سیاسی تجهیز نموده و در مخالفت با برنامه‌های حکومت، وارد صحنه سیاسی جامعه نمایند. عامل دیگری که موجب می‌شود مردم بیشتر از اهمیت مشارکت آگاه شوند رشد ارتباطات جمعی است. قرابین بسیاری حکایت از این دارد که ترویج، آموزش و پرورش، حمل و نقل بیشتر و ارتباط زیادتر میان مراکز شهری و روستایی و رواج رادیو و روزنامه، مردم را نسبت به اثراتی که مشارکت اجتماعی بر سرنوشت فرد دارد آگاهتر می‌سازد. با نوسازی جامعه، تعداد کسانی که احساس می‌کنند دارای حق مداخله در امور جامعه هستند بیشتر می‌شود.

## ج - مشارکت، شرط اساسی توسعه روستایی

آرون تولن (A.Tolén, 1985) ضمن توجه به مشارکت، به عنوان شرط اساسی توسعه روستایی، متذکر می‌شود که در تمامی سطوح فعالیت، مشارکت امری حیاتی است. به نظر تولن، در تلاشهایی که برای نیل به آن انجام می‌گیرد، باید توجه عمده به نیازهای واقعی جامعه کشاورز معطوف شود. قدم بعدی، تعیین ترتیب و اولویت این نیازها از طریق مشاوره با جامعه روستاییان است.

در این فرآیند، باید طرز تفکر و نگرش روستائیان را به حساب آورد. هدف این است که راه را برای انقلاب اقتصادی و تکنولوژیک هموار کنیم. بنابراین آشکار است که چنین جریانانی به سرعت و به سهولت صورت نمی‌گیرد.

برای نیل به چنین هدفی، نیاز به برنامه‌ای است که هم انجمنهای روستایی، و هم کمک‌های دولت را در بر می‌گیرد و در آن، عمده افراد روستایی مسئولیت‌های خود را مستقیماً متقبل می‌شوند. به عبارت دیگر، گروه‌بندی افراد براساس واگذاری مسئولیت مشارکت‌آمیز، باید جای خود را به مبارزه برای آگاهی بدهد. هیچ تصمیمی نباید توسط افراد دیگر از بیرون اتخاذ شود. روستایی باید

## جدول شماره ۲- رقابت سیاسی و سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی (۷۳ کشور)

درصد از:	انتخابات رقابتی (۴۳ کشور)	انتخابات غیررقابتی (۴۰ کشور)
- شهرنشینی زیاد	۸۲	۳۶
- شاغلین در کشاورزی (۶۶٪ یا بیشتر)	۱۶	۶۹
- شاغلین در کشاورزی (۳۳٪ یا کمتر)	۵۱	۳
- تولید سرانه ملی ۳۰۰ دلار یا بیشتر	۷۶	۲۰
- تعداد باسوادان (۵۰٪ یا بیشتر)	۷۹	۴۸
- تیراژ هر ۱۰۰ نسخه روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر	۶۳	۲۹

احساس کند که حاکم بر سرنوشت خویش است و نه مستخدم برای خدمت به منافع دیگران. او باید در رابطه با فعالیت‌های عمده زندگی اجتماعی خویش دارای قدرت تصمیم‌گیری واقعی باشد، نه ابزار ساده‌ای برای انجام دستوراتی که دیگران صادر کرده‌اند و خود هیچ تأثیری بر آن ندارد. آنچه واقعاً مطرح است، پی‌ریزی برنامه توسعه‌ای است که به خود مردم متکی بوده و با مشارکت آنها ادامه می‌یابد. خواسته‌های روستائیان در همه جا کم و بیش یکی است. آنها می‌دانند که همه مردم یکسان زندگی نمی‌کنند. آنها نمی‌خواهند همانند شهریان باشند. آنچه که آنها می‌خواهند این است که از طریق تولید فزاینده و با کیفیت بهتر و کسب درآمد بیشتر، زندگی امروزشان بهتر از دیروز باشد. آنها مثل همه شهروندان جامعه می‌خواهند از مزایا و خدمات رفاهی برخوردار شوند. مزایایی که آنها را قادر می‌سازد تا تمامی نیروهای نهان خود را در اثر مشارکت دریابند و بالاتر از همه، حاکم بر سرنوشت خویش باشند. از این رو مشارکت و تعهد روستائیان شرط‌های لازم برای موفقیت مجامع روستایی است. این شرطها اگرچه لازم‌اند، اما به خودی خود کافی نیستند. بلکه باید مجموعه شرایط اقتصادی نیز برای به انجام رساندن اهداف آنها مساعد باشد.

## د - طرق و مکانیسم شرکت دادن مردم در امور مربوط به خودشان

مشارکت مردم برای توفیق در هر فعالیت اجتماعی، اهمیت اساسی دارد. هر طرحی که مردم در مراحل از آن مشارکت نداشته و یا از ابراز همکاری در انجام آن خودداری کنند، نمی‌تواند در نهایت کاملاً موفق باشد. از این رو مشارکت مردم را می‌توان به عنوان عامل اصلی در موفقیت طرحها دانست و از این لحاظ مردم باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و حس کنند که برنامه متعلق به خودشان است.

"گراول و تامبر" پیشنهاد می‌کنند که



مکانیسم و راه شرکت دادن مردم در امور مربوط به خودشان، آن است که نخست به آنان اجازه داده شود تا اقدام به تعیین هدفهای برنامه خود نمایند و آنگاه مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند فعالیتهای خودیارانه را سازماندهی کنند. اکثر مردم روستایی در اجرای برنامه‌هایی که خود تصمیم به انجام آن می‌گیرند مشتاقانه با مسئولین همکاری می‌کنند. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که اگر مردم روستایی اجازه تصمیم‌گیری در مورد واگذاری مسئولیتها را داشته باشند و در اجرای طرحهای مربوط به بهبود وضع روستاهای خود کمک شوند، از خود تحرکی نشان می‌دهند و حالت پویایی پیدا می‌کنند. (۷)

در آغاز کار در روستا ممکن است چنین به نظر آید که روستائیان بی‌تحرک‌اند و سازمانهای سنتی و قدیمی روستا کاربردی ندارند. چنین برداشتی شاید تا حدودی صحیح باشد ولی باید توجه داشت که چنین وضعیتی بخاطر آن است که مردم روستایی برای مدت زمان طولانی اجازه مشارکت در امور خود را نداشته و در برنامه‌هایی که برای

به رغم اینکه شواهدی دال بر مخاطره‌آمیز بودن مشارکت بالا برای دموکراسی ارائه شده، ولی بسیاری از دموکراسیهای نسبتاً باثبات، مثل استرالیا، نیوزلند، بریتانیا و کشورهای اسکاندیناوی، دارای میزان بالایی از مشارکت هستند.

بهبود وضع زندگی آنها طرح‌ریزی شده، فاقد فرصت اظهارنظر بوده‌اند. در چنین موقعیتی، برنامه‌های ترویجی با این هدف عمده طرح‌ریزی می‌شوند که با فراهم آوردن فرصتها بتوان بطور فعال و خودجوش، روستائیان را در امور مربوط به خودشان دخیل و وارد نمود. چنین باوری در ترویج بخاطر آن است که مردم روستایی در هر زمانی که متقاعد شوند، فعالیت‌های خودیارانه‌شان مورد حمایت و تقدیر از سوی دولت قرار می‌گیرد، از خود شایستگی نشان می‌دهند.





ویلیام هرمز (W.Hermes) پیشنهاد می‌کند که یک مرکز خدمات ترویجی در روستا باید سعی در جذب حداقل شماری از افراد در گروههای مشخص شده زیر بنماید:

- ۱ - دسته‌ای که در آغاز کار از طریق ابراز علاقمندی نسبت به فعالیتهای ترویجی، موجبات بقای سازمان را فراهم آورند.
- ۲ - افرادی که بدون درنگ، امکانات محلی را تجهیز نمایند.
- ۳ - عده‌ای که برای رسیدن به هدفهای فوری و برآورده شدن نیازهای محسوس و اولویت‌دار، اقدام به همکاری می‌کنند.
- ۴ - افرادی که از سطوح مختلف جامعه، باعث ایجاد و تقویت حس اعتماد و اطمینان در مردم می‌شوند.

بدیهی است که در انجام این مهم، باید به اقتضای موقعیت‌ها، از روشهای مختلف ترویجی استفاده نمود. ممکن است روشهای انتخابی، یکی از روش‌های انفرادی، گروهی،

انبوهی و یا ترکیبی از آنها باشد.

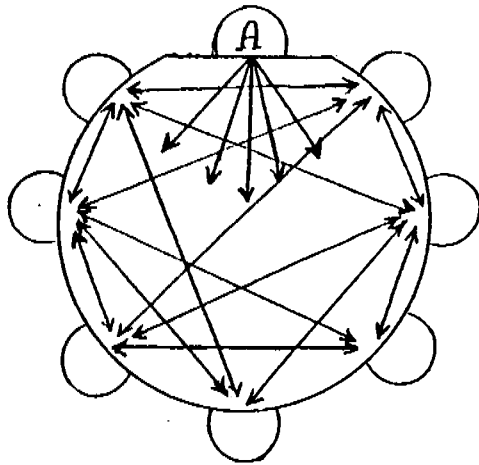
**ه - مشارکت و آموزش ترویج - استفاده از گروههای مشارکتی در آموزش ترویج**

ترویج که از آن بعنوان نوعی خدمات آموزشی خارج از چارچوب مدرسه و به گونه‌ای غیررسمی نام می‌برند، به‌طور عمده جهت تعلیم و ایجاد انگیزه در کشاورزان و پذیرش شیوه‌های پیشرفته مربوط به تولید، مدیریت، نگهداری و بازاریابی فرآورده‌های زراعی و دامی و نیز ایجاد تحول در طرز نگرش و وجهه نظرات روستاییان بوجود آمده است. از این‌رو ترویج، فرآیندی فرهنگی - آموزشی و اقتصادی است که جهت بالا بردن سطح درک و فهم و توان و تکنولوژی مردم روستا در تعمق نمودن نسبت به مسایل خویش و یافتن راه‌حلهایی برای از میان برداشتن آن مشکلات به‌کار می‌رود.

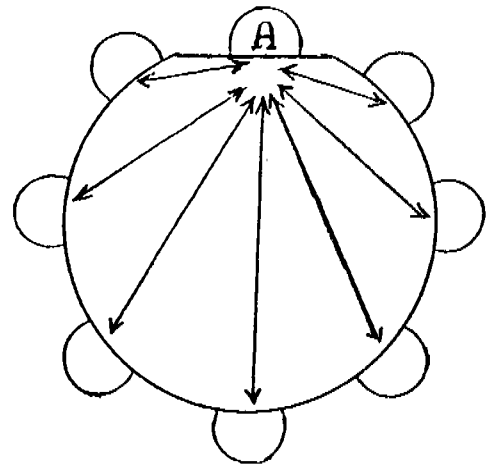
نقشها و وظایف ترویج، متعدد و

متنوع‌اند، با این وجود تشویق مردم به مشارکت فعال در امور جامعه و با هدف توسعه و عمران، از وظایف اساسی ترویج است. مردم در هر یک از مراحل حساس مربوط به فرآیند رشد، نیاز به همکاری و راهنمایی عامل تحول (مروج) دارند. درحقیقت مردم با شرکت فعال در جلسات بحث و تبادل نظر و با مشاهده و کسب تجربه، با امور ناآشنا، آشنا شده و بدین طریق ترس از عوامل ناشناخته را پشت سر می‌گذارند. ترویج در این زمینه و به خصوص به هنگامی که مردم بطور فعال در تمام مراحل مربوط به برنامه عمران اجتماعی شرکت می‌کنند، کارایی پیدا می‌کند.

دیگر وظایف و نقشهای ترویج عبارتند از: راهنمایی و آموزش مردم با هدف ایجاد تحول در سطح دانش، نگرش و مهارت روستاییان، ایجاد انگیزه در مردم، جهت تغییر و تحول و خودسازی، مردمی نمودن برنامه‌های عمران



۱ - هنگامی که رهبر گروه، کنشهای متقابل و در نتیجه مشارکت اعضا را برمی انگیزد. (وضعیت مطلوب)



۲ - هنگامی که رهبر گروه در گفت و شنوهای متوالی با اعضای گروه قرار می گیرد. (وضعیت نامطلوب)

### شکل شماره (۱): تعداد و کیفیت کنشهای متقابل در گروه

از آنها، که تا کنون ارتباط جدی با فعالیتهای ترویجی نداشته‌اند، تماس حاصل نماید. گروههای ترویجی، همچنین محیط یادگیری فکورانه‌ای را بوجود می‌آورند که در آن کشاورز می‌تواند گوش فرا دهد، بحث کند و تصمیم بگیرد که در برنامه‌های ترویجی شرکت جوید. حمایت گروهی، به کشاورز کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری کرده و فعالیتهایی را برای خود تعیین کند. از طرفی گروه، یک نوع فضای حمایت‌کننده‌ای را ایجاد می‌نماید که فرد کشاورز با پیوستن به دیگران (اعضا)، در بحث درباره نظرات نو و آزمایش شیوه‌های جدید، اعتماد به نفس بدست آورد. بالاخره شیوه گروهی، کشاورزانی را که بطور نسبی دارای مشکلات مشابهی هستند گرد هم می‌آورد و نتیجتاً برخورد با این مشکلات، نوعی فعالیت دسته‌جمعی را طلب می‌کند.

روشهای گروهی بطور مؤثر استفاده کرد، مطرح شده است. به عنوان مثال، «برنامه توسعه کشاورزان خرده پا» (SFDP) در جنوب شرقی آسیا، بر پایه روشهای گروهی استوار بوده و علاوه بر آن در امریکای لاتین، کار با گروههای ترویجی در برزیل و کلمبیا، به خوبی، مزایای تشکیل گروههای ترویجی و این را که چگونه این گروهها می‌توانند از فعالیتهای ترویجی، پشتیبانی به عمل آورند، نشان داده است.

پیتز اوکلی و کریستوفر گارفورث، مزایای روشهای گروهی ترویج را در سه بعد پوشش، محیط یادگیری و عمل دانسته‌اند. شیوه گروهی، امکان پوشش ترویجی وسیعی را فراهم می‌آورد و از این رو هزینه صرف شده، کارآیی بیشتری دارد. با استفاده از روش گروهی، مروج به کشاورزان بیشتری می‌رسد و از این طریق می‌تواند با عده زیادی

اجتماعی، بالا بردن توان تصمیم‌گیری مردم، بوجود آوردن تحولات با ثبات و پایدار در زندگی روستاییان، پرورش توان رهبری محلی، توسعه گروهها و سازمانهای روستایی و تقویت حس اعتماد به نفس در مردم. این نکته را همواره باید به خاطر داشت که رابطه مشارکت و ترویج، یک رابطه دو سویه است. به این گونه که: برنامه‌های ترویجی، به طور عمده، با هدف تشویق مردم به مشارکت فعال صورت می‌گیرند و به طریق اولی، مشارکت مردم در برنامه‌های آموزش ترویج، خود به پیشبرد اهداف برنامه‌های ترویجی، منجر می‌شود. امروزه در برنامه‌های آموزش ترویج، تأکید بسیاری از صاحب نظران، بر اهمیت و نقش روشهای گروهی ترویج است. استفاده از گروههای ترویجی طی دهه گذشته، عمومیت بیشتری یافته و درحقیقت، افکار جدیدی در مورد اینکه چگونه می‌توان از

# سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی

## بررسی سوابق و عملکرد مراکز خدمات کشاورزی

### قسمت چهارم

"سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی"، عنوان پروژه مطالعاتی هفتم از طرح یک است که از مجموعه پروژه‌های مطالعاتی ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران می‌باشد. این پروژه به بررسی نقش و عملکرد سازمانها و نهادهایی می‌پردازد که در امر توسعه روستایی دخالت دارند.

با توجه به مفصل بودن گزارش نهایی این پروژه تحقیقاتی، سعی گردیده تا در طی مجموعه مقالاتی که از محتوای این گزارش تلخیص می‌گردد، عموم علاقه‌مندان از نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه آگاه گردند. در قسمتهای قبلی این مقاله که در شماره‌های قبل به چاپ رسید، اقدامات و فعالیتهای جهاد سازندگی و جهاد دهستان مورد بررسی قرار گرفت. قسمت چهارم این نوشتار به بررسی "عملکرد مراکز خدمات کشاورزی" می‌پردازد.

لازم به ذکر است که مسئولیت انجام این طرح مطالعاتی (که در سال ۱۳۷۱ انجام گرفته است) بر عهده جناب آقای دکتر مصطفی ازکیا، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده است. ضمناً مقاله ذیل توسط آقای مهندس محمد‌هادی امیرانی تلخیص و تدوین گردیده است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ● مقدمه

قبل و بخصوص بعد از انقلاب، ارگانها و سازمانهای گوناگونی جهت توسعه کشاورزی و عمران روستایی تشکیل شده و در مناطق روستایی اقدام به فعالیت نمودند. گرچه بررسی میزان توفیق و یا ناکامی هر یک از آنها در متحقق ساختن اهداف و برنامه‌های مورد نظرشان از بحث خارج است، لیکن واقعیهایی موجود در آنچه از عملکرد چند ساله ارگانها و مراکز دست‌اندرکار اجرای توسعه روستایی مشاهده می‌شود، حاکی از این است که هر یک، به دلایلی، به برآورد رسیده‌اند؛ چنانکه نمی‌توان از الگوهای یادکرده که بتواند به تهابی رفع چنین نیازهایی و حل موانع و مضامات

### ● چگونگی شکل‌گیری و تفکرات اولیه

یکی از طبعی‌جهایی که برای توسعه روستایی پس از انقلاب اسلامی به مرحله اجرا درآمده است، الگوی مراکز خدمات است. با این حال گفتمنی است که طرح چنین الگوئی، ابتدا به ساکن صورت نگرفته است، بلکه مدتها قبل نیز در برنامه‌های توسعه روستایی رژیم گذشته از اجرای الگوهای کم و بیش مشابه و از تشکیل چنین مراکزی سخن به میان آمده بود. در این راستا، اولین سندی که در آن نوعی از مراکز خدماتی به صورت خدمات‌رسانی در زمینه‌های مختلف (به‌شماره) آمده (شماره) کشاورزی و ...

روستا و توسعه روستایی را در خود داشته باشد. هر یک از الگوها و برنامه‌های به کار گرفته شده، دچار نارساییهای خاصی بوده و هستند.

بنابراین، آنچه که باید در برنامه‌ریزی و تدوین الگوی صحیح و مناسب توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد، کنکاش و جستجوی ریشه ناکامی الگوهای پیشین است.

گزارشی که در زیر می‌آید، به منظور بررسی اهداف، عملکرد و نارساییهای یکی از ارگانهای اجرایی توسعه روستایی یعنی "مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری" تهیه شده است.



روستاها ارائه شده است، به سال ۱۳۵۱ برمی‌گردد. این سند گزارشی است که مهندسین مشاور ست کوپ با همکاری مهندسین مشاور پارتیا در باب توسعه استان خراسان تهیه کرده‌اند که شامل ۲۴ جلد است. در جلد سوم از این سری گزارشها با توجه به اوضاع اقتصادی، جغرافیایی، کشاورزی، اجتماعی و جمعیتی استان، با عنوان "عمرانی که پیشنهاد می‌شود" از نوعی مراکز درجه ۲ یا ۳ یاد می‌کند که هر یک از این مراکز دارای ویژگی و شعاع عملکرد خاصی برای خدمات رسانی به روستاهای منطقه هستند.

این الگو که در بسیاری جهات با طرح مراکز خدمات عمرانی در هند شباهت دارد، بعدها توسط بسیاری از برنامه‌ریزان مسائل توسعه روستایی و مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به ارائه طرحی در زمینه عمران روستایی انجامید که با عنوان "جامعه روستایی و خط مشی اجرایی آن" در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. این طرح برای اجرا در ۱۱ مورد نمونه‌ای، در مناطق مختلف ایران پیشنهاد شده است.

در همین سالها نیز مطالعاتی در هشت منطقه روستایی ایران، توسط مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با الهام از طرح مطالعاتی و عمرانی مهندسین مشاور ستیران صورت گرفت که اساس این مطالعات بر انتخاب دهستانهای نمونه در هر منطقه بود و در نهایت راه‌حلهای عمرانی و توسعه‌ای در چارچوب مناطق دهستانهای مطالعه شده نیز ارائه شد. بسته مسوالات طرح‌های عمرانی مذکور، کارشناسان و متخصصین امور کشاورزی، وزارت کشاورزی نیز به منظور رفع دشواریها و مسائل کشاورزی مملکت، طرح‌هایی ارائه کردند. از میان این طرحها، طرحی است با عنوان "مراکز خدمات کشاورزی در صورت انحلال شرکتهای سهامی زراعی" که به سال ۱۳۵۷ توسط وزارت کشاورزی انتشار یافت است.

با توجه به مطالعات فوق، ملاحظه می‌شود

که الگوی مراکز خدمات در رژیم گذشته نیز مورد تأکید بوده است و در صورت بقای آن رژیم به صورت طرح ملی به اجرا درمی‌آمد. با این حال، بعد از انقلاب است که الگوی مراکز خدمات پذیرفته شده و در سراسر کشور به اجرا درآمده است.

پس از پیروزی انقلاب و با توجه به ناکامی سیاستهای اجرایی در بخش کشاورزی قبل از انقلاب، فکر ایجاد مراکز خدمات روستایی، به عنوان سیاست قاطع و مشخصی در جهت ترمیم خرابیها و سروسامان دادن به وضع تولیدات کشور مورد ملاحظه قرار گرفت.

در این راستا، وزارت کشاورزی و عمران روستایی گزارش توجیهی با عنوان "اهداف و سیاستهای برنامه تشکیل و فعالیتهای مراکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری" تهیه کرد و لایحه قانونی تشکیل این مراکز در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۳/۱۴ شورای انقلاب مورد تصویب قرار گرفت. براساس تبصره ۵ این لایحه، وزارت کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه موظف شدند آیین نامه اجرایی آن را به طور مشترک تهیه نمایند. آیین نامه اجرایی تهیه شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۳ از تصویب هیأت وزیران گذشت و طی آن، ابجد این مراکز به وزارت کشاورزی و عمران روستایی محول شد.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند تشکیل رسمی مراکز خدمات از این تاریخ (۱۳۶۰/۴/۳) به بعد شروع شده، لیکن قبل از این تاریخ نیز یک سری مراکز با همین عنوان تشکیل شده بود؛ با این تفاوت که به طور عمده تغییر نام یافته شرکتهای سهامی زراعی رژیم سابق بودند. در این رابطه، می‌توان از ۵ مورد مراکز خدمات فعلی دشت مغان یاد کرد که از انحلال و ادغام ۹ شرکت سهامی زراعی آن منطقه در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ تشکیل و کار خود را آغاز کرد.

در مورد شرکتها اولیه و بهترین زمینه تشکیل گیری مراکز خدمات، لازم به تذکر است

که این امر در رابطه با برخی از نظریه‌ها و تجربیات توسعه روستایی بین‌المللی مطابقت و هماهنگی داشته است.

## ● توزیع و پراکنش مراکز خدمات و روند تشکیل آن در سطح شهرستان و دهستان

قبلاً گفته شد که ایجاد مراکز خدمات از تیرماه ۱۳۶۰ رسمیت قانونی یافت و قرار بر این شد که در راستای تقویت و توسعه کشاورزی طبق برنامه، یک سری مراکز خدماتی در دهستانها و همچنین شهرستانها تشکیل شود.

بر این اساس، برنامه زمانی تشکیل مراکز خدمات دهستان و شهرستان در سطح روستاهای کشور طبق جدول (۱) پیش بینی شد.

بر این اساس قرار شد که در کل کشور در حدود ۱۶۰۰ مرکز خدمات دهستان تشکیل شود و برنامه تشکیل آنها تا آخر سال ۱۳۶۵ خاتمه یابد و همینطور تشکیل مراکز خدمات شهرستان به تعداد حدوداً ۱۶۵ مرکز، تا آخر سال ۱۳۶۷ خاتمه یابد.

با این وجود در فاصله زمانی سال ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۶۴، تعداد ۱۲۸ مرکز خدمات شهرستان و ۶۷۷ مرکز خدمات دهستان در سطح کشور تشکیل شد. علاوه بر این در سال ۱۳۶۷ با ایجاد ۸ مرکز خدمات روستایی شهرستان و ۵۷ مرکز خدمات روستایی دهستان موافقت شد و تا سال ۱۳۶۸ تعداد ۱۳۶ مرکز خدمات شهرستان و تعداد ۷۲۸ مرکز خدمات دهستان در سطح کشور تأسیس شد.

سالهای ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ دوران رونق فعالیت و گسترش مراکز خدمات بود که در طی این دوران، میزان اعتبارات دولتی این استان را به وجود آورد که این مراکز بتوانند پروژه‌های متعددی در زیربخشهای مختلف کشاورزی را به اجرا درآورند. ولی از سال ۱۳۶۴ به بعد فعالیت مراکز خدمات روندی

رکودی داشته است.

## ● مکانیزم برنامه‌ریزی و طراحی امور کشاورزی

بر اساس آیین نامه مراکز خدماتی در هر مرکز دهستان، یک واحد اجرایی و برنامه‌ریزی مستقل وجود دارد که با تفکر و مشارکت و حضور مستمر مردم (اعضای شوراها) و نمایندگان دولت ترکیب می‌یابد.

به عبارت دیگر، روند و چگونگی برنامه‌ریزی در واحد دهستان چنین است که ابتدا تقاضای کشاورزان به شورای اسلامی ده و سپس شورای اسلامی دهستان ارائه می‌شود که موضوع درخواستی در این شوراها از نظر ضرورت، اولویت، هماهنگی با بافت مجموعه و واکنشهای اقتصادی و اجتماعی تحت بررسی قرار گرفته و سپس در مرکز خدمات روستایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و پس از آن به صورت طرح عمرانی و پروژه اجرایی تهیه و تنظیم می‌شود.

به طور کلی، مراحل طرح عمرانی تا مرحله اجرا و بهره‌برداری به قرار زیر است:

۱) **مرحله تهیه طرح:** بر اساس آیین‌نامه مراکز خدمات، پس از آنکه نیاز به صورت "تقاضا" در شورای اسلامی ده و دهستان مورد بررسی قرار گرفت، به مرکز خدمات دهستان ارائه و تهیه طرح آغاز می‌شود. در این مرحله، پس از انجام مطالعات و بررسیهای فنی، اقتصادی، اجتماعی و اجرایی طرح عمرانی تهیه و سپس با انجام محاسبات و برآورد مقادیر کار و مشخصات اجرایی و نقشه‌های لازم، پروژه‌های اجرایی نیز تنظیم می‌شود.

۲) **مرحله تصویب طرح:** سپس طرح تهیه شده به مرکز خدمات شهرستان ارسال می‌شود و در آنجا مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تطبیق با سیاستهای کلی کشاورزی به ستاد مراکز خدمات استان ارجاع و سپس جهت تصویب به وزارت کشاورزی و وزارت برنامه و بودجه، ارسال می‌شود. طرح عمرانی ارسالی پس از تصویب در وزارت کشاورزی و

وزارت برنامه و بودجه (سازمان برنامه و بودجه) به مرکز خدمات شهرستان ارجاع می‌شود.

۳) **مرحله اجرای طرح:** این مرحله شامل پیاده کردن نقشه، تهیه مصالح و لوازم و تجهیزات، تأمین نیروی انسانی، تدارک ماشین‌آلات، تأسیس سرمایه و اعتبار لازم و بالاخره مدیریت است.

۴) **مرحله نظارت فیزیکی:** در این مرحله، بر پیشرفت فیزیکی پروژه نظارت به عمل می‌آید و به محض بروز آثار و علائم توقف یا رکود، موضوع به طور جدی تحت بررسی قرار گرفته تا رفع اشکال شود.

۵) **مرحله نظارت فنی اجرای طرح:** در این مرحله، نسبت به کیفیت کار و تطابق عملیات با مشخصات و نقشه‌های اجرایی، نظارت به عمل می‌آید، به طوری که طرح و پروژه از کیفیت مطلوبی نیز برخوردار باشد. لیکن از آنجا که مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص در رشته‌های گوناگون مجهز نشده‌اند، طرحهای عمرانی و پروژه‌های اجرایی در مراکز خدمات شهرستان تهیه می‌شود.

## ● ویسژکیهای مدیریتی، اداری و نیروی انسانی در مراکز خدمات روستایی

در باب مدیریت و اداره مراکز خدمات باید گفت به رغم تلاشهایی که مراکز خدمات روستایی در جهت کوتاه ساختن جریان خدمات رسانی به روستاها به عمل آورده‌اند، چون که این مراکز از اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری کافی برخوردار نیستند، لذا امر خدمات رسانی به روستاها نیز نتوانسته است از عوارض و پیامدهای ناشی از بوروکراسی و تشریفات اداری دور بماند.

مراکز خدمات روستایی که مهمترین علت استقرار آن در سطح دهستان، تحقق طرح عدم تمرکز قدرت و حذف کنترل ادارات مرکزی برای توزیع امکانات و منابع خدماتی و در

نهایت تفویض اختیارات و حق تصمیم‌گیری در رده‌های پایین‌تر بوده است، فاقد اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری است و در مقابل وظایف و مسئولیتهای محوله از اختیار کافی برخوردار نیستند.

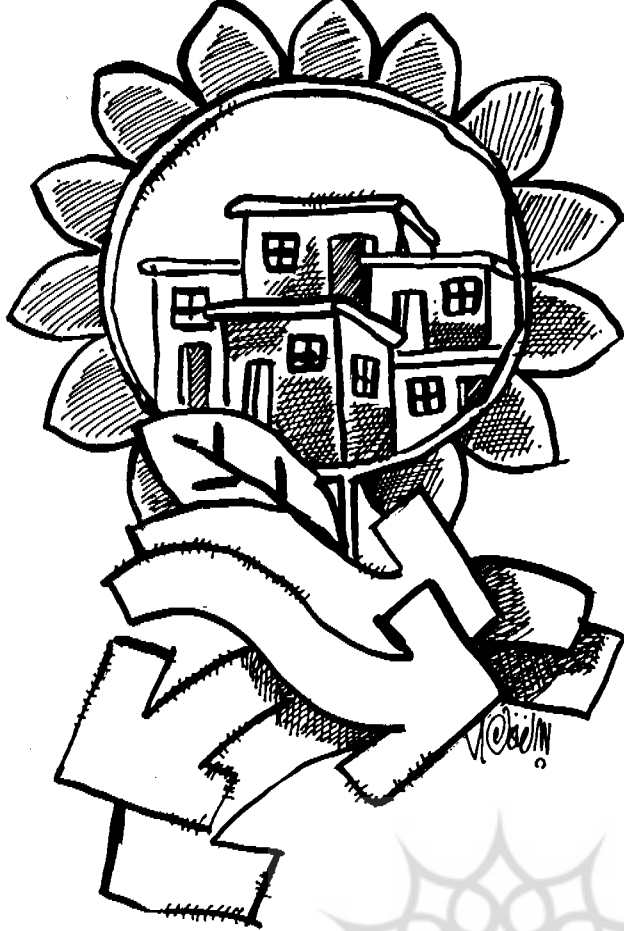
تمرکز اختیارات در وزارت کشاورزی قدرت تصمیم‌گیری را در مراکز خدمات روستایی کاهش داده است. برنامه‌ها و دستورالعملها و روشهای کار بر اساس تجارب و اطلاعات محدود و غیرکافی عده‌ای در وزارت کشاورزی تنظیم شده و آنچه که از وزارتخانه ابلاغ می‌شود، فرصتی برای بروز ابتکارات و خلاقیت مسئولین مراکز خدمات باقی نگذاشته و امکان تصمیم‌گیری به موقع و انجام کار در زمان لازم را از آنها سلب نموده است.

طرحهای عمرانی که براساس نیازهای موجود در دهستان تهیه و جهت تصویب به رده‌های بالاتر ارسال می‌شود، در مواردی به رغم تصمیم‌گیریهای انجام شده در سطح دهستان در وزارت کشاورزی تصویب نشده و یا تغییر می‌یابد. همچنین مسیر طولانی رفت و برگشت طرحهای عمرانی و ابلاغ نکردن به موقع اعتبار طرحهای تصویب شده، امکان تصمیم‌گیری به موقع را از مراکز خدمات دهستان سلب کرده است.

در طرح اصلی تشکیل مراکز خدمات روستایی آمده است که:

"کارکنان مراکز خدمات روستایی از میان افراد مستعد، مسئول و متخصص واجد شرایط، ترجیحاً بومی و داوطلب ... انتخاب و در این مراکز مستقر می‌شوند؛ تا با زندگی در روستاها آشنا بوده و مسائل و مشکلات آنها را از نزدیک لمس نموده و به عرضه خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فنی اقدام نمایند."

از سوی دیگر، بر اساس آنچه که آیین نامه مربوطه پیش بینی شده بود، حداقل نیروی انسانی مورد نیاز برای تجهیز اولیه هر مرکز خدمات دهستان، عبارت است از: تکنسین یا



کارشناس در یکی از رشته‌های زراعت، باغبانی، دامپروری، دامپزشکی، جنگل و مرتع، ماشین‌آلات کشاورزی، گیاه پزشکی و همچنین تکنسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های خدمات زیربنایی و تأسیسات و سایر رشته‌های متناسب و مرتبط با شرایط و نیازهای منطقه.

اما مطالعات انجام شده در مناطق مختلف کشور حاکی از آن است که مراکز خدمات دهستان به حداقل نیروی انسانی مورد نیاز مجهز نشده‌اند. در ضمن نیروی انسانی موجود از نقطه نظرهای کمی و کیفی، متناسب با شرایط منطقه‌ای توزیع نشده و بین قلمرو فعالیت و میزان محرومیت با کمیت و کیفیت نیروی انسانی موجود در مراکز خدمات رابطه منطقی وجود ندارد.

از نقطه نظر کیفی نیز نیروی انسانی موجود، متناسب با شرایط منطقه‌ای توزیع نشده و نیروی انسانی متخصص اکثراً جذب مناطق پیشرفته شده‌اند. در این خصوص می‌توان به جذب تعداد زیادی کارشناس در مناطق شمالی کشور اشاره نمود.

از سوی دیگر، گرچه در طرح اصلی توصیه شده که حتی المقدور نیروی انسانی مراکز خدمات دهستان بومی بوده تا قادر به سکونت در مراکز دهستان باشند و از این طریق، بتوانند به عمق مسائل و مشکلات روستایی پی برده و چاره جویی نمایند، ولی مطالعات انجام شده در مناطق مختلف کشور حاکی از آن است که اکثر نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات دهستانها بومی نبوده و به دلیل فراهم نبودن امکانات رفاهی در مراکز دهستانها و پایین بودن سطح حقوق نسبت به سایر بخشها، بیشتر خارج از محدوده دهستان سکونت دارند. به عنوان مثال ۹۰ درصد نیروی انسانی مراکز خدمات روستایی شهرستان جیرفت، غیربومی و خارج از قلمرو دهستان زندگی می‌کنند و در شهرستان بابل نیز ۵۰ درصد نیروی انسانی شاغل در مراکز

خدمات دهستان در مراکز شهرستانها سکونت دارند.

### ● اثرات و فعالیتهای مراکز خدمات در امور کشاورزی

قبلاً گفته شد که هدف از تشکیل مراکز خدمات روستایی، فراهم آوردن زمینه بهبود و توسعه کشاورزی و حفظ منابع طبیعی به صورت جامع در درون نظامهای بهره‌برداری منطقه مورد عمل می‌باشد.

مهمترین وظایف و اهداف این مراکز عبارت‌اند از: توسعه فعالیتهای کشاورزی از طریق ارائه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی و ...، تهیه و تجهیز و توزیع لوازم و وسایل و نهاده‌های کشاورزی و دامی و ارائه تسهیلات و خدمات بازرگانی. در این بخش از مقاله به صورت بسیار فشرده و اجمالی، اقدامات و فعالیتهای انجام شده توسط مراکز خدمات در زیربخشهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. شرح مبسوط این فعالیتهای با استناد به حاصل مطالعات و ارزشیابیهای

انجام شده توسط وزارت کشاورزی در مناطق مختلف کشور در گزارش نهایی پروژه "ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران" آمده است.

### الف) زیربخش آب و خاک

شناسایی دقیق عوامل تولید نظیر آب و خاک و استفاده اصولی و علمی از این عوامل با توجه به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق روستایی از اهداف کاری مراکز خدمات می‌باشد. در این راستا، فعالیتهای و اقداماتی به مرحله اجرا درآمده است که به شرح زیر می‌باشد:

- احداث شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی، دیواره‌های ساحلی، سیل‌بندها، سیل‌برگردانها و سد‌های خاکی.
- تعمیر و لایروبی و احیاء قنوات، آب‌بندان، استخرهای ذخیره و چشمه‌ها.
- احداث ایستگاههای پمپاژ، تأسیسات آبرسانی، حفر چاه، کانالهای آبرسانی و غیره.
- مرمت و اصلاح شبکه‌های سنتی و مدرن آبیاری و آبرسانی.

● ترانس بندی، کشت نباتات علوفه‌ای و بوته‌های مرتعی برای جلوگیری از فرسایش خاک.

● اصلاح اراضی از طریق شبکه‌های زهکشی.

علیرغم اجرای پروژه‌های وسیعی از این نوع در مناطق مختلف کشور، باید یادآور شد که اولاً، پروژه‌های اجرا شده بیشتر موردی و مقطعی بوده و برای حل نیازهای فوری دهات محروم در قلمرو مراکز خدمات تدارک دیده شده است، ولی ویژگی‌های طرحهای جامع آب و خاک را ندارد. زیرا این گونه طرحها فراتر از قلمرو سیاسی تقسیمات کشوری عمل کرده و یک حوزه آبریز را در برمی‌گیرد. ثانیاً، اجرای برخی از پروژه‌های فوق‌الذکر در سطح بسیار محدود از اراضی کشور انجام گرفته است.

#### ب) زیربخش زراعت

اهداف مراکز خدمات کشاورزی در زیربخش زراعت عبارت می‌باشند از:

● افزایش بازده محصولات در واحد سطح و افزایش سطح زیر کشت.

● تأمین علوفه و مواد اولیه خوراک دام و تأمین مواد خام کشاورزی مورد نیاز بخش صنعت.

● تقویت نظامهای بهره‌برداری، متناسب با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

● آشنا کردن کشاورزان با شیوه‌های نوین کشاورزی.

● حفظ محصولات کشاورزی از آفات و بیماریها.

● کاربرد اصولی کودهای شیمیایی و احداث انبار جهت ذخیره سازی و توزیع کود در مناطق روستایی.

برای رسیدن به اهداف مراکز خدمات کشاورزی که در بالا گفته شد، باید فعالیت و اقداماتی انجام گیرد. این اقدامات عبارتند از:

● راهنمایی کشاورزان در زمینه‌های آماده سازی زمین، آیش گذاری، آبیاری صحیح، ذخیره سازی رطوبت در زمین، شخم،

سمپاشی و غیره.

● ایجاد مزارع نمونه آزمایشی.

● آموزش کشاورزان برای بذرگیری از واریته‌های اصلاح شده محصولات زراعی.

● بازدید از مزارع و باغات و ارائه آموزش و راهنمایی کشاورزان در به کارگیری روشهای نوین کشاورزی.

● وارد کردن کشت برخی از محصولات نظیر سیب‌زمینی، پیاز، ذرت علوفه‌ای و یونجه در تناوب زراعی برخی از مناطق روستایی.

● راهنمایی و آموزش کشاورزان در به کارگیری اصولی از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی.

● آموزش کشاورزان در زمینه‌های دفع آفات و بیماریهای گیاهی، هرس، مبارزه با علفهای هرز، ضدعفونی کردن بذور و غیره.

در یک نتیجه‌گیری کلی از فعالیتهای انجام شده در بخش زراعت، می‌توان گفت که موارد انجام شده بیشتر جنبه موردی و حاشیه‌ای داشته و تأثیر آن در دگرگون سازی بخش زراعت مناطق مورد مطالعه ناچیز و اندک بوده است.

ج) زیربخش دام و طیور

اهداف مراکز خدمات روستایی در زیربخش دام و طیور، تهیه و اجرای طرحهایی مؤثر است تا بتواند کشور را در دراز مدت از واردات گوشت قرمز بی‌نیاز سازد. وظایف و مسئولیتهای مراکز خدمات روستایی در زیربخش دام و طیور به شرح زیر بوده است:

● ایجاد و تجهیز کلینیکهای دامپزشکی و پستهای ثابت و سیار دامپزشکی جهت مبارزه و کنترل بیماریهای دام و طیور.

● بهبود شرایط زیست دام و طیور از هر جهت.

● تهیه و اجرای پروژه‌های اصلاح نژاد دام و طیور

● اجرای طرحهای منطقه‌ای بهبود نژادهای محلی و تکثیر نژادهای بومی.

● ایجاد سیلوه‌های ذخیره علوفه و خوراک دام

و تهیه و تأمین و توزیع نهاده‌های مربوط به فعالیت‌های دامداری، پرورش طیور و زنبورداری.

از مهمترین اقداماتی که در زیربخش دام و طیور تا قبل از سال ۱۳۶۹ توسط مراکز خدمات روستایی انجام گرفته، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- تأمین آب بهداشتی شرب دامها.

۲- واکسیناسیون احشام و احداث حمامهای ضدکنه و ضدعفونی دام.

۳- تلاش در جهت ریشه‌کن ساختن بیماریهای مشترک انسان و دام.

۴- آموزش روستاییان در زمینه‌های شناخت بیماریها، تزریقات دام، سمپاشی اصطبلها، روش مصرف داروهای مختلف دام و ایجاد سیلوه‌های ذخیره علوفه.

۵- تأمین علوفه زمستانه مورد نیاز دامداران

۶- تشویق دامداران به تکثیر دامهای اصلاح شده.

#### د) زیربخش مکانیزاسیون

از اهداف مراکز خدمات کشاورزی در مورد مکانیزاسیون، کمک به تهیه، تأمین و عرضه ماشین‌آلات و ادوات مورد نیاز یا توجه به عرضه و تقاضای نیروی انسانی و لزوم کاربرد مکانیزاسیون در منطقه، همراه با فراهم ساختن امکانات تعمیر و تکنسنین ماشین‌آلات و برآورد تعداد و انواع ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز منطقه با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و خاک و سایر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فنی منطقه است.

مهمترین اقدامات مراکز خدمات کشاورزی در زیربخش مکانیزاسیون عبارتند از:

● معرفی ماشینهای مناسب برای منطقه، توزیع عادلانه ماشینها و قطعات یدکی آنها و آموزش کشاورزان در جهت کاربرد بهتر ماشین‌آلات.

● انتقال تکنولوژی مکانیزاسیون از طریق اعمال سیاست و نگهداری ماشینها و ابزار و

ادوات کشاورزی به استفاده کنندگان با استعدادتر و نیازمندتر.

#### ه) زیربخش جنگل و مرتع

قبل از تصویب و اجرای "قانون تفکیک وظایف"، مراکز خدمات روستایی اقداماتی را در جهت اصلاح، احیا و توسعه مراتع و جنگلها در مناطق روستایی انجام داده که مهمترین آنها عبارتند از:

- ایجاد نهالستانهای تولید بذر و تهیه و توزیع درختان جنگلی.
- ترویج نحوه بهره‌برداری صحیح از مراتع.
- تهیه و توزیع بذر نباتات مرتعی.
- تبدیل دیمزارهای کم‌بازده به مرتع.

#### و) زیربخش شیلات و آبیاری

در این زیربخش اقدامات قابل ملاحظه‌ای از سوی مراکز خدمات به عمل نیامده و صرفاً در چند منطقه به طور بسیار محدود، خدماتی از قبیل توزیع بچه‌ماهی و تأمین نهاده‌های مورد نیاز و غذای مکمل ماهی انجام گرفته است.

#### ز) زیربخش تعاون و بازرگانی

طبق آیین نامه اجرایی مراکز خدمات، شرکتهای تعاونی روستایی و بانک کشاورزی به مثابه بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات محسوب شده‌اند. ولی نتایج مطالعات انجام شده در مناطق مختلف حاکی از آن است که همکاری میان شرکتهای تعاونی و مراکز خدمات فقط در زمینه توزیع نهاده‌های کشاورزی است و در زمینه‌های نظارت در توزیع و نحوه مصرف نهاده‌ها، اقدامات بسیار کمی از سوی مراکز خدمات صورت می‌گیرد. در زمینه خرید محصولات کشاورزی توسط شرکتهای تعاونی، باید گفت که به جز محصولات مشخصی نظیر گندم و برنج، تعاونیها نقش چندانی در بازاریابی و خرید محصول ندارند و با توجه به فقدان کارایی بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات،

واسطه‌ها، دلالها و سلف‌خرها از گروههای صاحب نفوذ اقتصادی در مناطق مختلف به شمار می‌روند که در زمینه اعطای وام، سلف‌خری و خرید نهایی محصولات روستاییان نقش فعالی دارند.

#### نقش مراکز خدمات کشاورزی در زمینه ترویج و آموزش کشاورزی و ارائه نوآوریهای کشاورزی

تشکیل مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری در مراکز تولید روستایی و تأمین نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان، نمی‌تواند مسائل، مشکلات و نیازهای آنها را به تنهایی حل و رفع نماید؛ بلکه توسعه کشاورزی زمانی تحقق می‌یابد که همراه با اقدامات فوق به امر "آموزش روستاییان" نیز توجه کافی گردد. لذا یکی از اهداف مراکز خدمات، ارائه و اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف می‌باشد تا از این طریق دانش و مهارت حرفه‌ای روستاییان را ارتقاء بخشد. برنامه‌های آموزشی در مراکز خدمات کشاورزی در سه عرصه ذیل مورد توجه می‌باشد:

الف) آموزش کارکنان مراکز خدمات (اعم از نیروهای فنی و اداری)  
ب) آموزش مهارتهای فنی و حرفه‌ای روستاییان  
ج) آموزش روستاییان و عشایر در زمینه مسائل و مشکلات کشاورزی تا از این طریق بتوانند:  
اولاً، نیازهای خود را تشخیص دهند.  
ثانیاً، با اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر و مناسب، دانش و بینش آنها افزایش یابد و در نتیجه، اجرای برنامه‌های کشاورزی و دامی عملی شود.

در یک نتیجه‌گیری کلی در زمینه آموزش روستاییان در مراکز خدمات کشاورزی، می‌توان گفت که این فعالیتها و برنامه‌ها روند خاصی را دنبال نمی‌کند. تنها زمینه‌ای که تقریباً به طور مشترک در کلیه مراکز دنبال

شناسایی دقیق عوامل تولید نظیر آب و خاک و استفاده اصولی و علمی از این عوامل با توجه به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق روستایی از اهداف کاری مراکز خدمات می‌باشد.

از نقطه نظر کیفی، نیروی انسانی موجود، متناسب با شرایط منطقه‌ای، توزیع نشده‌اند و نیروی انسانی متخصص اکثراً جذب مناطق پیشرفته شده‌اند. در این خصوص می‌توان به جذب تعداد زیادی کارشناس در مناطق شمالی کشور اشاره کرد.

با توجه به فقدان کارایی بازوهای اعتباری و بازرگانی مراکز خدمات، واسطه‌ها، دلالها و سلف‌خرها از گروههای صاحب نفوذ اقتصادی در مناطق مختلف به شمار می‌روند که در زمینه اعطای وام، سلف‌خری و خرید نهایی محصولات روستاییان نقش فعالی دارند.



خدمات آمده است که به لحاظ ضرورت رعایت هماهنگی در ارائه خدمات به روستاییان و عشایر، وزارتخانه‌های نیرو، راه و ترابری، آموزش و پرورش، بهداشتی و بهزیستی و سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط دولتی مکلفند در مناطقی که این مراکز تشکیل می‌شود فعالیتها و برنامه‌های مربوط به روستاییان را با همکاری این مراکز برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا درآورند. با وجود این بند، امور مربوط به روستاییان و عشایر یکپارچه شده و از یک مجرا انجام می‌گرفت و مراکز خدمات تنها متولی روستاییان و عشایر کشور می‌شدند. اما تداخل وظایف برخی وزارتخانه‌ها (به طور عمده جهاد سازندگی و کشاورزی) و چندگانگی تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاستهای مختلف در امور کشاورزی و دامی موجب سرگردانی روستاییان، دوباره‌کاری و اتلاف منابع مالی و انسانی شده است.

۲) طبق ماده ۵۷ آیین نامه مراکز خدمات (یکپارچه سازی و تسریع در امر تخصیص و توزیع اعتبارات عمرانی) مرکز دهستان، شعبه یا نمایندگی بانک کشاورزی به عنوان تنها منبع تأمین و توزیع اعتبارات وامی و کمکهای بلاعوض دولتی برای امور کشاورزی، روستایی و عشایر است.

برای رسیدن به اهداف مورد نظر می‌بایست در کنار هر یک از مراکز خدمات دهستان، شعبه‌ای از بانک کشاورزی تأسیس می‌شد. لیکن واقعیتهای موجود نشان می‌دهد که در اکثر مراکز خدمات نه تنها از وجود شعبه بانک کشاورزی خبری نیست، بلکه یکپارچگی در توزیع اعتبارات نیز تحقق نیافته است.

۳) آیین نامه اجرایی در ماده ۱۳، مراکز خدمات دهستان را هسته برنامه‌ریزی، تحقیقی معرفی می‌کند که برنامه‌های لازم را براساس نیازها و اولویتهای تنظیمی شوراهای اسلامی خدمات ده و دهستان، تهیه و به شورای شهرستان و مراکز خدمات شهرستان پیشنهاد می‌نماید. در حالی که عملاً چنین



مراکز تحقیقاتی است. در زمینه ترویج نوآوریهای کشاورزی مناطق روستایی این نکته را باید گفت که روستاییان در مقابل ارائه روشهای نوین و به کارگیری لوازم و ادوات جدید و نهاده‌های کشاورزی مراکز خدمات نه تنها مقاومت منفی از خود نشان نمی‌دهند، بلکه اشتیاق فراوانی از خود نشان می‌دهند و طرز تلقی آنها در برخورد با نوآوریها بسیار مثبت است. مثلاً به کارگیری روشهای نوین کشاورزی در میان دهقانان مرفه ۹۸/۵۹ درصد، در میان دهقانان متوسط ۹۶/۳۷ درصد و در میان دهقانان خرده‌پا ۹۰ درصد گزارش شده است.

خلاصه اینکه، روستاییان نسبت به تغییرات زیربنایی و نهادی توسط مراکز خدمات کشاورزی عکس‌العمل منفی نداشته و اگر مراکز خدمات کشاورزی بتوانند مسائل و مشکلات منطقه‌ای را حل و فصل نموده و در جهت رفع نیازهای روستاییان گامهای مؤثری بردارند، آنها مشتاقانه در این زمینه عکس‌العمل مثبت نشان داده و فعالانه در این برنامه‌ها، مشارکت خواهند نمود.

### ● تطبیق عملکرد مراکز خدمات با اهداف سیاستهای اولیه

۱) در تبصره ۳ لایحه قانونی مراکز



می‌شود، نحوه استفاده از نهاده‌های کشاورزی از قبیل کود و سموم شیمیایی است.

آموزشهای ارائه شده به روستاییان از نظر مسئولین مراکز خدمات در ۶۰ درصد مراکز خدمات دهستان "خوب" توصیف شده و در ۴۰ درصد "متوسط و ضعیف" قلمداد شده است.

در زمینه ترویج کشاورزی، نقش مراکز خدمات کشاورزی چندان چشمگیر و پررنگ نبوده است. یکی از مهمترین موانع در این زمینه، عدم وجود مراکز و نهادهای تحقیقاتی در مناطق مختلف است؛ به گونه‌ای که بتواند راه‌حل مسائل و مشکلات و نارساییهای گوناگون کشاورزی را به مراکز خدمات منتقل نماید.

نکته مهم دیگر در این زمینه، ارتباط ضعیف و ناچیز میان مراکز خدمات و نهادها و



نبوده و روال برنامه‌ریزی این گونه طی نشده است و تحقیقات و برنامه‌ریزیها در شهرستان و استان صورت گرفته و جهت اجرا به مراکز دهستان ابلاغ می‌شود. در ضمن مراکز خدمات دهستان مکانی برای محققین و برنامه‌ریزان و ماندگاری آنها نمی‌باشد.

۴) در آیین نامه اجرایی مراکز خدمات آمده است که نیازهای روستاییان توسط اهالی هر روستا به شورای اسلامی آنان اعلام و توسط شورای اسلامی به مراکز خدمات دهستان ارسال شود، لیکن مطالعات نشان می‌دهد که عملاً این روال اجرا نمی‌شود و این خود روستاییان هستند که با مراجعه به مراکز خدمات دهستان، نیازهای خویش را به آنها اعلام و کسب تکلیف می‌کنند.

۵) طبق ماده ۲۶ و ۲۷ آیین نامه اجرایی، مراکز خدمات دهستان موظفند که با به کارگیری طرق لازم، سطح اراضی زیر کشت آبی را توسعه و گسترش دهند و بر بهره‌وری کشت دیمی بیفزایند. طبق نتایج تحقیقات مراکز خدمات دهستان شهرستانهای گلپایگان و خوانسار باید گفت که افزایش سطح زیر کشت در این مناطق بسیار ناچیز بوده و افزایش سالانه سطح زیر کشت از ۱/۰ درصد تجاوز نکرده است.

۶) بر طبق گزارش توجیهی وزارت کشاورزی و عمران روستایی در رابطه با اهداف و سیاستهای برنامه تشکیل و فعالیتهای مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری قرار بود که تشکیل مراکز خدمات دهستان به تعداد حدوداً ۱۶۰۰ مرکز تا پایان سال ۱۳۶۵ خاتمه یابد و این در حالی است که هنوز نصف این تعداد تاکنون تشکیل نشده است (تا پایان سال ۱۳۶۸). علاوه بر این از تعداد ۷۲۷ مرکز تشکیل شده تا اول سال ۱۳۶۵، ۶۷۷ مورد آنها تشکیل شده بود و از آن تاریخ تا سال ۱۳۶۸ تنها ۵۰ مرکز خدمات دهستان ایجاد شده است. همینطور در آن گزارش اعلام شده بود که تشکیل مراکز خدمات شهرستان به تعداد ۱۶۵ مرکز تا آخر

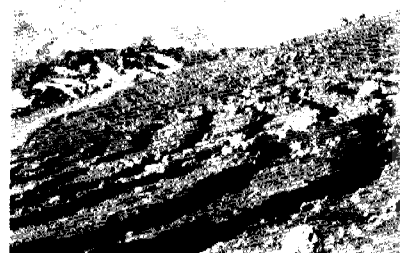


سال ۱۳۶۷ خاتمه خواهد یافت. در حالی که تا به حال تنها ۱۳۵ مرکز خدمات تشکیل شده است.

۷) طبق ماده ۵۱ آیین نامه اجرایی مراکز خدمات، پایه و واحد برنامه‌ریزی کشاورزی روستایی و عشایری ده می‌باشد و این واحد به عنوان یک واحد اقتصادی - اجتماعی شناخته شده است. مدیریت تولیدی، فنی و اقتصادی ده بر عهده شورای اسلامی ده است. وظایف و مسئولیتهای سنگینی که در آیین نامه برای شوراهای اسلامی ده و دهستان پیش بینی شده نشانگر آن است که تدوین کنندگان آیین نامه از تواناییهای جامعه روستایی تصور واقع بینانه‌ای نداشته‌اند و وظایف و مسئولیتهایی را بر عهده شوراهای ده و دهستان گذاشته‌اند که در حد توان این شورا نمی‌باشد. فراهم نمودن این امکان برای روستاییان که بتوانند در اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش دخالت داشته باشند بسیار باارزش است، البته مشروط بر آنکه شرایط تحقق چنین سیاستی در جامعه وجود داشته باشد.

### ● موانع و مشکلات موجود بر سر راه فعالیت مراکز خدمات

مسائل و موانع عمده‌ای وجود دارد که



موجب پایین آمدن کارایی و نامطلوب شدن فعالیت کارکنان و ارائه خدمات مراکز می‌شود. این مسائل بیشتر در خود مراکز خدمات مطرح هستند و اساساً در مشکلات مالی، حقوقی، مهارتی، تسهیلاتی، سازمان و غیره خلاصه می‌شوند که موارد ذیل از آن جمله‌اند:

- نبودن دقت کافی در انتخاب و گزینش نیروی انسانی لازم و متخصص به ویژه برای کادרהای رهبری مراکز خدمات و گماردن نیروهای کم تجربه و قراردادی به ویژه در رأس مراکز خدمات دهستان.

- چند پیشگی، نداشتن پست سازمانی و فقدان شرح وظایف کارکنان مراکز خدمات دهستان موجب شده است که کارکنان مراکز خدمات نتوانند تجربیات و مهارتهای شفلی لازم را به نحو مطلوب کسب نمایند و نسبت به وظایف محوله احساس مسئولیت کنند.

- پایین بودن سطح حقوق و مزایای کارکنان بخش کشاورزی نسبت به کارکنان سایر بخشها و عدم پرداخت بموقع و کامل آن، انگیزه شغلی، میزان رضامندی شغلی کارکنان مراکز خدمات روستایی را کاهش داده است.

- فقدان توانایی مراکز خدمات در گرفتن اعتبار مورد نیاز، مراکز خدمات را در اجرای طرحهای عمرانی با دشواریهایی مواجه ساخته و موجب شده که مراکز خدمات به امور غیر آموزشی، ترویجی و فعالیتهای اداری کشیده شوند.

- کمبود وسیله نقلیه، امکان سرکشی مستمر به روستاهای حوزه عمل و خدمات رسانی به روستاها را با دشواری مواجه ساخته است.

- کمبود تأسیسات لازم مثل انبار، لابراتوار دامپزشکی، فروشگاه، منازل مسکونی، تعمیرگاه، دفتر کار و غیره در برخی از مراکز خدمات دهستان.

- تداخل وظایف میان جهاد سازندگی و مراکز خدمات وجود دارد به صورتی که هر دو سازمان قبل از سال ۱۳۷۰، با توجه به سیاستهای خود مستقل از یکدیگر و نیز به موازات هم وظایف مشابهی را انجام می دادند و فقط در شورای نشست، نمایندگان جهاد و مراکز خدمات حضور داشتند. این امر موجب تداخل وظایف و مسئولیتهای می گردید.

چند کاناله بودن جریان توزیع نهادههای کشاورزی، ابزار و ادوات کشاورزی، آموزش و نحوه مصرف و کاربرد آنها توسط سازمانهای موازی موجب ناهماهنگی در امر خدمات رسانی و طولانی شدن مسیر آن برای روستاییان می گردید.

- کشیده شدن خط مشی مراکز خدمات به امور آموزشی و ترویجی نقش این مراکز را در رفع مسائل و مشکلات اساسی کشاورزی کاهش داده است.

- بی توجهی به آیین نامه اجرایی، کمبود پرسنل متخصص، کمبود پرسنل آموزش دیده،

نبودن مدیران باتجربه و تبعیض در بین کارکنان، تعدد مراکز تصمیم گیری و اجرایی در روستاها، کمبود و دیر حواله شدن اعتبارات، از جمله مشکلات مراکز خدمات می باشند.

- کمبود وسایل نقلیه و کهنه بودن وسایل موجود، کمبود وسایل یدکی، کمبود ادوات کشاورزی، کمبود دارو و وسایل کار دامپزشکی، کمبود آب و کود شیمیایی و سموم از دیگر محدودیتهای مراکز خدمات به حساب می آیند.

### نتیجه گیری و توصیه

بیش از یک دهه از عمر مراکز خدمات می گذرد. مراکز خدمات در طی این سالها، در جامعه روستایی کشور اثراتی را به جای گذاشته و برای خود جایگاه ویژه ای به دست آورده اند.

این مراکز در طی دوران فعالیت خود تاکنون نتوانسته اند آنچنان که پیش بینی می شد عمل نمایند. این مراکز در ایجاد تغییرات بنیادی بخش کشاورزی و مسائل جامعه روستایی و ایجاد تعدیلی محسوس در مسائل ریشه ای کشاورزی و تولیدات روستایی کشور ناتوان مانده اند. در گزارشهای تحقیقات مربوط به کشاورزی و جامعه روستایی و عشایر، کماکان از مشکلاتی سخن به میان می آید که پیش از این نیز وجود داشته است. باید گفت که مسائل حاد امروز، مشکلات جدیدی را موجب شده که عبارتند از:

۱- کمبود آب و مشکلات آبیاری.

۲- کمبود و بموقع نرسیدن نهادههای کشاورزی

۳- تقلیل و پراکندگی اراضی یا واحدهای تولیدی که باعث به هدر رفتن بازدهی ماشین آلات، آب، نیروی انسانی و غیره می شود.

۴- کمبود ماشین آلات کشاورزی و قطعات یدکی ماشین آلات موجود و عدم توزیع صحیح آنها

۵- کمبود اعتبارات بانکی کشاورزی

۶- مشکلات مربوط به فروش، بازاریابی و سودجویی واسطه ها و دلالان

۷- بازدهی کم زمینهای زیرکشت در واحد سطح

۸- وابستگی فزاینده در تولیدات کشاورزی و دامی به کشورهای دیگر.

باید متذکر شد که مراکز خدمات در حل مشکلات فوق الذکر ناتوان بوده و چون در ابتدای تأسیس با تنشهای اداری و یک سری کشمکشها مواجه بودند، جهاد سازندگی خواستار تحت پوشش قرار دادن این مراکز گردید و چون با عدم موفقیت روبرو شد، به ایجاد واحدهای جهاد دهستان پرداخت که فعالیتهای یکسان و موازی با مراکز خدمات دارند. اینجاست که برای حل و فصل امور (دامی - زراعی) جامعه روستایی و عشایری کشور، نوعی دوگانگی و حتی چندگانگی سازمانی حاکم می شود و موجب سردرگمی روستاییان و عشایر و اتلاف منابع مالی و انسانی می شود.

از سوی دیگر، تمرکزگرایی (سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) کشور در طی چندین دهه باعث شکل گیری قطبهای شهری شده است. ولیکن مناطق روستایی کشور و عشایر از این امکانات بی بهره مانده اند و یا نصیب کمی برده اند که این امر موجب خنثی کردن و بی محتوا کردن واحد تحقیقی و برنامه ریزی مراکز خدمات دهستان می شود. یعنی کارشناسان و متخصصان مسائل روستایی به لحاظ نبود یا کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و تسهیلاتی در مراکز دهستان اکثراً راغب و حاضر به کار و ماندن در این مراکز نیستند.

همچنین نظام فاسد ناکارآمد که برنامه و فعالیت مراکز خدمات را با مقرراتی دست و پاگیر مواجه ساخته، موجب به هدر رفتن منابع مالی و عدم شکوفایی استعدادهای انسانی شده است.

شاید اگر از توسعه روستا برداشتی روشن

و مدون نبود، چه بسا الگوی مراکز خدمات کشاورزی پیاده نمی‌شد. چرا که این الگو فراتر از شیوه بهبود نیازهای جامعه بوده است و نتوانسته تغییراتی بنیادی در مسائل کشاورزی و روستایی کشور به وجود آورد.

با این حال، اگر مراکز خدمات روستایی بخواهند با موانع و مشکلات برخورد نمایند باید:

- در سیاستها، خط مشی‌ها و آیین نامه اجرایی مراکز خدمات بازنگری شود و تغییرات لازم در آنها ایجاد گردد.

- با آموزش روستاییان و افزایش میزان آگاهی آنان نسبت به شورا، اهداف، وظایف و اختیارات آن و لزوم مشارکت در شورا و شرایط انتخاب شوندگان، می‌توان بی‌تفاوتی را در روستاها از بین برد و زمینه اعمال حاکمیت روستاییان را بر سرنوشت خویش هموار ساخت.

- از آنجا که شوراهای روستایی باید بتوانند وظایف و مسئولیتهای سنگینی که در آیین نامه مراکز خدمات پیش بینی شده را انجام دهند، انجام این وظایف مستلزم داشتن تجربه در امور کشاورزی و امور تولیدی مربوط به ده است، همچنین باید روستاییان را با وظایف و مسئولیتهای شورا و ویژگیهایی که اعضای شورا باید دارا باشند آشنا کرد تا افرادی به شوراها راه یابند که بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را انجام دهند.

- به منظور ایجاد هماهنگی و ارتباط متقابل بین دو شورای ده و دهستان باید ملاکهای عضویت در این شوراها هماهنگ شود و در کنار سایر ملاکهای لازم جهت عضویت در شورا به تجربه و دانش کشاورزی نیز اهمیت بیشتری داده شود.

- مراکز خدمات روستایی باید به امر آموزش، تحقیق و ترویج اهمیت بیشتری دهند و این امر مستلزم آن است که این مراکز به کادر کارشناسی مورد نیاز و سایر امکانات آموزشی مجهز شوند تا بتوانند با تشکیل کلاسهای آموزشی در فصل زمستان،

روستاییان را در زمینه‌های زراعت، باغبانی و دامداری آموزش دهند.

- با ایجاد هماهنگی در تصمیم‌گیریهای مربوط به کشاورزی و جلوگیری از تداخل وظایف سازمانها و نهادهای دست‌اندرکار خدمات رسانی به روستاها، می‌توان امکانات دولت را به عادلانه‌ترین صورت در بین روستاییان توزیع کرد و به محور بودن کشاورزی جامعه عمل پوشاند.

- با تجهیز مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص، امکان تهیه طرحهای عمرانی در سطح دهستان میسر شده و دهستان عملاً واحد برنامه‌ریزی مستقل خواهد شد و تهیه طرحها از پایین به بالا، از قوه به فعل در خواهد آمد.

- به منظور کارایی مراکز خدمات روستایی باید با توجه به وسعت حوزه عمل مراکز و میزان محرومیت، مناطق مراکز خدمات به امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز مجهز شوند.

- در جذب و به کارگیری نیروی انسانی مورد نیاز مراکز خدمات، حتی المقدور باید سعی شود از افراد بومی استفاده شود که قادر به سکونت در مراکز دهستان باشند.

- در زمینه یکپارچگی اراضی مزروعی، مراکز خدمات باید به یکپارچگی اراضی در داخل نسق زراعی کشاورزان ادامه دهند.

- برای آنکه مراکز خدمات روستایی بتوانند به طور تمام وقت در مراکز دهستانها مستقر و آماده خدمات رسانی به کشاورزان باشند، باید مراکز دهستانها را به وسیله امکانات رفاهی مجهز ساخت تا کارکنان مراکز خدمات بتوانند در مراکز دهستانها سکونت نمایند.

- به منظور تسهیل در امر تقسیم کار از یک طرف و افزایش تجربه و مهارتهای شغلی کارکنان مراکز خدمات از طرف دیگر، ایجاد پست سازمانی و تعیین شرح وظایف کارکنان مراکز خدمات ضرورت دارد.

- اجرای به موقع طرحهای عمرانی

مستلزم آن است که مسیر طولانی رفت و برگشت طرحهای عمرانی کوتاه شده و اعتبارات تصویب شده به موقع در اختیار مراکز خدمات روستایی قرار داده شود.

## ● تأثیر تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی بر روی مراکز خدمات کشاورزی

مراکز خدمات کشاورزی عبارت هستند از واحدهای اجرایی وزارت کشاورزی که وظایف مشخصی را در سطح روستاها بر عهده داشته و دارند. این مراکز تا قبل از اجرای قانون "تفکیک وظایف" مسئولیتهای زیر را در روستاها بر عهده داشته‌اند:

۱- امور زیربنایی از قبیل تسطیح اراضی، لایروبی و پوشش انهار، احداث زهکشها و غیره.

۲- امور زراعت که شامل هدایت، راهنمایی، نظارت بر اجرای کلیه امور کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی.

۳- امور باغبانی

۴- امور دام و دامپزشکی

۵- آبخیزداری

۶- آمار و اطلاعات

پس از تصویب و اجرای قانون "تفکیک وظایف"، تغییراتی در وظایف و مسئولیتهای مراکز خدمات کشاورزی به وجود آمد و در حال حاضر وظایفی که بر عهده مراکز خدمات می‌باشد، به قرار ذیل است:

۱- امور زراعت (طرح محوری گندم آبی، دیم، کشت جو و ذرت) و کلیه امور مربوط به زراعت محصولات زراعی و نهاده‌های کشاورزی

۲- امور باغبانی (احداث و احیای باغات، تهیه نهالهای مرغوب و اصلاح شده و احداث باغات به شیوه جدید)

۳- انجام امور آموزشی و ترویجی در حیطه وظایف محوله (آموزش بزرگسالان، جوانان و

وابسته‌اند.

همچنین نظر به اینکه فعالیتهای زراعت و پرورش دام و طیور در مناطق روستایی به گونه‌ای آمیخته باهم انجام می‌گیرد، فرد روستایی برای رفع نیازها و مسائل و مشکلات خود می‌باید به دستگاههای اداری مختلف مراجعه نماید و همین امر موجب دلسردی و ناراحتی او می‌گردد.

پس به نظر می‌رسد که واحد تفکیک وظایف در متن قانون، "زیربخش کشاورزی" بود به نحوی که تقسیم وظایف صورت گیرد نه تفکیک وظایف.

به هر حال به نظر می‌رسد می‌توان با الحاق تبصره‌ای به قانون فوق، برخی نکات مبهم و نارسا را روشن و کامل نمود و اشکالات و نارساییهای موجود را رفع کرد.



## منابع و مأخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۲- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- ۳- ثابت قدم، مراکز که با نام مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایر تشکیل شده‌اند، سازمان برنامه و بودجه، بهمن ماه ۱۳۶۱.
- ۴- وزارت کشاورزی، ارزشیابی اثرات، خط‌مشیها و سیاستهای اجرایی مراکز خدمات کشاورزی، معاونت طرح و برنامه، مهرماه ۱۳۶۶.
- ۵- وزارت کشاورزی، ارزشیابی مراکز خدمات شهرستانهای بابل، گیلان، خراسان، بروجرد، جیرفت، معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی.
- ۶- وزارت کشاورزی و عمران روستایی، اهداف، سیاستها و برنامه تشکیل و فعالیت مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری، بی‌تا.

متذکر شد که با توجه به اینکه اکثر روستاییان، کشاورز و دامدار هستند و از آموزشگر روستاییان انتظار می‌رود که در زمینه مسائل مربوطه توأمأ پاسخگو باشد، ولی این امر با توجه به "تفکیک وظایف" به صورت جداگانه انجام می‌شود و این باعث سردرگمی روستاییان می‌گردد. این اشکال در عرصه‌های تحقیقات و ترویج نیز به همین صورت بروز خواهد نمود.

ج) قانون تفکیک وظایف از جنبه یگانگی مدیریت و خط‌دهی به بعضی از امور کشاورزی دارای اثرات مثبتی بوده و از موازی‌کاریها و دوباره‌کاریها و اتلاف منابع در این زمینه جلوگیری نموده است. ولی علی‌رغم این امر، اثرات منفی را نیز به دنبال داشت. زیرا که دو دستگاه اجرایی کارهای مختلف یک بخش را انجام می‌دهند و "بخش کشاورزی" بین دو دستگاه تقسیم شده است. در حالی که، اموری مثل زراعت، دام و طیور، منابع طبیعی و آب و خاک کاملاً به یکدیگر

زنان روستایی و احداث مزارع نمایشی)  
۵- واگذاری زمین از طریق کمیسیونهای مواد  
۳۱ و ۳۲

پس از اجرای قانون تفکیک وظایف، امور مربوط به منابع طبیعی، شیلات، دام و طیور و دامپزشکی از مراکز خدمات کشاورزی جدا شد و کلیه کارکنان و پرسنل و امکانات به وزارت جهاد سازندگی منتقل گردید.

در یک ارزیابی کلی در زمینه بررسی تأثیرات تفکیک وظایف به مراکز خدمات، می‌توان به این نکته اشاره نمود که این قانون تأثیرات مثبت و منفی را به دنبال داشته که مهمترین تأثیرات آن عبارت‌اند از:

الف) در زمینه "زراعت" می‌توان ادعا نمود که نظر به اینکه کلیه امور مربوط به زراعت به وزارت کشاورزی و مراکز خدمات محول گردید، این اقدام برای رفع مسائل و مشکلات کشاورزان و حرکت به سمت توسعه کشاورزی اقدام مناسبی بوده است.  
ب) در زمینه آموزش روستاییان می‌باید

## اشاره

مطلب حاضر گزارشی از برگزاری همایش یک‌روزه‌ای است که با عنوان: "سیاست توسعه روستایی در پایان قرن بیستم" به وسیله وزارت کشاورزی و در محل این وزارتخانه برگزار شده است.

این همایش که به وسیله دکتر کلانتری، وزیر کشاورزی افتتاح و سه ساعت به طول انجامید، یک مهمان خارجی به نام پروفیسور "بودن اشتت" و دو مهمان داخلی، آقایان دکتر پرویز پیران و دکتر قاسم صالح‌خو داشت که موضوع سخنرانی و بحث هر سه استاد، در باره مسائل و مشکلات توسعه روستایی بود و هر یک دیدگاه خود را در این ارتباط به اطلاع حاضران رساندند.

اهمیت برگزاری این همایش بیشتر به خاطر حضور پروفیسور بودن اشتت آلمانی، استاد جامعه شناس و مدیر مرکز پژوهشهای توسعه بین‌المللی روستایی است.

خوانندگان محترم در این نوشته، ضمن آشنایی با آقای اشتت و دیدگاههای وی به عنوان مدیر مرکز پژوهشهای توسعه بین‌المللی روستایی، همچنین با نظرهای آقایان دکتر پیران و دکتر صالح‌خو در باره مسائل و مشکلات توسعه روستایی آشنا خواهند شد.

چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۷۷، در سالن

گزارش سمینار یک روزه

# سیاست توسعه روستایی در پایان قرن بیستم

انتقال دانش، مشارکت، نوآوری و پذیرش

سخنران: پروفیسور دکتر اندره اس. بودن اشتت  
تهیه کننده: مهناز جلیلی

کلانتری، وزیر محترم کشاورزی، همراه با خیرمقدم به میهمانان انجام گردید. سپس، سخنرانان شامل پروفیسور بودن اشتت و نیز اساتید دانشگاههای داخل کشور، آقایان دکتر پرویز پیران و دکتر قاسم صالح‌خو، بیانات خود را ایراد کردند. موضوع صحبت هر سه نفر پیرامون مسائل و مشکلات توسعه

اجتماعات وزارت کشاورزی همایشی تحت عنوان "سیاست توسعه روستایی در پایان قرن بیستم" برگزار گردید. همایش یاد شده با تلاش روابط عمومی و روابط بین‌الملل وزارت کشاورزی تدارک دیده شده بود که به مدت سه ساعت به طول انجامید.

افتتاحیه همایش توسط آقای



روستایی بود. البته، هر کدام از دیدگاه خود به مسئله پرداختند.

در پایان، جلسه پرسش و پاسخ شکل گرفت. در بخش جنبی سمینار، نمایشگاهی از دستاوردهای مکتوب، آثار چاپی، بولتنها، آمار و اطلاعات و بروشور شرح وظایف وزارت کشاورزی بر پا گردید.

بعد از بیانات کوتاه دکتر کلاتری، آقای اندرناس بودن اشانت اهل کشور آلمان، دکترای جامعه شناسی، مدرس جامعه شناسی روستایی دانشگاه یوستوس و مدیر مرکز پژوهشهای توسعه بین‌المللی روستایی هایدلبرگ سخنرانی کرد که تألیفات خود را در موضوع توسعه روستایی در جوامع شمال و کشورهای جنوب<sup>(۱)</sup> و حفظ محیط زیست و... ارائه داده است.

آقای "بودن اشانت" سخنان خود را تحت عنوان "توانمندیهای سیاست عمران روستایی در انتهای قرن بیستم" ایراد کرد. در اینجا بجاست که شرح زندگی علمی پروفیسور دکتر آندرناس بودن اشنت آورده شود.

● متولد ۵ فوریه ۱۹۳۴ در هاننور، آلمان.  
● تحصیل در مدرسه متوسطه تا سال ۱۹۵۴.  
● مطالعه در باره تاریخ و واژه شناسی آلمانی در دانشگاههای گوتنگن، مونیخ و هامبورگ، اخذ مدرک تدریس در مدارس متوسطه.

● مدرس زبان آلمانی و مدیر بخش زبان آلمانی دانشگاه Padjadjaran، بستاندنگ، اندونزی، مدرسه علوم آموزشی

● مطالعات جامعه شناسی در دانشگاه Munster و اخذ درجه دکترای جامعه شناسی. (پایان نامه در باره اشکال و عملکردهای زبان ملی اندونزی Bahasa Indonesia)

● دستیار پژوهش  
● مدیر "مرکز پژوهشهای توسعه بین‌المللی روستایی" در هایدلبرگ  
● استاد جامعه شناسی روستایی در دانشگاه یوستوس لایپگ گیسن، عضو هیأت اجرایی "مرکز پژوهشهای عمران منطقه‌ای" در دانشگاه گیسن از سال ۱۹۷۱.

● انجام سفرهای پژوهشی جهت برنامه‌ریزی و ارزیابی مسائل توسعه روستایی، طرحهای کشاورزی، تعاونیها و ترویج در هندوستان، مالزی، اندونزی، نپال، سری‌لانکا، ایران، تونس، کنیا، توگو، بنین و کاستاریکا. انجام طرحهای پژوهشی در خصوص رفتارهای تغذیه در پرو، کلمبیا، کنیا و تونس.

● اجرای طرح "پژوهش میدانی در باره تغذیه در گیسن، پژوهش در باب ترویج با رویکرد حفاظت از محیط زیست و گردشگری روستایی.

● تدریس رشته‌های جامعه شناسی عمومی و تجربی، جامعه شناسی روستایی، جامعه شناسی مصرف و تغذیه، توسعه و محیط زیست از سال ۱۹۷۲، تدریس رشته جامعه شناسی اوقات فراغت و گردشگری در "مرکز بین‌المللی ممتازان" وابسته به انجمن جهانی تفریح و اوقات فراغت در Leerwarden هلند.

● رئیس انجمن چندرشته‌ای توسعه پژوهش (LAIIEF ۷۴-۱۹۷۶)  
گروه کاری پژوهش در باره رفتار تغذیه (AGEV ۸۱-۱۹۸۴)

انجمن اروپایی جامعه شناسی روستایی (ESRS ۱۹۸۹-۱۹۹۵)  
انجمن بین‌المللی جامعه شناسی روستایی (IRSA ۱۹۹۳-۹۵)

● تألیف مقالات و کتب در باره مشکلات توسعه روستایی در جوامع اروپایی و کشورهای "جنوب"، تعاونیهای روستایی، اوقات فراغت، گردشگری و حفظ محیط زیست و جامعه شناسی تغذیه.

مضمون صحبت‌های وی بدین شرح است:

سیاست عمران روستایی، شامل اقداماتی است که هدف از آنها، بهبود شرایط و وضعیت عرضه غذا، محصولات اقتصادی، ظرفیت تولید و نیز، وضعیت اجتماعی جمعیتی کشورهای "جنوب" (در حال توسعه) می‌باشد.

سیاستهای توسعه روستایی در سه بخش قابل بررسی است:

الف) دگرگونیهای در مناطق روستایی کشورهای "شمال" ناشی از روند ماشینی و مدرنیزه شدن

ب) یافته‌های جامعه شناسی روستایی (ج) دگرگونیهای فراگیر در جهان مانند اشاعه پیشرفتهای فنی.

عوامل ساختاری توسعه، شامل دگرگونیها (در معنای عام آن) و دوم "رقابت" می‌باشد. به زعم سخنران، رقابت در امر کشاورزی در اتحادیه اروپا بین چهار گروه ملیتی متفاوت مطرح می‌باشد که عبارتند از:

۱- گروه کشورهای کوچک اما متمرکز (مصر، بلژیک، دانمارک و ...)  
۲- "تحوهای صنعتی" شامل فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلستان.

۳- "از قافله بازمانده‌ها" (پرتغال، اسپانیا و ...)  
۴- گروه "دگرگون" (ترانسفورمسیون) شامل رومانی، یوگسلاوی، لهستان و ...

کشاورزی کشورهای "جنوب" نیز همچون کشورهای "شمال" به داخل این رقابت کشیده می‌شود.

از نظر پروفیسور اشانت، کشورهای "شمال" با بحرانهای اجتماعی و کشاورزی روبرو هستند. به دلیل نقیصه‌های انسانی (مدرنیزه شدن)، علائم بحران در سطوح جهانی، منطقه‌ای و محلی دیده می‌شود. در کنار آن، یکی از شعارهای جدید روز پیرامون پدیده جهانی شدن است که همان فاز تازه روند صنعتی شدن می‌باشد.

هر دو اصطلاح ابعاد سه‌گانه‌ای دارند که عبارتند از:

۱- تولید انبوه برای افزایش فروش  
۲- الگوهای مناسب برای مصرف محصولات تولیدی  
۳- ایدئولوژی دستیابی به موفقیت که تمام آحاد جوامع درگیر را از بعد عملکردی (چه تولید باشد یا مصرف) به یکدیگر پیوند می‌دهد. الگوی "شمالی" اقتصاد بازار،



تأثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای بر روی مستقدان کشورهای "جنوب" به جای گذاشت.

به اظهار پروفیسور اشتات، سنجش عوامل زمینه‌ای، می‌تواند توانایی بالقوه و حقیقی کشاورزی جوامع روستایی و اهمیت واقعی سه انتخاب توسعه روستایی (نوآوری، همکاری، مشارکت) و انتقال دانش و فن‌آوری را روشن نماید.

این سه راهکار، بیشتر مفاهیم نئوریک دارند که در کنار آن برای جمعیت کشاورز و روستانشین کشورهای "جنوب" شرایط و لوازمی دیگر نیز باید پیش رو قرار گیرد که عبارتند از ابزار و روشهای تازه تولید، تسویج، اصلاحات زیرساختاری، سیاست نبات قیمت‌ها و خود سازماندهی گروههای سودبر.

\*\*\*\*\*

### سخنرانی دکتر پرویز پیران، تحت عنوان "دگرگونیهای درون‌زا و برون‌زا"

دکتر پیران معتقد است که تجربه تاریخی و شرایط کشورهای صنعتی شمال را باید از کشورهای در حال توسعه جنوب جداگانه بررسی کرد.

جوامع شمال تقاضایی برای خط‌مشی‌های توسعه روستایی نداشتند. زیرا به جای مفهوم توسعه اقتصادی به دنبال رشد صنایع سرمایه‌داری بودند. دیگر آنکه، کشاورزی کشورهای "شمال" هر چند دگرگونیهای زیادی را پشت سر گذاشته؛ اما این دگرگونیها توسعه‌ای به دنبال نداشت.

به زعم سخنران، دگرگونیهای اقتصادی اجتماعی در واقع دگرگونی تام و تمام جوامع غربی و نتیجه مستقیم تاریخ آن جوامع بوده که به تدریج فراهم آمده است. پس می‌توان ادعا کرد که دگرگونیهای یاد شده درون‌زاست و از درون جوشیده است.

در مقابل این تجربه، آنچه امروزی شدن یا توسعه جنوب نام گرفته، هرگز نتیجه تاریخ ملل ممالک جنوب نیست؛ بلکه توسط نیروهای خارجی سودبر رخ داده است. به

همین دلیل، شکست خط‌مشی‌های توسعه‌گریزناپذیر بوده است.

از نظر دکتر پیران، یکی از عوامل شکست خط‌مشی‌های توسعه "جنوب" فقدان دیدگاههای تشریح‌کننده مستند و دقیقی است که با شرایط و جامعه جنوب ارتباط منطقی داشته باشد.

دکتر پیران در پایان سخنرانی خود گفتند که جستجو و یافتن راه‌حلهای مناسب توسعه جنوب، نیازمند کسب دانش کامل از عناصر و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی حاکم بر این نوع کشورها می‌باشد.

\*\*\*\*\*

آخرین سخنران این همایش، آقای دکتر صالح‌خو بود که سخنان خود را ابتدا به صورت سؤال ایراد کردند. اولین مطلب و سؤال مورد بیان ایشان این بود که برخی از کشورهای شمال "رشد اقتصادی" را به "توسعه اقتصادی" ترجیح دادند و از این رهگذر، گر چه بهره‌برداری آنها افزایش یافت، اما آیا در فرایند سریع جهانی شدن اقتصاد، کشورهای جنوب نیز می‌توانند همین راه را طی نمایند؟

یک نکته در رابطه با فرایند "جهانی شدن" (فن‌آوری بالا) این است که شرکتهای چند ملیتی در دهه‌های گذشته، بیش از حد رشد کرده و با تسلط بر صحنه اقتصاد جهانی و نفوذ در سیاست‌گذاری کشورهای صنعتی در فرایند تصمیم‌گیری این کشورها اثر می‌گذارند که این مسئله، قابل تأمل و بررسی است.

مسئله دیگر، عبارت از نفوذ و دخالت شرکتهای چند ملیتی در امر تجارت جهانی است که این امر در درازمدت در تضعیف اقتصاد کشورهای "جنوب" تأثیر سونی خواهد گذاشت.

نکته دیگر مورد بحث سخنران که در زمینه توسعه کشاورزی روستایی جهان سوم طرح کرد، این بود که جامعه اروپا در تمام عملکردهای تجاری خود دو هدف اقتصادی و وحدت سیاسی را باهم تعقیب می‌کند. آنچه

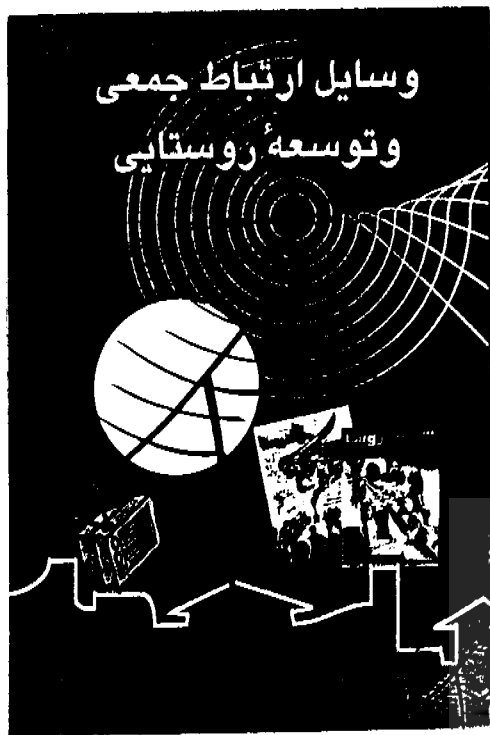
که در این راستا، قابل تأمل است اینکه پارانه‌های پرداختی کشورهای صنعتی به بخش کشاورزی چه اثراتی بر تولیدات غذایی جهان می‌گذارد؟ این پارانه‌ها بر سیاستهای کشاورزی جنوب و امنیت غذایی کشورها اثر سوء می‌گذارد.

دکتر صالح‌خو، با تأکید دوباره بر این نکته که مسائل مطرح شده ایشان تمام سؤالاتی است که توسط صاحب نظران توسعه روستایی باید مورد بررسی و تحلیل و تحقیق قرار گیرد، سخنان خود را به پایان رساند.

همایش یاد شده با جلسه پرسش و پاسخ سخنرانان و حاضرین به اتمام رسید و سؤالات طرح شده پیرامون نکات مبهم و مجهول بیانات میهمانان خطیب بوده است.

### پی‌نوشتها:

۱- در این همایش، دو اصطلاح کشورهای شمال و ممالک جنوب زیاد به کار برده می‌شود که منظور از دسته اول، جوامع اروپایی صنعتی سرمایه‌داری و دسته دوم، ممالک در توسعه می‌باشند.



روستاییان ایجاد نمایند و از طریق ارتباط دائمی با روستاییان آنان را تحت آموزشهای مستمر قرار دهند. این نوع آموزش جمعی آسانترین و عملی‌ترین راهی است که ارتباط دائمی با روستاییان را تضمین و تأمین می‌نماید. همان‌طور که می‌دانیم، امروزه افزایش آگاهیهای سیاسی و اجتماعی روستاییان و رشد اقتصادی روستاها بر اهمیت استفاده از وسایل ارتباط جمعی در سوق دادن نیروی انسانی در جهت توسعه روستایی افزوده است. از سوی دیگر وسایل ارتباط جمعی، هم از شاخصهای توسعه و هم به عنوان ابزارهایی در جهت توسعه می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت که وسایل ارتباط جمعی به مثابه ابزاری هستند که به حکومتها و دست‌اندرکاران امکان می‌دهند پیام خود را به دورترین مناطق یا صعب‌العبورترین راهها ارسال نمایند و هدف خود را که تغییر رفتار مخاطبان است، محقق سازند.

در این کتاب سعی شده است ضمن توجه

**عنوان:** وسایل ارتباط جمعی و توسعه روستایی  
**مؤلف:** علی‌اشرف حامدی اوغولبیک  
**ناشر:** نشر به‌دید  
**زمان:** زمستان ۱۳۷۷  
**صفحه:** ۱۲۲ صفحه  
**قیمت:** ۵۵۰۰ ریال

از جمله راههایی که ممالک پیشرفته برای افزایش اطلاعات و آگاهیهای روستاییان و انتقال نوآوریها به جوامع روستایی در پیش گرفته و موفقیت زیادی هم به دست آورده‌اند، استفاده از وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو، تلویزیون و مطبوعات است. این کشورها توانسته‌اند با استفاده از وسایل ارتباط جمعی تغییرات اساسی و مطلوب در باورهای

به توسعه بالاخص توسعه روستایی، بیشتر به کاربرد وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستاها و تجربیات سایر کشورهای جهان در استفاده از وسایل ارتباط جمعی به تفکیک رادیو و تلویزیون و مطبوعات در توسعه روستایی پرداخته شود. این کتاب مجموعاً از پنج فصل تشکیل شده است که عناوین سرفصلهای آن به شرح زیر می‌باشد: فصل اول، کلیاتی در باره توسعه و توسعه روستایی؛ فصل دوم، تاریخچه، ویژگیها و نقشهای وسایل ارتباط جمعی؛ فصل سوم، نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی؛ فصل چهارم، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی کشورهای مختلف پنج قاره جهان و فصل پنجم، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در توسعه روستایی ایران.

مطالعه این کتاب را به کلیه علاقه‌مندان به مباحث توسعه و توسعه روستایی، بویژه دست‌اندرکاران علوم ارتباطات در توسعه، توصیه می‌کنیم.

ابن خلدون از جمله جامعه‌شناسانی است که شیوه‌های زندگی و نوع مشارکتها و همکاریها را جزو ضرورت‌های اجتماعی و تاریخی دانسته و نیازها و منافع مشترک در حیات جمعی را منشأ بسیاری از رفتارهای اجتماعی، از جمله مشارکتها و تعاون تلقی کرده است.

### مبانی جامعه‌شناختی مشارکت

به اعتباری پیکره جامعه‌شناسی را مشارکتها تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه اکثر بحث‌های جامعه‌شناسی بر مطالعه گروهها و روابط آنها استوار است، از دیرباز مشارکتها یکی از اساسی‌ترین صورتهای روابط اجتماعی بوده است. مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروهها به هم می‌پیوندند تا عملکرد مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند. مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن، شخصیت انسانها شکل می‌گیرد و برای زندگی گروهی آماده می‌شوند.

مشارکت طریقه زندگی است، نوعی روش زیستی است که جوانب اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی دارد. (دری نوگورانی، ص ۳۶، به نقل از کیست) "فرنج" جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است که مشارکت جریانی است که طی آن دو گروه یا بیشتر، در ایجاد طرحها، خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های معینی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و این اثر فقط به تصمیم‌هایی محدود می‌شود که روی تصمیم‌گیرندگان و آنچه آنان ارائه می‌دهند، تأثیرهای آتی خواهد داشت. در این صورت میزان مشارکت یک شخص معادل تأثیر است که وی در تصمیمها و طرحهای پذیرفته شده داشته است. به سخن دیگر، معادل تأثیری است که دیگران در جریان اخذ تصمیم پذیرا شده‌اند. (همان منبع، به نقل از سازمان امور اداری)

"آلن بیرو" (۱۳۷۰) در فرهنگ علوم اجتماعی در بحث از مشارکت، آن را چنین

توضیح داده است: "مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است." "بیرو" همچنین آورده است که: "مشارکت در یک یا چند گروه با توجه به شکل، شدت و فراوانی تماسهای فرد با گروه قابل تعریف است. عرصه‌های مشارکت وسیع است و شخص می‌تواند بخشهای گوناگون چون بخشهای اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیتهای سیاسی، مدنی و جز اینها به فعالیت بپردازد. در این صورت، میزان مشارکت اغلب صورتی از قدرت را مشخص می‌دارد."

آنچه از این تبیین‌ها نتیجه می‌شود، این است که مشارکت با توجه به عوامل گوناگون و در بخشهای مختلف، مفهوم ویژه‌ای می‌یابد و شکل، ماهیت و میزان مشارکت افراد در همه عرصه‌ها یکسان نیست و میزان سهم‌بری از مشارکتها و عمل و تعهد نسبت به آنچه شخص را به مشارکت واداشته است می‌تواند انواع مشارکتها را مشخص کند.

دیدگاه‌های جامعه‌شناسی با توجه به بنیادها، اصول و نظریه‌ها به موضوع مشارکت پرداخته‌اند و از آن تفسیرهای متفاوتی به دست داده‌اند. بنابراین برای دریافت مفهوم مشارکتها، نخست باید به بنیاد اندیشه‌های آنان پرداخت. افزون بر تفسیرهای متفاوت، به انواع مشارکتها نیز اشاره داشته‌اند که هر کدام از اینها در ربط با دیدگاه نظریه‌پردازان مفهوم پیدا می‌کند و در اینجا فقط به گوشه‌ای از ترکیبهای مشارکت فهرست و اراشاره می‌شود. (منبع، ساروخانی، ۱۳۷۰)

- مشارکت بیگانه‌ساز
- مشارکت اجتماعی
- مشارکت ارتجالی
- مشارکت تام
- مشارکت غیرعمدی
- مشارکت داوطلبانه
- مشارکت متواتر
- مشارکت حسابگرانه

- مشارکت کامل
- مشارکت عمدی
- مشارکت جمعی
- مشارکت سازمان یافته
- مشارکت مشروط
- مشارکت ناقص
- مشارکت جزئی
- مشارکت مستمر
- مشارکت نامستمر
- مشارکت اجباری
- مشارکت رسمی
- مشارکت برانگیخته
- مشارکت نهادی شده
- مشارکت سیاسی

در متون گوناگون از انواع دیگر مشارکتها نیز سخن رفته است، از جمله:

- ۱- مشارکت مردم مدار و مردم ابزار
- ۲- مشارکت مستقیم و مشارکت غیرمستقیم
- ۳- مشارکت فرازین و مشارکت فرودین
- ۴- مشارکت مستمر و مشارکت مقطعی یا دوره‌ای
- ۵- مشارکت مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز
- ۶- مشارکت فعال و مشارکت انفعالی
- ۷- مشارکت سطح زیرین، میانی و فوقانی
- ۸- مشارکت اطلاعاتی - مشاوره‌ای
- ۹- مشارکت مذاکره‌ای
- ۱۰- مشارکت شورایی.

مفهوم این اصطلاحات و ترکیبها با توجه به دیدگاههای فکری مختلف در مورد مشارکت، تعبیر و تفسیر می‌شود. اما آنچه مهم است این است که مفهوم مشارکت ریشه در تفکرها و دیدگاههای گوناگون دارد و برای پی بردن به مفهوم آن نخست باید مفهوم مؤلفه‌های تشکیل دهنده یک دیدگاه بررسی شود و سپس به معنی و مفهوم مشارکت پرداخته شود.

### جدول شماره (۱): چگونگی نوآوری، مسئله یابی و مشکل گشایی از دیدگاه متخصصان

ردیف	چگونگی نوآوری، مسئله یابی و مشکل گشایی	اولویت	ارزش بدست آمده
۱	از طریق ایجاد پیوند منطقی بین پژوهش، آموزش و ترویج	۱	۳۹
۲	تماس مستمر مروجین کشاورزی با روستائیان و ارائه آموزش در جهت رفع تنگناهای آنان	۲	۳۲
۳	اهمیت دادن به رهبران محلی و نیروهای بالقوه روستا که از قدرت رهبری و آینده نگری نسبت به مسائل برخوردارند	۳	۲۹
۴	از طریق پژوهشهای مزرعه‌ای On farm research	۴	۲۸
۵	از طریق ارزشیابی عملکردهای انجام شده و بررسی ویژگیهای کمی و کیفی دگرگونیهای به وجود آمده در مردم	۵	۲۷
۶	انتخاب مروجین از میان روستائیان (نیروهای معین)	۶	۲۶
۷	انعکاس نظرات مروجین به مراکز پژوهشی	۷	۲۵

### جدول شماره (۲): نوع نیروهای و تخصصهای مورد نیاز ترویج از دیدگاه متخصصان

ردیف	اولویت اول
۱	جامعه شناس با مدرک دکترای جامعه شناسی روستایی جهت خدمت در سطح کشور
۲	متخصص ترویج با مدرک دکترای ترویج جهت خدمت در سطح کشور
۳	روانشناس اجتماعی با مدرک دکترای روانشناسی اجتماعی جهت خدمت در سطح کشور
۴	متخصص ترویج با مدرک دکترای ترویج جهت خدمت در سطح استان
۵	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس ترویج کشاورزی جهت خدمت در سطح کشور
۶	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس ترویج کشاورزی جهت خدمت در سطح استان
۷	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس و دیدن دوره ترویج جهت خدمت در سطح شهرستان
۸	مروج کشاورزی با داشتن مدرک لیسانس، مسئول عملکردهای میدانی ترویج در روستا
۹	مروج محلی دوره ترویج دیده با داشتن حداقل مدرک ابتدایی جهت همکاری با مروج در سطح روستا
	اولویت دوم
۱	جامعه شناس با مدرک دکترای جامعه شناسی روستایی جهت خدمت در سطح کشور
۲	متخصص ترویج با مدرک دکترای ترویج جهت خدمت در سطح کشور
۳	روانشناس اجتماعی با مدرک دکترای روانشناسی اجتماعی جهت خدمت در سطح کشور
۴	متخصص ترویج با مدرک دکترای ترویج جهت خدمت در سطح استان
۵	اقتصاددان با مدرک دکترای اقتصاد کشاورزی جهت خدمت در سطح کشور
۶	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس ترویج کشاورزی جهت خدمت در سطح استان
۷	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس ترویج کشاورزی و با دیدن دوره ترویج جهت خدمت در سطح استان
۸	کارشناس ترویج با مدرک لیسانس کشاورزی و دیدن دوره ترویج جهت خدمت در سطح دهستان
۹	کارشناس ترویج با مدرک لیسانس کشاورزی و دیدن دوره ترویج جهت خدمت در سطح شهرستان
۱۰	کارشناس ارشد ترویج با مدرک فوق لیسانس ترویج کشاورزی جهت خدمت در سطح کشور
۱۱	مروج کشاورزی با داشتن مدرک کاردانی کشاورزی مسئول عملکردهای میدانی ترویج در روستا
۱۲	مروج کشاورزی با داشتن دیپلم کشاورزی و مسئول عملکردهای میدانی ترویج در روستا
۱۳	مروج محلی دوره ترویج دیده با داشتن حداقل مدرک ابتدایی جهت همکاری با مروج در سطح روستا

جدول شماره (۳): چگونگی بهنگام نگهداشتن نیروهای ترویجی از دیدگاه متخصصان

ردیف	چگونگی بهنگام نگهداشتن	اولویت	ارزش بدست آمده
۱	با آموزشهای ضمن خدمت	۱	۳۸
۲	با ایجاد سیستمی که مروج و کارشناس بتوانند در کنار محققین فعالیت نمایند	۲	۳۴
۳	دادن آموزش مستمر و علمی و آشنا ساختن آنها با مسائل جامعه شناسی و روانشناسی	۳	۳۳
۴	گردهمایی نیروهای متخصص ترویج کشاورزی جهت بررسی مسائل و مشکلات و پیدا کردن راه حل آنها	۴	۳۲
۵	تشکیل سمینارها	۵	۳۱
۶	تشکیل کنفرانسها	۶	۳۰

جدول شماره (۴): عوامل کندکننده فعالیت‌های ترویجی از دیدگاه متخصصان

ردیف	عوامل کندکننده	اولویت	ارزش بدست آمده
۱	بی سوادی	۱	۳۹
۲	رکود اقتصادی و عدم سرمایه گذاری در عملکردهای ترویجی	۲	۳۷
۳	عدم حمایت دولت	۳	۳۶
۴	خرافات	۴	۳۵
۵	عدم ثبات اقتصادی و چند نرخ بودن کالاهای مورد نیاز کشاورزان	۵	۳۴
۶	بعد جغرافیایی و پراکندگی روستاها	۶	۳۳
۷	عدم استمرار طرحهای ترویجی	۷	۳۲
۸	اقتصادی نبودن عملکردهای کشاورزی	۸	۳۱